



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد علوم و تحقیقات

پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)

رشته الهیات . علوم قرآنی و حدیث

موضوع:

مهدویت و پیوند آن با اصلاح فرد از دیدگاه قرآن و حدیث

استاد راهنما:

حجۃ الاسلام و المسلمین مهدی مهریزی

استاد مشاور:

دکتر مژگان سرشار

استاد ناظر:

دکتر سید محمد علی ایازی

نگارنده:

سیمین صمیمی

سال تحصیلی ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سپاسگزاری

«الحمد لله الذي هدانا لهذا، ما كننا لنهتدى لو لا أن هدانا الله»

از استاد بزرگوارم جناب آقای مهدی مهریزی به خاطر راه نمائی‌های بسیار ارزشمندان
سپاسگزاری می‌کنم.

از استاد بزرگوارم سرکار خانم مژگان سرشار به خاطر راه نمائی‌های بسیار ارزشمندان
سپاسگزاری می‌کنم.

و با تجلیل و تقدیر از تمام استاد بزرگوار (شورای استاد و پژوهش) که با موضوع پایان نامه این
حقیر موافقت فرمودند و از استاد بزرگوار م مؤسسه مرکز تخصصی مهدویت (جناب آقای ابذری
و جناب آقای جعفری) که مرا در به ثمر رساندن این پژوهش یاری فرمودند کمال تشکر را دارم.

در پایان از مادر مهربانم و زنده یاد پدرم که در این راه مشقات و دشواری های بسیاری را بر
خویش هموار ساخته و مقدمات پیشرفت حقیر را فراهم نموده‌اند، بی‌نهایت سپاسگزاری می‌کنم.

تقدیم به

زمینه‌سازان ظهور حضرت مهدی (ع)،

تقدیم به آنان که در میان شک‌ها و تحریف‌های آخرالزمان صبر پیشه می‌کنند و با چشم بستن از تمامی لذات پوچ دنیوی، هوس‌ها، مقام پرستی‌ها و خودنماییها تلاش در جهت زمینه سازی و یاری آن حضرت را دارند.

برگ سبزی است تحفه درویش چه کند بینوا ندارد بیش

فهرست مطالب

عنوان: مهدویت و پیوند آن با اصلاح فرد از دیدگاه قرآن و حدیث

صفحه

۱	چکیده
(۵-۲	کلیات
(۶ - ۲	۱- فصل اول - جایگاه مهدویت در تشیع
	مقدمه
۷	۱ - ۱ - پیشینه مهدویت
۷	۱-۱- مهدویت به معنای عام
۸	۱-۲- مهدویت به معنای خاص
۱۱	۱-۲- جایگاه مهدویت در تشیع
۱۲	۱-۲-۱- اهمیت شناخت امام عصر(ع)
۱۳	۱-۲-۲- منظور از جاهلیت چیست؟
۱۴	۱-۳- ضرورت طرح مهدوی
۱۵	۱-۳-۱- بعد اعتقادی
۱۶	۱-۳-۲- بعد اجتماعی
۱۶	۱-۳-۳- بعد تاریخی
۱۷	۱-۳-۴- بعد فرهنگی
۱۷	۱-۴- امام واسطه فیض رسانی
۱۷	۱-۵- حضرت مهدی (ع) شبیه‌ترین فرد به رسول خدا(ص)
۱۸	۱-۶- احیای زمین به وجود حضرت مهدی(ع)
۱۸	۱-۷- نتیجه‌گیری
(۳۶۲۰	۲- فصل دوم: جایگاه اعتقاد به مهدویت در تربیت و اصلاح فرد
	مقدمه
۲۱	۲-۱- وجود امام زمان (ع) نعمت الهی
۲۱	۲-۲- شناخت امام عامل هدایت
۲۲	۲-۲-۱- نور حضرت مهدی(ع)

۲-۲-۲- خورشید پشت ابر	۲۴
۲-۳-۲- امامی که غایب است چگونه تأثیرگذار است؟	۲۶
۲-۴- امام هدایتگر	۳۰
۲-۳- امام زمان پدری دلسوز و مهربان	۳۱
۲-۱-۳- محبت متقابل حضرت مهدی (ع)	۳۲
۲-۴- یاد امام	۳۴
۲-۴-۱- توسل	۳۵
۲-۵- نتیجه‌گیری	۳۶
۳- فصل سوم: عرصه‌های تأثیرگذاری اعتقاد به مهدویت در اصلاح فرد	(۳۷-۶۸)
مقدمه	۳۸
۱-۳- معنی لغوی و اصطلاحی انتظار	۳۸
۲-۳- پیشینه انتظار	۳۸
۳-۳- جایگاه و وجوب انتظار موعود	۴۱
۴-۳- منظور از فرج در عبارت انتظار فرج در روایات چیست؟	۴۲
۴-۵- انتظار فرج در قرآن	۴۳
۴-۶- شیعه متظر چه کسی می‌باشد؟	۴۳
۴-۷- بررسی دیدگاهها (در ارتباط با مفهوم انتظار)	۴۵
۸-۳- آثار انتظار	۴۸
۱-۸-۳- بعد فکری	۴۸
۲-۸-۳- روحی و روانی	۵۱
۱-۲-۸-۳- ذکر و دعا	۵۲
۲-۲-۸-۳- رهاردن انتظار در روح و روان فرد	۵۴
۳-۸-۳- بعد اخلاقی	۶۱
۱-۳-۸-۳- الگوپذیری	۶۲
۲-۳-۸-۳- نظرات امام بر اعمال ما	۶۳
۳-۳-۸-۳- ظهور ناگهانی	۶۴
۴-۸-۳- بعد عملی	۶۵

۱-۴-۸-۳	- دینداری	۶۵
۲-۴-۸-۳	- پارسایی و اخلاق اسلامی	۶۵
۳-۴-۸-۳	- توجه مکتبی	۶۵
۴-۴-۸-۳	- امر به معروف و نهی از منکر	۶۶
۴-۴-۸-۳	- تمرین و ممارست	۶۶
۶-۴-۸-۳	- یاری حضرت	۶۷
۹-۴-۸-۳	- نتیجه گیری	۶۸
۴ - فصل چهارم: موانع تأثیرگذاری اعتقاد به مهدویت در اصلاح فرد	(۱۲۱-۷۲)	
۴-۱-۳-۴	- مقدمه	۷۳
۴-۲-۳-۴	- آسیب شناسی تربیتی مهدویت	۷۸
۴-۳-۴	- علل آسیب‌زا	۷۹
۴-۴-۴	- تلقی انحرافی از اصل مهدویت	۷۹
۴-۱-۳-۴	- حصاربندی - حصار شکنی	۸۰
۴-۱-۱-۳-۴	- مهدی شخصی و مهدی نوعی	۸۱
۴-۲-۳-۴	- مرید پروری - تکپروری	۸۳
۴-۳-۳-۴	- قشری گرایی و عقل گرایی	۸۹
۴-۴-۴	- تلقی انحرافی از مسئله ظهور	۹۳
۴-۱-۴-۴	- عدم توجه به تفاوت استعداد در افراد مختلف	۹۳
۴-۲-۴-۴	- کمال گرایی - سهل انگاری	۱۰۰
۴-۳-۴-۴	- استعجال ظهور	۱۰۳
۴-۴-۴-۴	- تعیین وقت برای زمان ظهور	۱۰۴
۴-۴-۵-۴	- تطبیق علائم ظهور بر مصاديق خاص	۱۰۵
۴-۵-۴-۴	- تلقی انحرافی از مسئله دیدار	۱۰۶
۴-۱-۵-۴	- خرافه پردازی، راز زدایی	۱۰۶
۴-۲-۵-۴	- پیروی از مدعیان مهدویت	۱۰۹
۴-۳-۵-۴	- بی هدف بودن دیدار	۱۱۰
۴-۴-۵-۴	- افراط و تغفیر ط در نقل تشرفات	۱۱۰

۶- تلقی انحرافی از مسئله انتظار ۱۱۰
۴-۱- عدم کنترل هواهای نفسانی ۱۱۱
۴-۲- عدم امر به معروف و نهی از منکر ۱۱۱
۴-۳- سبک شمردن گناهان ۱۱۲
۴-۴- تبلیغات سوء محیط ۱۱۷
۴-۵- پیشگیری و مبارزه با آسیب‌های مباحث مهدویت ۱۱۷
۴-۶- نتیجه‌گیری ۱۲۱
۴-۷- فهرست منابع ۱۲۲
۶- چکیده انگلیسی ۱۲۵

چکیده

مسئله اعتقاد به معلم و اصلاحگر برای عالم بشریت از زمان خلقت آدم وجود داشته است . اعتقاد به مهدی موعود (ع) نیز از عصر پیامبر اسلام(ص) در میان امت مسلمان به ظهور رسید . به این معنا که امام دوازدهم از سلاله پیامبر اسلام (ص) به صورت یک مصلح جهانی، در ابعاد اعتقادی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی پدیدار می شود. از منظر قرآن و بعضی روایات امامان معصوم (ع) به نظر می رسد که وجود امام دوازدهم، واسطه‌ی فیض و نور هدایتی در جامعه خواهد بود که همچون پدری دلسوز به اصلاح و تربیت انسان‌ها می‌پردازد. این رساله در صدد تبیین تحلیلی از مفهوم وجایگاه انتظار است . در این راستا به بررسی دیدگاه‌های مختلف پرداخته تا نشان دهد چگونه از رهگذار اعتقاد به مصلح جهانی، انسان را در تربیت و پرورش ابعاد مختلف فکری، روحی، اخلاقی و علمی یاری می‌رساند. به علاوه به موانع تأثیرگذاری این اعتقاد و انتظار نیز اشاراتی دارد.

کلید واژه‌ها: اعتقاد، مهدویت، شیعه، انتظار، اصلاح، آموزه‌های دینی، تلقی‌های انحرافی

در مذهب شیعه، منجی موعود نه تنها به عنوان انسان برتری در آخر الزمان زمین را از عدالت پرمی‌سازد و انسان‌های در بند را رهایی می‌بخشد، بلکه در این مذهب او به عنوان تداوم بخش رسالت انبیاء، وارث اولیای الهی و در یک کلام، حجت خدا بر روی زمین است.

به اعتقاد شیعه حجت خداوند بر روی زمین از طرفی راهنمای آشکار مردم به سوی صراط مستقیم و از طرف دیگر ملاک و معیاری است که انسانها می‌توانند با رجوع به او میزان انطباق خود را با دین خدا بسنجند. لوازم تربیتی معینی بر اعتقاد به حضرت مهدی (ع) مترتب است. بر این اساس مهدویت، تنها مسائله‌ای اعتقادی نیست، بلکه از بعد تربیتی نیز برخوردار است. هنگامی که معلوم می‌شود بر اساس متون روایی، اعتقاد به وجود ظهر مهدی (ع)، ضروری است، مجموعه دانشی برای افراد فراهم می‌شود. البته وقتی که این مجموعه دانش، به همراه خود، تحولات هیجانی، عاطفی و عملی م‌عینی را ایجاد می‌کند که ضمن آن، افراد می‌کوشند خود را برای یاوری امام مهدی (ع) مهیا سازند، در اینجا چهره‌ی تربیتی مهدویت آشکار می‌گردد. بنابراین هر کس باید تا پیش از آشکار شدن حجت خداوند چنان زندگی کند و جامعه‌اش را چنان بسازد که گویا انتظار او انتظاری زنده و پویا است که در لحظه لحظه حیات آدمی جاری می‌شود و زندگی فردی و اجتماعی او را متحول می‌سازد.

الف- بیان مسئله

با توجه به اینکه اعتقاد به مهدویت از جمله باورهای مسلم شیعه و فرقه های اسلامی است، مسائلی قابل بررسی می‌نماید. از جمله این که اعتقاد چه تأثیری در زندگی فردی انسان دارد و این اعتقاد چه بخش‌هایی از زندگی انسان را در بر می‌گیرد. این رساله، عهده‌دار تبیین دقیق آیاتی چون «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيُسْتَخْلِفَهُمْ فِي الْأَرْضِ..»^۱ و احادیث، از جمله «من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتةً جاهليةً»^۲ است که بر اساس آن، به اثبات ارزش وجودی فرد و قبولی عمل فرد می‌پردازد این رساله نشان می‌دهد که ارزش انسان مسلمان در گرو ارتباط معنوی با حضرت مهدی (ع) است. هم‌چنین با تحلیلی بر تعبیر انتظار و تأثیر آن بر متظران حضرت، آثار اعتقادی امام زمان (ع) را در ابعاد مختلف فردی در عرصه های «فکری، روحی، روانی، اخلاقی

۱- نور، ۵۵

۲- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی. کمال الدین و تمام النعمۃ ، ۲ جلد در یک جلد، دارالکتب الاسلامیة ، قم ، ۱۳۹۵ ، ه.ق .

و عملی» نشان می‌دهد. سپس با توجه به معنای دقیق اصلاح فرد، وجوب شناخت و انتظار مهدی موعود (ع) در دوران قبل از ظهور را، مشخص نموده و با ذکر انحرافات تربیتی از جمله کج فهمی‌ها و تلقی‌های انحرافی در دین، در ظرف وجودی فرد، به جمع‌بندی می‌پردازد. هدف این تحقیق آن است که خواننده را به تأثیر پیوند معنوی امام عصر(ع) و اصلاح در وی برساند.

ب- سوال‌های اصلی تحقیق:

- ۱- آیا در اندیشه مهدویت، بین اعتقاد به مهدویت و اصلاح فرد رابطه معنی‌داری وجود دارد؟
- ۲- عرصه‌های تأثیرگذاری اعتقاد به مهدویت در اصلاح فرد چیست؟
- ۳- موانع تأثیرگذاری اعتقاد به مهدویت در اصلاح فرد چیست؟

ج - فرضیه اصلی تحقیق:

بین اعتقاد فرد به مهدویت و اصلاح او رابطه‌ای وجود دارد. اعتقاد به مهدویت در اصلاح فکری، اخلاقی، روانی و عملی فرد تأثیر دارد. عدم شناخت، عدم اعتقاد واقعی به حضرت مهدی (ع) و میزان کج فهمی‌ها در دین و علاقه‌ها و دلбستگی‌های نادرست در ظرف وجودی فرد و یأس از رحمت الهی از جمله موانع تأثیرگذاری مباحثت مهدوی در اصلاح فرد می‌باشد.

د- روش شناسی تحقیق

نگارنده در این تحقیق، از روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از کتب قرآنی، حدیثی، لغوی، اخلاقی بهره بپردازد. هم‌چنین از نرم‌افزارهای تفاسیر قرآن و حدیث چون جامع تفاسیر القرآن، جامع احادیث نور، کتابخانه تخصصی موعود، شمیم گل نرگس و انتظار استفاده کرده است. گاهی برای یافتن منابع و تحقیقات جدیدتر رجوعی به سایتهای مختلف اینترنتی داشته است.

ه - مشکلات تحقیق

- ۱- عدم وجود حتی یک کتابخانه محقق در شهرستان نگارنده و عدم امکان ایاب و ذهاب از شهرستان (هرچند نزدیک به تهران) به نزدیکترین کتابخانه‌ها در شهرهای اطراف و...
- ۲- روبرویی با حجم زیادی از احادیث درباره مهدویت، با توجه به دعواهای جعل.

و- ادبیات تحقیق

با تفحصی کوتاه در چکیده‌ی پایان نامه‌های ایران، در متن هیچ پایان‌نامه‌ای، توضیح مستقلی در زمینه تأثیر اعتقادی مهدویت در اصلاح و تربیت فرد دیده نشد. تنها بحث مهدویت و غیبت از زمان گذشته تا حال در برخی کتب حدیثی، همچون غیبت شیخ طوسی و غیبت نعمانی و

کمال‌الدین و تمام‌النعمه صدق مطرح بوده و در اصل این بحثها، به غیبت حضرت مهدی (ع) اشاره شده است. اما این بحث تربیتی در درجه معاصر سیر کندي داشته و توجه اندکی به آن صورت گرفته و تنها در لابه‌لای مجلات و کتب مربوط به انتظار به وظایف و آثار منتظران البته نیم نگاهی صورت پذیرفته است. و مقالات کوتاهی هم چون: آسیب‌شناسی مهدویت، یا کتبی مانند، انتظار عامل حرکت و مقاومت، انتظار پویا و مانند آن نگاشته شده است.

ز- سازماندهی فصول تحقیق

تبیین جایگاه مهدویت در تشیع که ابتدا به بیان پیشینه بحث اعتقاد به مهدویت که دو قسمت مهدویت عام و مهدویت خاص عرضه شده و به پیشینه بحث اعتقاد به حضرت مهدی (ع) و تأثیر آن در اصلاح فرد اشاره گردیده است.

سپس این نوشتار به تبیین جایگاه حضرت مهدی (ع) در میان شیعیان از زمان صدر اسلام تا کنون با تحلیلی بر روایات می‌پردازد.

در فصل دوم این نوشتار با اشاره بر نعمت وجود امام به عنوان نعمت الهی، امام هدایتگر و نورانی، خورشید پشت ابر و پدری دلسوز و مهربان توصیف شده و با اشاره به محبت متقابل حضرت بر شیعیان، به تأثیر یاد حضرت و توسل بر او اشاره گردیده است.

در فصل سوم به شرح جایگاه اعتقاد به مهدویت و تأثیر تربیتی آن بر شیعه منتظر خواهد پرداخت. نگارنده در این فصل انتظار، را در لغت و اصطلاح بیان کرده و دیدگاههای مختلف در ارتباط با این واژه، وظایف منتظران و آثار تربیتی انتظار را تبیین نموده است. عرصه‌ی این تأثیر، در تفکر، اخلاق و عمل انسان نمودار می‌شود.

فصل چهارم این نوشتار، به ذکر موانع، آسیب‌ها و علل آن در جریان تأثیرگذاری اعتقاد به مهدویت در تربیت فرد می‌پردازد. این مانع‌ها همان کج فهمی‌ها و تلقی‌های انحرافی از مهدویت است که ریشه در جهل و ندانی افراد داشته و به شکل‌های مختلف خود را نشان می‌دهد.

۱- فصل اول

کلیات

جایگاه مهدویت در تشیع

مقدمه

در قرآن کریم خداوند می فرماید: «بَقِيَّتُ اللَّهُ»^۱ یعنی: به بقیه و انتهای تجلی خداوند و همه ادیان اشاره شده است. در تأویل این آیه آمده که حضرت مهدی (ع) تجلی تام امامت است. نگارنده در این فصل در پی اثبات این مهم است که حضرت مهدی (ع) در شیعه از جایگاه والایی برخوردار است. با توضیح در اهمیت شناخت امام عصر (ع) در ابعاد مختلف عقیدتی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی امام عصر (ع) را واسطه فیض رسانی و شبیه ترین فرد به پیامبر اکرم (ص) معرفی خواهد نمود و در پایان به حیات و زندگی زمین در گرو برکت وجودی حضرت اشاره خواهد نمود . هدف از این نوشتار اشاره‌ای بر جایگاه حضرت مهدی (ع) در میان شیعیان است با مشخص شدن این جایگاه اهمیت و تأثیر اعتقاد به حضرت در فصلهای آینده مورد بررسی قرار خواهد گرفت . لذا در ابتدا بپیشینه این بحث مختصراً اشاره می نمائیم.

۱- پیشیغ مهدویت

در این قسمت به اسناد و مدارک موجود تاریخی، در ارتباط با اعتقاد به حضرت مهدی (ع) به عنوان مهدویت در معنای عام و مهدویت در معنای خاص آن پرداخته، و با بررسی این اسناد و مدارک پیشینه تفکر اعتقاد به حضرت مهدی (ع) را در اصلاح فرد مشخص خواهیم نمود.

۱-۱- مهدویت به معنای عام:

اعتقاد به منجی عالم بشریت از عقاید مسلم شیعه و سنی و بسیاری از ادیان دیگر می باشد که پشتونه این مطلب دراسلام، آیات و روایات بسیاری از معصومین (ع) است. در روایتی پیامبر اکرم (ص) فرمودند: آنها در اطاعت از امام خویش می کوشند.^۲

مهدویت بیشتر به صورت مسئله انتظار عنوان شده از محدوده دین فراتر رفته و مذهب و رویکردهای غیردینی نظری مارکسیسم را نیز شامل شده است: برای اثبات این مدعای کافی است تنها به یک نمونه از اعترافات بعضی از دانشمندان چون گلدزیهر اشاره کنیم:

گلدزیهر ، خاور شناس و یهودی متعصب، درباره جهانی بودن مسئله انتظار و عمومیت انتظار اقوام مختلف برای ظهور یک «منجی بزرگ» می گوید: «اعتقاد به بازگشت و ظهور «منجی موعود»، اختصاص به اسلام ندارد . پندرهای مشابهی را می توان در میان اقوام دیگری نیز، به فراوانی

۱ - هود، ۸۶

۲ - سلیمان، کامل، یوم الحلاص، ص ۲۲۳، چاپ اول و چهارم، بیروت، [بی تا].

یافت. بنابر اعتقاد «هندویسم»، «ویشنو» در حالی که بر اسبی سفید سوار است و شمشیری از شعله آتش به دست دارد، در پایان دوره کنونی جهان، به عنوان «کال کی» ظاهر خواهد شد.^۱

انتظار، تنها به ادیان تعلق ندارد؛ بلکه مکاتب و مذاهب نیز ظهور نجات بخشتی که عدل را به عنوان نمونه: به انتظار در ادیان پیش از اسلام همچون در عهد قدیم از کتاب مقدس نیز اشاره شده است: «از وجود اشرار و ظالمان دلتنگ مباش که به زودی ریشه ظالمان، بریده خواهد شد، منتظران عدل الهی زمین را به میراث می‌برند و آنان که لعنت شده‌اند، پراکنده شوند و صالحان از مردم، همان کسانی‌اند که زمین را به میراث برند و تا فرجام حیات جهان در آن زندگی می‌کنند». این حقیقت، در قرآن کریم نیز چنین آمده است: «ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادى الصالحون». ^۲ یعنی: بی‌گمان در زبور، پس از تورات نوشتم که زمین را بندگان شایسته ما به ارت خواهند برد. در این مورد از باب نمونه چند مثال می‌آوریم.

الف - بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) در کتاب انجیل (متی^۳، مرقس^۴، لوقا^۵، یوحنا^۶)
 ب - بشارت ظهور حضرت مهدی (ع) در منابع زرتشتیان.^۷ بگستراند و عدالت را تحقق بخشد، انتظار می‌کشند».

۱-۲- مهدویت به معنای خاص

در حقیقت عقیده به امام مهدی (ع) و بحث در ارتباط با مهدویت از آغاز اسلام در بین مسلمانان شایع بود. پیامبر اکرم(ص) نه یک بار بلکه بارها از آن وجود حضرت خبر می‌داده و گاه و بیگاه از دولت امام مهدی (ع) و علائم و آثار و نام کنیه‌اش گفتگو می‌کرده است. احادیثی که از پیامبر اکرم(ص) در این باره صادر شده و از طریق شیعه و سنی به ما رسیده، از حد تواتر متجاوز است.

۱ - گلزاری، ایگناتز، العقيدة والشريعة في الإسلام به ترجمه: محسن جهانسوز، ص ۵-۷.

۲ - کتاب مقدس، سفرمزامیر داوود،

۳ - آنیاء، ۱۰۵.

۴ - کتاب مقدس، انجیل متی، ص ۴۴، باب ۲۵، بندهای ۲۱-۲۴.

۵ - همو، انجیل مرقس، ص ۷۷، باب ۱۳، بندهای ۱-۹ و ۳۲-۳۷ الی.

۶ - همو، انجیل لوقا، ص ۱۱۶، باب ۱۲، بندهای ۳۵ و ۳۶ و ۳۷-۴۰.

۷ - همو، انجیل یوحنا، ص ۱۵۲، باب ۵، بندهای ۲۶-۲۸.

۸ - بشارات عهدین، ص ۲۳۷.

پس از وفات رسول اکرم (ص) داستان مهدویت همواره بین اصحاب بزرگ آن جناب و تابعین، مورد تسلم و بحث بوده است. از باب نمونه : ابوهریره می‌گوید: در بین رکن و مقام با مهدی (ع) بیعت می‌شود.^۱

خانواده پیامبر اکرم (ص) و یازده امام از مهدی (ع) خبر داده‌اند همانگونه که ذکر نمودیم، بعد از رحلت رسول اکرم (ص) نیز موضوع مهدویت، در بین مسلمانان و اصحاب ائمه اطهار شایع و مورد بحث بوده اهل بیت پیامبر اکرم (ص) و حاملین علوم و اسرار نبوت، که از همه کس، به اخبار و احادیث پیامبر اکرم (ص) آشناتر بودند. درباره حضرت مهدی (ع) سخن می‌گفتند و به سؤالات مردم پاسخ می‌دادند.^۲

در قرن سوم هجری می‌توان به کلینی اشاره نمود . کلینی در جای جای کتاب خود از احادیث مربوط به امام عصر (ع) ذکر نموده و کتاب *الحجۃ* وی مختص به احادیث حضرت ولی (ع) می‌باشد. در قرن چهارم نعمانی در کتاب *الغیقہ* خود روایات بسیاری را در باب حضرت مهدی (ع) عنوان نموده است و شیخ صدوق نیز در کمال الدین و تمام النعمة خود در مورد غیبت و ظهور امام زمان (ع) روایات بسیاری را عنوان نموده است و این کتاب از قدیمی ترین و معتبرترین منابع روایی شیعه درباره امام زمان (ع) است. مفید نیز در این قرن در کتاب *الارشاد* خود از روایات درمورد امام عصر و به دو توقع منسوب به حضرت ولی عصر اشاره می‌نماید. در کتاب *الغیقہ* نیز طویلی به روایات و مسائل مربوط به امام مهدی (ع) می‌پردازد.^۳

امام حسن عسکری (ع) در سال ۲۶۰ به شهادت رسید.^۴ دوران بعد از امام حسن عسکری (ع) را می‌توانیم به دو قسمت تقسیم نمائیم. الف - غیبت صغیر؛ ب - غیبت کبری.

بعد از شهادت امام حسن عسکری (ع) جز عده‌ای محدود از ثقات اصحاب و خواص دوستانش کسی از فرزندش اطلاعی نداشت . جمعیت کمی از شیعیان در حالت تقیه و تحت فشار مخالفان اعتقاد خود به حضرت مهدی (ع) را پنهان می‌نمودند. اما با گذر زمان و گسترش مذهب امامیه بین مسلمانان، کم کم بر تعداد معتقدان به حضرت مهدی (ع) و غایب بودن آن بزرگوار افزوده می‌شود.

۱ - علی بن موسی بن جعفرین محمدبن طاووس، ترجمه: *الملاحم و الفتن*، ص ۴۶.

۲ - از باب نمونه علی بن ایطالب (ع) فرمود: «مهدی موعود از ما به وجود خواهد آمد و در آخرالزمان ظهور می‌نماید در بین هیچ ملتی، مهدی منتظر جز او وجود ندارد».

۳ - برای آشنایی بیشتر این کتب بنگرید به: جعفری، جواد، جزوه منبع شناسی، مرکز تخصصی مهدویت [بی‌تا].

۴ - مفید، *الارشاد فی معرفة حجج العباد*، ج ۲، ص ۲۳۶.

این مسأله به خوبی در کتاب‌هایی که در قرون بعدی نگاشته شده، نمایان است. قرون پنجم تا هفتم از جمله این دوران می‌باشد که برای آشنایی بیشتر به این امر مروری کوتاه خواهیم کرد بر این کتاب‌ها و برخی موضوعات که در آن‌ها مطرح شده است.

الف: کتاب *المقنعم فی الامامة*، تأليف عبیدالله بن عبد الله اسدآبادی این کتاب از آثار قرن پنجم هجری است.^۱

مصنف در دو فصل آخر، به مسأله امامت حضرت مهدی (ع) می‌پردازد و در ادامه به ذکر نواب اربعه حضرت می‌پردازد، که او لین آنها عثمان بن سعید عمر وی است. وی توسط امام حسن عسکوی (ع) معرفی شده و حضرت، اهل و عیالش را هم به او سپرده است . عثمان بن سعید عمر وی هنگام وفاتش، به دستور امام زمان (ع) پرسش محمد را نایب خاص امام معرفی می‌کند. محمدبن عثمان بن سعید عمر وی نیز هنگام مرگش به دستور امام، حسین بن روح نوبختی را نایب خاص امام معرفی می‌کند و درنهایت، هنگام مرگ حسین بن روح به دستور امام زمان، محمدبن سهل سمری نایب خاص امام می‌شود. او آخرین نایب خاص حضرت می‌باشد و بعد از او، نایب خاص و شخصی وجود ندارد.^۲

ب: کتاب احتجاج، تأليف، ابو منصور احمدبن علی بن ابی طالب طبرسی از علمای قرن پنجم است و اوایل قرن ششم را هم درک کرده است.^۳

طبرسی بخش پایانی کتاب را ویژه سخنان و توقیعات و مکتوبات حضرت صاحب الزمان (ع) است.

ج - کتاب *المتنفذ من التقليد*، تأليف شیخ سیدی الدین محمود حمصی رازی حمصی رازی از اعلام قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری می‌باشد. این کتاب، جامع ترین و کامل‌ترین کتاب کلامی است که از قرن ششم به یادگار مانده . مرحوم حمصی رازی در بخش پایانی جلد دوم این کتاب، به مسأله امامت امام زمان (ع) و غیبت آن حضرت می‌پردازد.

۱ - عبد الله اسدآبادی هم عصر شیخ الطائفه طوسی می‌باشد؛ اسد آبادی، عبیدالله بن عبد الله ، *المقنعم فی الامامة* ، ص ۲۰-۲۱.

۲ - همو، ص ۱۴۸ و ۱۴۶.

۳ - طبرسی، احمدبن علی ، *الاحتجاج* ، ص ۲۲.

هم‌اکنون بیش از ۵۰ جلد کتاب معتبر مستقل درباره وجود مقدس حضرت مهدی (ع) از علمای اهل سنت^۱ و متجاوز از یک‌هزار جلد کتاب مستقل در مسأله مهدویت در دست است .^۲ که با مطالعه برخی از مطالب این کتب به ریشه‌دار بودن این عقیده پی می‌بریم.

با ذکر نمونه‌هایی از تاریخچه بحث اعتقاد به مهدویت ب صورت عام و خاص به این نتیجه می‌رسیم که اسلام، برای با رور ساختن این ایده‌ی فطری و تاریخی، با طرح و برنامه‌ی روشن، تحقق آرمانهای مورد انتظار بشر را مهمنم ترین رسالت خود اعلام نموده و آن را در دستور کار برنامه‌های آینده‌ی خود قرارداده است. درمورد تاریخچه مبحث تربیت هم، با توجه به آنکه عنصر اصلی ادیان، تحقق تربیت انسانها و ویژگی خدامحوری و بندگی خداوند می‌باشد، تلاش همه انبیای الهی در راستای به ثمر رساندن این آرمان بوده است و بحث تربیت نیز از ابتدای خلقت آفرینش دارای سابقه‌ی می‌باشد. از این رو بزرگترین انبیاء و امامان (ع) برای تربیت و تکامل انسانها تلاش نموده و برای تحقق برنامه‌های هدایتی و تربیتی خداوند، رنج‌ها متحمل شده‌اند، به طوری که اگر ادیان درباره منجی گرایی و به تعبیر اسلامی درباره مهدویت و انتظار او سخن می‌گویند. هدف نهائی‌شان همین آرمان انسان سازی و جامعه سازی براساس ملاک‌های تربیتی الهی می‌باشد. بررسی‌های انجام شده در کتابهای گذشته و کتابنامه‌های عصر حاضر و مقالات و مانند آن، کتابی و پایان نامه‌ای به صورت خاص با این عنوان و رویکرد تربیتی مدنظر در این اثر، ارائه نشده است. لذا در این پایان نامه با ادعای آنکه اعتقاد به مهدویت در زمان گذشته، حال و آینده اثرات تربیتی داشته، دارد و خواهد داشت به بررسی شواهد به دست آمده از این اعتقاد در دوره‌های مختلف تاریخی پداخته و جایگاه، عرصه‌ها و موانع را در این زمینه بیان خواهیم نمود. امید است این اثر بتواند ادعای مطرح شده را در سطح قابل قبول، تأمین نماید.

۱-۲- جایگاه مهدویت در تشیع

انسان کامل انسانی است که اخلاق خداگونه دارد و علت غایی خلقت، سبب آفرینش و بقای عالم، مظهر جامع اسماء‌الله، واسطه میان خلق و خالق، یگانه خلیفه خدا در زمین است که علم او به شریعت، طریقت، حقیقت قطعیت یافته، به ظاهر و باطن راهنمای انسان‌ها است. حضرت مهدی (ع) به عنوان یک انسان کامل در میان شیعه از جایگاه خاصی برخوردار می‌باشد. از باب

۱- اسامی آنها را در کتاب «علی محمد علی دخیل، الامام‌المهدی، صفحه ۲۶۰، کتاب «او خواهد آمد» صفحه ۷۹-۸۴، بخوانید.

۲- سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ترجمه‌ی علی‌اکبر مهدی‌پور، آفاق، تهران، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۱۶.

نمونه در ذکر اهمیت شناخت امام عصر (ع) با ذکر روایاتی چند به شرح این جایگاه پرداخته خواهد شد:

۱-۲-۱- اهمیت شناخت امام عصر(ع)

برخی از روایات متنضم میزان اهمیت شناخت دقیق، انس و ارادت مسلمانان به امام هر عصر و زمان خودشان است. به گونه‌ای که از عدم شناخت آنان، به مرگ جاهلی و مانند آن تعبیر شده است.^۱

الف - امام رضا (ع) فرمود: «مَنْ ماتَ وَ لِيُسْ لِهِ إِمَامٌ ماتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً... وَالوَاقِفُ كَافِرُ، وَ النَّاصِبُ مُشْرِكٌ» در این روایت حضرت شخصی را که امام زمانش را نشناسد واقف کافر و ناصب مشرک معرفی می‌نماید.^۲

ب - در روایتی از امام باقر (ع) نقل شده که معرفت و شناختن امام زمان ، برابر با در خیم ة حضرت قائم (ع) بودن است.^۳

در روایتی به نقل از رسول خدا آمده که فرمود : «...أَوْلَهُمْ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَآخِرَهُمْ الْقَائِمُ هُمْ خَلْفَلَى... وَالْمُنْكَرُ لَهُمْ كَافِرٌ». ^۴

ج - امام صادق (ع) فرمود: «مَنْ ماتَ... كَفَرٌ وَ شَرِكٌ وَ ضَلَالٌ». در این روایت مرگ در جاهلیت همان کفر و شرک و ضلالت معرفی شده است.

د- در کتاب سليم به نقل از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «مَنْ ماتَ... فَإِنْ جَهَلَهُ وَ عَادَهُ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ إِنْ جَهَلَهُ وَ لَمْ يَعَاذْهُ وَ لَمْ يَوَالْهُ عَدُوًا فَهُوَ جَاهِلٌ وَ لِيُسْ بَمْشِرِكٌ»^۵ در این روایت شخصی که نسبت به شناخت امام زمانش نادان باشد و با او دشمنی ورزد، مشرک شناخته شده، ولی اگر با امامش دشمنی نداشته باشد و با دشمن امامش دوستی نکند، چنین فردی نادان شمرده شده اما مشرک نیست.

۱- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمت، ج ۲، ص ۳۳۷؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۲- همو، ج ۲، ص ۳۳۷.

۳- در تفسیر آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنْسٍ بِمَا مَهُمْ»^۶ علی، محمد بن ابراهیم، الغیبیه ، ص ۳۳۱، ح ۳ ، مکتبه صدوق، تهران، ۱۳۹۷ هـ. ق.

۴- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمت، ج ۱، ص ۶۶۸؛ و بنگرید به: ح ۱۱، ح ۱۳ و ص ۴۱۳، ح ۱۲.

۵- همو، ج ۲، ص ۴۱۲، ح ۱۱.

۶- همو، ج ۲، ص ۴۱۳، ح ۱۲.

کلینی نیز از احمد بن ادر یس به سند خود از حارت بن مغیره از ابو عبدالله صادق(ع) روایت می‌کند: «به ابو عبدالله صادق گفتم: آیا رسول خدا (ص) گفته است که: «هرکس بمیرد و بی امام باشد برکیش جاهلیت مرده است؟» گفت: بله. گفتم: جاهلیت خالص یا جاهلیت از حیث امام و رهبر؟ گفت: جاهلیت کفر و نفاق و ضلالت». ^۱

۱-۲- منظور از جاهلیت چیست؟

در روایات مذکور برای فهم بهتر احادیث به بررسی مفهوم جاهلیت از قول خداوند در قرآن کریم پرداخته، تا با فهم آن به فهم بهتر احادیث دست یابیم.

خداوند فرمود: «و مانند روزگار جاهلیت نخست، زینت‌های خود را آشکار مکنید». ^۲

و در روایتی نیز از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که فرمود: «(خداوند) او را هنگام رسالت مبعوث کرد که مدت‌ها بود که کسی به رسالت برانگیخته نشده بود و مردم در انجام دادن وظیفه، از راه حق، منحرف گشته بودند و امتهای پیامبران پیشین در غفلت و نادانی، سرگردان بودند». ^۳ قرآن، روزگار قبل از اسلام عرب را، دوره جاهلیت نامیده است و این، از آن جهت است که در آن روزگار به جای علم، جهل و به جای حق، یک سلسله آرای سفیها نه و باطل، بر آنان حکومت می‌کرده است. قرآن خصوصیات آنان را چنین بیان می‌کند. «درباره خدا، گمان‌های ناروا، همچون گمان‌های (دوران) جاهلیت می‌برند». ^۴ این اوضاع و شرایط، برای آلن جامعه‌ای بی‌قانون و دور از از تمدن و باورهایی بی‌اساس که مخلوطی از آداب و رسوم یهود و نصارا و مجوس بود، به وجود آورده بود و آنها به خدا و معاد اعتقاد نداشتند و مردم در نادانی و بی‌خبری کامل به سر می‌بردند، که خداوند (درباره آنها) چنین فرموده است: «و اگر بیشتر کسانی که در این سرزمین‌اند، پیروی کن، تو را از راه خدا گم راه می‌کنند. آنان جز از گمانِ (خود) پیروی نمی‌کنند و جز به حدس زدن نمی‌پردازند»^۵

۱- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۷؛ و بنگرید به: بهبودی، محمدباقر، گزیده‌ی کافی، ج ۱، ص ۹۸، ص ۱۲۹.

۲- خداوند فرمود: «ولا تبَرّجْنَ الْجَهْلِيَّةُ الْأُولَى» أحزاد، ۲۳.

۳- نهج البلاغه، خ ۹۵، ص ۱۴۰. دارالمحقرة قم.

۴- خداوند فرمود: «يُظْنُونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظُنَنَ الْجَهْلِيَّةِ». آل عمران ، ۱۵۴.

۵- خداوند می‌فرماید: «وَ إِنْ تَطْعَمُ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضْلُوكُ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» انعام، ۱۱۶.

با توجه به روایاتی که در ارتباط با مرگ جاهلیت عنو ان نمودیم. از اسباب بازگشت به جاهلیت، نشناختن امام زمان (ع) بود، که عواملی موجب این بازگشت به جاهلیت می‌گردد، که از ذکر آن به علت طولانی شدن کلام خودداری می‌نماییم.^۱

با توجه به آیات و روایات مذکور معلوم می‌گردد که:

الف - کفر: یعنی اگر با امام بر حق ستیزه کرده و مخالفت ورزیده و یا از امام و پیشوای جائز طرفداری کرده است و از روی دل به حکم او گردن نهاده کافر می‌میرد.

ب - نفاق: اگر طرفداری از حکومت جور نکرده و اظهار مخالفت با امام برحق هم ننموده ولی بر اثر اهمال دنبال حق نرفته و در مقام جهاد و مبارزه بر نیام ده و امروز و فردا کرده و به حساب اینکه ببینم چه می‌شود گذرانیده، این روحیه نفاق آمیزی دارد و منافق مرده است، البته نفاق درجاتی دارد که شاید بعضی از درجات آن مشمول رحمت حق شود چنانچه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «تا خدا مخلصان را به اخلاص خود پاداش دهد و منافقان را عذاب کند یا از آنها توبه پذیر گردد به درستی که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است»^۲.

ج - ضلالت و گمراهی: این درجه خفیف تر است نسبت به جاهل قاصر یا مستضعف است که وسیله امام شناسی برای او فراهم نبوده و دستش بدامن امام بر حق نرسیده و شخص گمراه هم از نظر این که برای درک حق تلاش کرده یا نکرده خوش کردار زیسته یا بد کردار تا چه اندازه درباره خود و دیگران ستم کرده یا نکرده وضعیات مختلفی دارد.^۳

در نتیجه بی معرفتی نسبت به امام زمان (ع): به صورت آشکار، کفر و به صورت مخفیانه، نفاق و همراه با کوتاهی و تقصیر، ضلالت محسوب می‌گردد.

۱-۳- ضرورت طرح مهدویی^۴

اکنون اگر بخواهیم ضرورت طرح مهدویت را در یک دسته بنده نشان دهیم، این ضرورت را در ابعاد گوناگونی چون اعتقادی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی مشخص و نشان می‌دهیم.

۱- بنگرید به: محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه عقاید اسلامی، ج ۱، ترجمه‌ی: مهدی مهریزی، با همکاری دکتر رضا برنجکار، دارالحدیث، قم.

۲- احزاب، ۲۴.

۳- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۶ - ۳۷۸.

۱-۳-۱- بعد اعتقادی

در زمینه اعتقادی از باب نمونه به نقل از امام صادق (ع) اشاره می‌نماییم. امام صادق (ع) فرمودند: روزی امام حسین (ع) نزد اصحاب خود آمدند و بعد از حمد خدای عزوجل و صلوات بر محمد (ص) فرمودند: «ای مردم، قسم به خدا، پروردگار بندگان را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند. پس وقتی او را شناختند، به عبادت او بپردازنند و با بندگی او، از بندگی غیر او بی نیاز شوند. آنگاه مردی از ایشان پرسید: پدر و مادرم فدای شما، ای پسر رسول خدا، معرفت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: یعنی مردم هر زمان: امام خودشان را که اطاعت او برایشان واجب است، بشناسند.^۱ روایت مذکور ناظر براین است که کمال انسان و هدف خلقت او، رسیدن به مقام عبودیت و بندگی خدادست. چنان که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و مخلقت الجن و الإنس إلّا ليعبدون»^۲

در برخی از روایات نیز ضرورت وجود حضرت در پرستش خداوند توسط حجت الهی بر زمین^۳ مشخص می‌گردد. زیرا اگر حجت خدا بر روی زمین وجود نداشته باشد ناگواریها و تلخیهایی بسیار بر اهل زمین فرو خواهد آمد.^۴ پس وجود حضرت همچون ستارگان در آسمان، امنی است برای اهل زمین:^۵

در روایتی به نقل از امام باقر (ع) آمده که فرمود: «به واسطه ما خدا بندگی می‌شود و به وسیله ما خدا شناخته می‌گردد و از طریق ما، توحید خداوند متعال تحقق می‌یابد و حضرت محمد (ص) حجاب خدای متعال است».^۶

در این روایت دو معنی محتمل است: اول این که هیچ کدام از خلائق آنطور که شایسته است خدای - عزوجل - را همانند عبادت ایشان عبادت نکرده است. زیرا که معرفتشان به خدای متعال کاملتر از معرفت دیگران است، پس عبادتشان هم همین طور می‌باشد که کمال عبادت، فرع کمال

۱- قال امام صادق (ع): «خرج الحسين بن على (ع) ذات يوم على...ما خلق العباد الاً يُعرفوه. فإذا عرفوه عبدوه. فإذا عبده استغنو بعبادته عن عبادة من سواه...ما معرفة الله؟ قال (ع) معرفة أهل كلّ زمانٍ امامهم الذي يجب عليهم طاعته» مجلسی، محمد باقر، بخار الانوار، ج ۲۳، ص ۹۳.
۲- ذاریات، ۵۶.

۳- صدوق، محمد بن على بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۶.

۴- بحرانی، سید هاشم، غایة المرام، ص ۲۵۷، طبعه الحجرية.

۵- همو، ص ۲۷۴.

۶- «اللهم...إن لم تعرفي حجتك ضللت عن دينك» کلینی، محمد بن یعقوب، الكافی، ج ۱، ص ۱۴۵، ۳۳۷.

معرفت است. دوم این که اگر ایشان (ع) نبودند خداوند عبادت نمی شد، حاصل این که عبادت کامل برای خداوند متعال منحصر در عبادت آنان است.

خداوند در قرآن می فرماید: «الْمَلِكُ ذُلِّكَ الْكِتَابُ لَا رِبُّ لِلْمَقِينِ...»^۱

در روایتی نیز امام صادق (ع) در تفسیر آیه مذکور فرمودند: متین، شیعیان علی (ع) وغیب، حجت غایب است.^۲

بنابراین راه شناخت پروردگار از طریق امامان صورت می گیرد و این آیه ناظر بر این معنی است که شیعه با شناخت امام زمان (ع) تحت هدایت قرآن قرار می گیرند.

۱- ۲- ۳- بعد اجتماعی

شیعی متظر، دریافته که با اصلاح خود، به تنها بی کارها درست نمی شود. چون او با جامعه مرتبط است. او می داند که جامعه فاسد، فرد صالح را هم به فساد می کشاند. درک این ضرورت، او را به اصلاح جامعه می کشاند. این دو امر نشانه هایی هستند که پیامبر (ص) از سالیان دور، ذکر فرموده است. در روایتی به نقل از حضرت آمده که فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتَمْ بِأَمْوَالِ الْمُسْلِمِينَ فَلِيَسْ بِمُسْلِمٍ»^۳. بنابراین مهدویت، یعنی : امیدواری به اینکه روزی یک مراد الهی خواهد آمد و آنچه را مردم بدلن امیدوارند، تحقق خواهد بخشید.^۴

۱- ۲- ۳- بعد تاریخی

مهدویت در راستای مسئله امامت و در امتداد نبوت است. از این رو در مرحله ای حساس از تاریخ آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است . بسیاری از حرکت های اصلاحی در تاریخ و عصر حاضر متأثراً از اندیشه مهدویت بوده است. بیان نمونه: حسن صلیع، فاطمیان در مصر، مهدی سودانی در سودان^۵ و مانند آن. حرکت اصلاحی موعود باوری آنچنان در جامعه اسلامی تأثیر شگرف گذاشت

۱- بقره ، ۱- ۲- .

۲- مجلسی، محمد باقی، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۶.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۸۳

۴- قال امام «...و خدای تعالی جهاد کنندگان و صبر کنندگان را از شما تا حال تمیز نداده» طوسی، محمد بن الحسن، الغیة، ص ۳۳۶، ح ۲۸۳
قال أبي الحسن (ع): «إِنَّ الَّذِي خَرَجَ فِي أَعْوَاتِنَا لَكُنَّ مِنَ الْحَقِّ ...» یعنی: خودتان را به این امید و آرزو مشغول غایید و دل تنگ نشوید». صدوق، محمد بن علی بن حسین بن علی بابویه قمی، علل الشرایع، ج ۲، باب ۳۸۵، ح ۱۶، مکتبة الاوری، قم، [بیتا].

۵- بنگرید به: المهدی، دائرة المعارف اسلام، Al-mahdi, Eney clopedia of Islam.

گذاشت که برخی از دسیسه‌گران^۱ با استفاده از ابزاری از واژه مهدی و ادعای مهدویت عده‌ای از مردم را در جوامع اسلامی به خود مشغول کردند.

۱-۳-۴ - بعد فرهنگی

یکی از وظایف ما مسلمانان، زمینه‌سازی و گسترش فرهنگ مهدویت است. کار در بعد فرهنگی در عرصه مهدویت به چند محور نیاز دارد: ۱- به کارگیری تمامی ظرفیت‌های موجود در جامعه برای شکل‌گیری انتظار واقعی ۲- آسیب شناسی مهدویت ۳- دشمن شناسی.

۱-۴- امام واسطه فیض رسانی

از نظر شیعه و بر اساس تعالیم دینی، امام، واسطه فیض رسانی پروردگار به همه پدیده‌های جهان آفرینش است. به بیان آشکارتر همه موجودات، آنچه از فیوضات و عطایای الهی دریافت می‌کنند از کanal امام می‌گیرند. از امام صادق (ع) سؤال شد آیا زمین بدون امام باقی می‌ماند؟ حضرت فرمودند: «اگر زمین بدون امام بماند هر آینه اهل خود را فرو می‌برد». ^۲ در این روایت عنوان این مفهوم که زمین و اهل آن به خاطر وجود امام زنده و پایدار است ، دلیلی بسیار روشن است از فیض رسانی حضرت (ع). در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «آبی الله ان بحری الأشیاء إلا بالاسباب» ^۳ با توجه به این روایت هر خیر و برکتی که به انسان می‌رسد. از جانب خداست که خداوند نعمات خود را از طریق واسطه‌هایی به بشر می‌رساند.^۴

۱-۵- حضرت مهدی (ع) شبیه‌ترین فرد به رسول خدا (ص)

پیامبر اکرم (ص) مظہر تام و تمام نور الهی است . این نور کامل الهی که حقیقت محمدی نامیده می‌شود، بعد از پیامبر اکرم(ص) به امیرالمؤمنین (ع) و آن گاه سلسله وار به یکایک امامان معصوم (ع) انتقال یافته و اکنون در وجود مقدس خاتم الاصیاء، وارث تمام انبیاء و اولیاء، حضرت مهدی (ع) مسقی گشته است. تا جائی که رسول خدا(ص) درباره آن حضرت می‌فرماید: «او در شکل و رفتار و گفتار، شبیه ترین مردم به من است ». در روایت دیگری امام باقر(ع) فرمودند: «از این راه است که آن حضرت در وقت خروجش با سیرت و طریقه رسول خدا (ص) رفتار می‌کند».^۵

۱ - بنگرید به: بهبودی، محمدباقر، گزیده کافی، ج ۱، ص ۱۰۲ - ۱۰۴.

۲ - کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱ ، ص ۱۷۸؛ نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبة ، باب ۱۰ ، ص ۱۴۱.

۳ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۰، ح ۱۵.

۴ - بنگرید به: سرشار، مژگان، مقاله شرك و اخلاص، مجله رشد، ش ۲.

۵ - نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبة ، ص ۱۹۸ ، ح ۹.

بنابراین همان ضرورتی که در وجود رسول خدا (ص) بود، در وجود ولی عصر (ع) نیز هست. امامی که گذشته از حکم امر و موضوعات را هم بداند، در تفسیر سوره‌ی قدر امام می‌فرماید: با این سوره شما با مخالفان امامت بحث کنید.^۱

۶- احیای زمین به وجود حضرت مهدی(ع)

در جریان زندگی طبیعت و انسانها دیده شده که خصوصیت آب در این است که آب مایه حیات است. هر کجا که چشم‌های از آب وجود دارد نشارة زندگی و حیات نیز در آنجا مشاهده می‌گردد. و در صورت عدم وجود آب انواع بیماریهای جسمی پدیدار می‌گردد. حضرت مهدی (ع) با توجه به آیه «*قُلْ أَرَأَيْتَ إِنَّ الْأَرْضَ مَا ظَرِفَتْ مَوْعِدًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ*^۲». به ماء معین تشبیه شده است. امام ابو جعفر باقر(ع) در تفسیر آیه «بدانید که خداوند زمین را پس از مرگ آن زنده خواهد کرد»^۳. فرمود: یعنی خداوند زمین را به قائم آل محمد (ص) اصلاح فرماید در حالی که زمین از جور و ظلم و ستم پوشیده شده^۴ (*قَدِبَيْلَ لَكُمُ الْآيَاتُ*^۵) به راستی که ما آیات و نشانه‌ها را به قائم آل محمد(ع)، برای شما بیان نمودیم، باشد که تعقل کنید) (*لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ*^۶).

خداوند می‌فرماید: «*يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا*^۷» یعنی: زمین را به وسیله مردانی که عدالت را زنده می‌کنند، زنده می‌کند و زمین به خاطر احیای عدالت، زنده شده و به درستی که اگر یک حد در زمین برپا شود، سودمندتر از چهل روز باران است.^۸ در فهم و تفسیر آیات و روایات مذکور معلوم می‌گردد که امام زمان (ع) احیاگر زمین (از طریق وفور نعمات و ایجاد عدالت) می‌باشد.

۷- نتیجه‌گیری

با توجه به آیات و روایات نتیجه‌ای که از این بحث در این نوشتار حاصل شده این است که اعتقاد به امامت حضرت مهدی (ع) مساوی دینداری شمرده شده است و اگر فردی امام زمان خود را

۱- مجلسی، محمد باقی، بخار الانوار، ج ۲۵، ص ۷۱، ح ۶۲ و ح ۶۱

۲- ملک، ۳۰؛ مجلسی، همو، ج ۸، ۴۸۶، الطبعه القدیمه.

۳- خداوند می‌فرماید: «*إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا*» حدید، ۱۷.

۴- صدوق ، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و قیام النعمه ، ج ۲، ص ۶۶۸، ح ۱۳.

۵- حدید، ۱۷.

۶- همو.

۷- حدید، ۱۱.

۸- حر عاملی، محدثین الحسن، وسائل الشیعه، ج ۲۸، باب ۱، ص ۱۲، موسسه آل بیت، قم، ۱۴۰۹ هـ. ق؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۷، ص ۱۷۴.

شناسد و پیرو و معتقد به او نباشد یعنی نداند که چگونه می تواند با او ارتباط داشته باشد، چنین کسی در حقیقت (الضال عن فناء الله) خداوند و پیامبر اکرم (ص) را نشناخته است. درنتیجه ارزش وجودی فرد به میزان شناخت او (از حضرت مهدی(ع)) بستگی دارد.

۲ - فصل دوم

جاپگاه اعتقاد به مهدویت در تربیت و اصلاح فرد

امام مهدی (ع) تأثیر بسزایی در تربیت و اصلاح افراد یک جام عه دارد. در این فصل با اشاره به این که وجود حضرت مهدی (ع) در جهان نعمت الهی است، تأثیر این نعمت الهی را به عنوان هدایتگری نورانی نشان داده و به نقش حضرت به عنوان پدری دلسوز و مهربان ، بذکر محبت متقابل بین فرد منتظر و حضرت مهدی (ع) اشاره خواهیم نمود و تأثیر یاد حضرت و متولی شدن به حضرت را در میان آیات قرآن و روایات ائمه علیهم السلام نشان داده و آثار تربیتی نکات مذکور را بیان خواهیم نمود و با پرداختن به این موارد جایگاه اعتقاد به حضرت مهدی (ع) را در جریان تربیت فرد آشکار خواهیم کرد.

۲-۱- وجود امام زمان (ع)، نعمت الهی

در بسیاری از آیات و روایات وجود ائمه اطهار (ع) همان نعمات الهی معرفی شده است. از باب نمونه: امام علی (ع) در تفسیر آیه «أَلَمْ ترِإِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كَفَرُوا».^۱ یعنی: آیا ندیدی آنان که نعمت الهی را که به کفر بدل ساختند. فرمود: «ما آن نعمت هستیم که خداوند بر بندگانش عنایت کرده، و به سبب ما رستگار شوند آنان که رستگار می شوند روز قیامت»^۲. یا درباره آیه «ثُمَّ لَتَسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ التَّعْيِمِ»^۳ امام علی (ع) فرمودند: «ما نعیم هستیم»^۴. با توجه به آیه «وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيمَانًا تَعْبُدُونَ»^۵ خداوند شکر آن نعمات را بر بندۀ اش تأکید فرموده است . از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود : شکرانه نعمت، دوری از محرمات است و تمام شکر آن است که بگوید : «الحمد لله رب العالمين»^۶

با توجه به روایات مذکور، وجود حضرت مهدی (ع) از مهمترین نعمت‌های الهی بر ما است . و معرفت داشتن ما نسبت به این نعمت، خود نعمت بزرگی است، بلکه نعمتی است که هیچ نعمتی با آن مقایسه نمی‌شود، زیرا که جزء تکمیل کننده ایمان و علت تامه آن می‌باشد.

۱- ابراهیم، ۲۸.

۲- کلین، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۱۷.

۳- تکاثر، ۸.

۴- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۵۲، ۵۷؛ سید هاشم، بحرانی، غاییه المرام، ص ۲۵۹.

۵- نحل، ۱۱۴.

۶- کلین، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۹۵، ح ۱۰.

در روایتی به نقل از حضرت جواد ائمه (ع) آمده که فرمود: «**نعمۃ لا تشكر كسیئة لا تغفر**»^۱ یعنی: نعمتی که شکرش گذارده نشود، مانند گناهی است که بخشنوده نشود. و با توجه به روایتی به نقل از امام رضا (ع) بر فرد واجب است که بیشترین کوشش واهتمام را در اداء شکر این نعمت به کار بندد، تا به نعمت‌های بزرگ هم نایل شود،^۲ که خداوند عزوجل وعده داده که هر که شکر نعمت به جای آورد نعمتش افزون کند، وعده الهی تخلاف ناپذیر است.^۳ بنابراین فرد با توجه به توانایی و ظرفیت خود در مسیرادا نمودن تمام حقوق این بزرگ نعمت الهی از تأثیرات مفید فراوانی برخوردار خواهد شد. در این هنگام تأثیرات نورانی فراوانی از جانب حضرت بر فرد مشخص خواهد گردید. فرد با اظهار محبت قلبی، بعضی از آثار آن را در زبان، و بعضی در اعضاء و جوارح خود^۴ آشکار می‌نماید.

۲-۲- شناخت امام عامل هدایت

حضرت مهدی (ع) عامل هدایت شیعه می‌باشد. هدایت حضرت از پرتو نور حضرت چه در زمان ظهور و چه در زمان غیبت او وجود دارد. برای اینکه به چگونگی هدایت حضرت پی ببویم ابتدا به توضیح نور حضرت خواهیم پرداخت.

۲-۱- نور حضرت مهدی (ع)

اگر بخواهیم معنی نور را بیان نماییم، نور در اصطلاح چیزی است که خودش ظاهر است و اشیاء غیر خودش را ظاهر می‌کند. حد اعلای آن ذات اقدس خداوند است که به خودی خود ظاهر است و غیر خودش را ظاهر کرده، واحد و مرز ممکنات خارج است و آفریننده تمام انوار چنان : که الف - خداوند می‌فرماید: «**الله نور السموات والأرض**». ب - و برخی در روایتی آورده‌اند: «**بسم الله نور بسم الله نور على نور ...**»^۵.

۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۶۵، ج ۵.

۲- قال الامام رضا (ع) : «من لم يشكر المنعم من المخلوقين لم يشكر الله عزوجل» صدوق، محمد بن علي بن حسين بن بايويه قمي، عيون اخبار الرضا (ع) ، ج ۲ ، باب ۳۱ ، ص ۲۴ ، جهان ، ۱۳۷۸ هـ . ق.

۳- قال الامام الصادق (ع) : «من أعطى الشكر أعطى الزيادة ، يقول الله عزول : لئن شكرتم لأزيدنكم» کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲ ، ص ۹۵، ح ۸.

۴- تیمی آمدی، الواحدین محمد، غرر الحكم و درر الكلم ، فصل ۴۰، ح ۹، ص ۱۸۱، ح ۳۳۸۹.

۵- نور، ۲۵.

۶- سید بن طاووس، مهج الدعوات، ص ۷، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۱ هـ . ق.

قسم دیگر نور مصدق اعلای آن وجود مقدس، پیامبر اکرم (ص) می‌باشد، که خداوند متعال آن حضرت را مثل نور خود قرار داده است.^۱ وجود مقدس امام نیز از همین قسم است.

ج - خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است . وصف نورش مانند چراغدانی است که در آن، چراغ پر فروغی است»^۲ با توجه به روایتی خطاب این آیه حضرت مهدی (ع) ستاره درخشان و ۱۴ معصوم (ع) نورالله هستند.^۳

د - در روایتی آمده که: «چون قائم (ع) ما قیام می‌کند، زمین با نور پروردگار خود نورانی و روشن می‌شود، و بندگان از روشنایی آفتاب مستغنى و بی احتیاج می‌باشند»^۴ در روایتی دیگر نیز به نقل از آن حضرت آمده که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ نُورٍ عَظِيمٍ»^۵ یعنی: به راستی خداوند ما را از نور عظمت خود آفرید.

ه - برخی روایات ناظر بر این است که، امام مهدی (ع) وجودش از نور است، زیرا در روایتی عنوان شده: «هنگامی که مهدی (ع) متولد شد نوری از بالای سرش تا فراز آسمان ساطع گشت»^۶ کلینی می‌گوید: «حضرت مهدی (ع) وجودشان، علاوه بر زمان ولادت در زمان حضور و غیبت خود نیز از نور فرا گرفته شده است . اشراق نور آن حضرت با واسطه است، بدان که درخشندگی تمام نورها در شب و روز، ماه، خورشید و غیراینها از اشراقات نور آنحضرت و فیوضات وجود آن حضرت است. اشراق باطنی آن حضرت در زمان غیبت در دل مؤمنین است که امام خود را با حقایق ایمان مشاهده می‌کنند گویا در هر زمان و مکان جلو چشمشان است.»^۷

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۰ و ۱۱.

۲- نور، ۳۵ و ۵۵.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۷، باب ۲۹، ج ۲۰.

۴- طوسی، محمدبن الحسن، الغیبة، ص ۴۶۷، ح ۴۸۴، شیخ مفید، الارشاد، ص چاپ کنگره شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۸۱، قم، ۱۴۱۷ هـ. ق.

۵- کلینی، همو، ص ۳۸۹.

۶- صدقی، کمال الدین و تمام النعمۃ، ج ۲، ص ۴۳۳، ح ۱۲.

۷- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲-۲- خورشید پشت ابر

وجه تشییه از این قرار است: در علوم طبیعی و فلکیات ثابت شده است که خورشید مرکز منظومه شمسی است، جاذبه اش حافظ زمین و آن را از سقوط نگه می دارد. زمین را بدور خود چرخانده شب و روز فصول مختلف را ایجاد می کند. حرارتش سبب حیات و زندگی حیوانات و گیاهان و انسانهاست و نورش روشنی بخش زمین می باشد.

در ترتیب این آثار بین اینکه ظاهر باشد یا پشت ابر، تفاوتی وجود ندارد . یعنی جاذبه و نور و حرارتش در هر دو حال موجود است. گرچه کم و بیش دارد. هنگامی که خورشید در پس ابرهای تیره و پنهان است، شبانگاه جهان گمان دارند که موجودات از نور و حرارت خورشید بی بهراند، در صورتی که سخت در اشتباهند، زیرا اگر دقیقه ای نور و حرارتش به جاندارا ن نرسیده یخ زده هلاک می گردند و به برکت تأثیرات همان خورشید است که ابرهای تیره پراکنده می شوند و چهره حقیقی آن نمایان می گردد. لیکن از جانب خداوند متعال و وجود مقدس امام، منع فیضی وجود ندارد بلکه تقصیر و کوتاهی از ناحیه خود افراد انسان است. بنابراین:

الف - آفتاب خورشید عام است و بهره مندی از حضرت مهدی (ع) نیز اختصاص به مسلمانان ندارد. **ب** - خورشید در منظومه شمسی مرکزیت دارد و تمامی اجرام منظومه شمسی در گرد او در حرکتند، حضرت مهدی (ع) نیز در نظام هستی مرکزیت دارد و همه هستی به دور وجود او طوف می کند **ج** - خورشید دارای منافع فراوانی است همچون: انرژی، حرارت روشنایی، ثبات و بقای هستی به او بستگی دارد و همانگونه که این فواید از پشت ابر به زمین می رسد، اگرچه نورافشانی آن کمتر خواهد بود اما فواید خود را مترب خواهد نمود . **د** - خورشید وظیفه خود را پشت ابر نیز انجام می دهد، حضرت مهدی (ع) نیز در پشت پرده غیبت وظیفه خود را انجام می دهد.^۱

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «امام خود را بشناس که چون او را شناختی دیگر تو را زیانی نخواهد رسید»^۲

و جابر گفت: عرض کردم: یا رسول الله! آیا در غیبت او برای شیعیانش سودی از او می رسد؟ فرمود: آری، سوگند به آن که مرا به پیغمبری برگزید، آنها در زمان غیبت به نور او روشنی کسب

۱ - بنگرید به: ایانی، کاظم، مهدویت در آئین این عربی، ص ۱۷۰، پایان نامه ارشد رشته عرفان اسلامی، سال ۸۶-۸۵

۲ - نعمانی، الغیة، باب ۲۵، ص ۳۲۹.

کرده و به ولایت او نفع می برند، مانند استفاده مردم از آفتاب هرچند که آن را بپوشاند . ای جابر، این از اسرار الهی و علم مخزون خدایی است، از غیر اهلش پنهان کن! ^۱

با توجه به روایات مذکور، این معانی احتمال می رود که، نورانیت نشانه شرافت صاحب خویش است و کمال آن دلیل کمال شرافت است. تردیدی نیست که امام (ع) به حسب کمالات و دلالاتی که دارد آشکارترین و ظاهرترین مخلوقات است و در عین حال که غایب است در منتهای ظهور و آشکاری است. همانطور که امام صادق (ع) فرمودند: «امر ما از این آفتاب روشنتر است » یعنی: در آن وقت حق به باطل مشتبه نخواهد شد.^۲

در روایتی به نقل از امام باقر (ع) آمده که فرمود: «ساخت شوید که این امر از خدای تعالی به ما رسیده نه از خلائق، آگاه باشید که آن از آفتاب روشن تر است یعنی: سزاوار بودن ما به امر خلافت از آفتاب آشکارتر است نه به نیکوکاران پنهان است و نه به بدکاران، آیا صبح را می شناسید، امر ما به منزله صبح است که در آن خفا و پنهانی نیست».^۳

از روایات مذکور معلوم می گردد که تأثیر نورانی حضرت بر دو نوع است: نوع اول: شامل خلائق و موجودات می شود. نوع دوم: مخصوص مؤمنین است. چرا که مؤمنین با توسل به حضرت در زمان غیبت می توانند بسیاری از گره ها را در علوم مشکل باز نمایند و یا بسیاری بیماری ها و گرفتاری ها را در خود برطرف نمایند.

پس با توجه به تأثیر نورانی حضرت بر افراد آداب او در دل های مؤمنین ثابت و نقش بسته است و ایشان به آن عمل می کنند^۴ حضرت ابو جعفر صادق(ع) درباره آیه « و يجعل لكم نوراًً ترشون به » یعنی برای شما نوری قرار دهد که با آن در میان مردم زندگی کنید، فرمود : یعنی امامی که به او اقتدا نمایید.^۵

در کتاب طوسی اشکالی در زمینه تأثیر حضرت در زمان غ بیت عنوان شده که به آن اشاره می نمائیم: اشکال: بعضی افراد برای اعتقادند که شیعه می گوید: فایده امامت این است که وجود

۱- کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۴؛ طوسی، محمدبن الحسن، الغیبة ، ص ۲۹۰؛ صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة ، ج ۱، ص ۲۰۷.

۲- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة ج ۲، ص ۳۴۷، ح ۳۵.

۳- نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبة، ص ۲۰۰ - ۲۰۱، ح ۱۷.

۴- صدوق، هو، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۱۱.

۵- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۴ و ۴۳۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹، ص ۲۴۲.

امام مردم را از اعمال زشت و قبح دور می‌کند، اما این فایده با وجود امامی که غایب است حاصل نمی‌شود. لذا فرقی بین وجود امام غایب و عدم وجود امام نیست و در هر دو صورت فایده ای ندارد.

درواقع افرادی که این اشکال را مطرح می‌کنند زمانی تأثیر امام را در زمان غیبت صحیح می‌دانند که دست امام در دخالت امور باز باشد، در حالی که با توجه به غیبت دست امام باز نخواهد بود. طوسی در پاسخ به این اشکال می‌فرماید: کسی که این اعتراض را مطرح کرده، اعتراضش را طبق یک روند منطقی استوار نکرده است، به خاطر این که بعضی از مقدمات را وارونه کرده و بعد به وسیله مقدمات دیگری مقدمات وارونه را رد می‌کند. بی‌گمان قصد و غرض این شخص به اشتباه انداختن و شببه افکنی و مغالطه بوده است. چرا که شیعه کجا و چه وقت گفته است: باز بودن دست امام در زمان غیبت واجب نیست؟ که عنوان شود دلیل شما بر وجوب امامی که دستش باز نیست و تصرف درامور نمی‌کند دلالت ندارد؟ نظر شیعه براین است که دست امام حتماً باید باز باشد تا این که غرض و هدف تکلیف تم ام باشد. (چه تکلیف خاص امام (ع) از جمله سرپرستی جامعه در همه زمینه‌ها و اجرای حدود الهی و چه تکلیف خاص مردم نسبت به ایشان؛ از جمله فرمانبری و اطاعت، و این تکلیف وقتی تمام و کمال خواهد بود که امام مبسوط الید باشد.^۱

مفید در توجیه غیبت امام و رابطه پیروانش با او می‌گوید: «شناختن امام غایب امر دشواری نیست، چرا که صرف دانستن حضور امام در جهان برای فرد شیعی کافی است. از نظر او بسیاری از چیزها را می‌شناسیم، در حالی که آنها را ندیده‌ایم، از جمله اشخاص و رویدادهای گذشته و آینده.^۲

بعضی افراد نیز بر این نظرند که: در زمان پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بسیاری از افراد آنها را زیارت می‌کردند ولی بهره معرفتی چندانی از آن بزرگواران نداشتند. اگر نسبت به حضرت مهدی (ع) معرفت صحیحی نباشد، دیدن ظاهری ایشان نیز سودی در بر نخواهد داشت.

۲-۳- امامی که غایب است چگونه تأثیرگذار است؟

این سؤال برای بسیاری از افراد پیش می‌آید. و سؤالات دیگری چون: چگونه حضرت را بشناسیم تا الگوی ما باشد و ما مثل او شویم؟

روایاتی در این زمینه وارد شده که از رهگذر آن می‌توان به پرسش فوق تا حدودی پاسخ داد:

۱- طوسی، محمد بن الحسن، الغیبة، ص. ۸

۲- بنگرید به: خالد برقی، احمد بن محمد، الحسن، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۷۸، دارالكتب الاسلامية، قم، ۱۳۷۱ هـ. ق؛ کراجکی، ابوالفتح، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۲۹، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۰ هـ. ق.

الف - روایاتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «خالیق امام خودشان را نایاب می‌کنند و از ایشان غایب می‌شود، و در ایام غیبتش به موسم حج حاضر می‌شود و ایشان را می‌بیند، ایشان او را نمی‌بینند.»^۱

در روایات دیگری به نقل از امام صادق (ع) آمده که فرمود: «صاحب این امر از غیبت ناچار است، و در اثنای غیبتش ناچار است از گوشه‌گیری، و چه خوب منزل است برای دعا مدينه». ^۲ در روایتی به نقل از ابا عبدالله الحسین (ع) آمده که فرمود: «صاحب این امر را خانه ای هست نامش بیت - الحمد، در آن خانه چرا غایب می‌باشد که از ولادتش تا وقتی که با شمشیر ظاهر می‌شود، روشن است و خاموش نمی‌گردد».^۳

در روایت دیگری آمده که: «به این دلیل حضرت مهدی نامیده شده است که به هر امر مخفی و پنهانی هدایت می‌کند»^۴. «دین حضرت بر همه ادیان چیره خواهد گردید و بدان وسیله ناپاکیها و چرکها را شستشو خواهد داد»^۵. «این ظهور و یا غضب واقع نمی‌شود (منظور محرومیت از الطاف حضرت در زمان غیبت) مگر بر سرکرده بدان و بدکاران مردم و یا این غیبت پیش نمی‌آمد جز از سوی بدکاران مردم. یا این خشم تنها متوجه بدکاران است»^۶.

در روایات فوق محرومیت از الطاف حضرت به پای افراد نابکار نوشته شده و افراد مُمن همچون بهتر از نور آفتاب و راحتتر از ا لطاف وجودی حضرت استفاده می‌نمایند و در این جریان تحت تأثیر قرار می‌گیرند. «در زمان غیبت هیچ کس از محل او آگاه نیست جز دوستان خدمتگزار خاص آنحضرت که بر دین او هستند»^۷. «بر جایگاهش هیچکس از دوست و بیگانه آگاهی نمی‌یابد مگر همان خدمتگزاری که به کارهای او می‌رسد»^۸ در این روایات مشخص است که ارتباط حضرت به به صورت کامل از افراد قطع نفی گردد بلکه با افرادی خاص در ارتباط بوده و براعمال و افکار و

۱- طوسی، محمدبن الحسن، *الغیبة* ، ص ۳۶۴؛ کلینی، محمدبن یعقوب، *الكافی*، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۶؛ نعمانی، محمدبن ابراهیم، *الغیبة* ، ص ۱۴۲، ح ۱۵ و ح ۱۶.

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة* ، ص ۱۸۸، ح ۴۱.

۳- همو، ص ۲۳۹، ح ۳۱.

۴- طوسی، محمدبن الحسن، *الغیبة* ، ص ۴۷۱، ح ۴۸۹.

۵- همو، ص ۲۲۷.

۶- همو، ص ۲۲۷ و ۲۱۸.

۷- مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار* ج ۵۲، ص ۱۵۴.

۸- همو، ص ۲۵۰ و ۲۵۱.

نیات منتظران شیعه نظارت دارد و منتظران «آزمایش شوند چنانچه طلا آزمایش شود و پاک گرددند چون طلا پاک گردد».^۱

ب - در روایتی از امام محمدباقر (ع) نقل شده است که فرمود: «ما به منزله ستارگانیم، زمانی که ستاره‌ای از ما غایب شده ستاره دیگر ظاهر شود که مأمن و امان و سلم واسلام و فاتح و مفتاح است»^۲ و در روایت دیگر به نقل از آن حضرت آمده: «امر شما همانند صبح است که پنهان ماندن در آن راه ندارد».^۳.

از امام صادق (ع) نقش شده که فرمودند: «سوگند به خدا، بدانید عدالت او تا درون خانه ها وارد میشود. همان گونه که سرما و گرما وارد می شود»^۴ در روایت دیگری به نقل از آن حضرت آمده که فرمود: «امام زمان (ع) در بین مردم ناشناس در همه جا حضور پیدا می کند، ولی مردم حضرت را نمی شناسند، مگر آنان که حضرت با اذن پروردگار، خود را به خواص معرفی فرماید».^۵ در روایتی دیگری نیز از حضرت نقل شده که فرمود: «خوی و شأن این امت چه چیز را انکار می کنند، که خدای عزوجل در یک زمانی با حجت خود همان کند که با یوسف (ع) کرد».^۶ از قرآن کریم نیز می توان امکان استثار و اختفای انسان از برابر دیدگان را چه به صورت کوتاه مدت یا دراز مدت دریافت کرد.^۷

ج - از امام علی (ع) نقل شده است که فرمود: «به خدای علی قسم که حجت خدا برآن امت برپاست و در راههای آنها قدم می زند، بخانه ها و کاخهایشان وارد می شود، در شرق و غرب این زمین می گردد. سخنها را می شنود و بر مردم سلام می کند و می بیند ولی دیده نمی شود».^۸ با توجه به آیات و روایات در پاسخ سؤال مذکور چنین می توان گفت که: اگر فرد منتظر خود را مقصر در میزان غیبت حضرت بداند، به خدا و غیبت حضرت دائم اشکال وارد نمی کند و حضور و

۱ - همو، ج ۹۸، ص ۱۶۲.

۲ - همو، ج ۲۳، ص ۴۴.

۳ - صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، عیون الاخبار، ج ۲، ص ۴۴.

۴ - نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبة، ص ۲۹۷، ح ۱.

۵ - مجلسی، محمدباقر، بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴.

۶ - قال الامام الصادق (ع): «فما تنكر هذه الامة ان يفعل الله جل و عز مجته كما فعل يوسف ان يشى في اسواقهم و يطأ بسطهم حتى ياذن الله في ذلك له كما آذن ليوسف »، نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبة ، ص ۱۴۱، ح ۲.

۷ - بنگرید، به آیات: پس، ۹؛ کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۱؛ اسراء، ۴۵.

۸ - مجلسی، محمدباقر، بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴، ح ۹ به نقل از الغیبة نعمانی.

تأثیر حضرت را منکر نمی شود. چنان که در روایتی از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود: «هنگامی که حسین (ع) کشته شد خشم خداوند فرونی گرفت و آن را تا سال صدو چهل به تأخیر انداخت، ما آن را برای شما بازگو کردیم و شما فاش ساختید و پرده پوشش از رویش کن ارزید پس خداوند نیز بعد از آن دیگر وقتی برای این امر نزد ما نگذاشته است».^۱

بعضی از افراد سؤال می نمایند که شناختن امام زمان (ع) در زمان غیبت چیست؟ مفید در پاسخ به این سؤال با توصل به فرمان و امر الهی، از اعتقاد به غیبت امام دفاع می نماید و می فرماید: شناخت حقیقی ما از وجود امام و امامت و عصمت و کمال او، خود سزاوار پاداش است، چرا که انتظار برای ظهور امام، در نفس خود، عملی عبادی است که کیفررا دور می کند. از آنجا که این عمل، خود به انجام رسانیدن تکلیفی است که حق تعالی برای ما معین کرده است. در ارتباط با تأثیر حضرت مهدی (ع) بعضی^۲ گمان دارند (در زمان غیبت) برای محبین امام لطف حاصل نشده، پس محب او تکلیفی (نسبت به امام) ندارد، و تکلیف که فرمانبرداری از امام است اصلاً متوجه او نشده است. این سؤال درست نیست؛ چون لطف در مردم شیعیان امام حاصل شده چرا که شیعه وقتی که می داند امام غایبی دارد که هر لحظه ممکن است ظهور کند، در هر حال منتظر تأدیب امام است و از زشتی ها و گناهان به خاطر بدی آنها در نزد امام دوری می کند، بسیاری از واجبات را انجام می دهد. پس غیبت امام در نظرش مثل این است که او در شهری و امام در شهر دیگری است. در این جا لطف حاصل است که همه اینها اثر وجودی امام است و چه بسا در زمان غیبت توجه اش بیشتر است. چون علیرغم غیبت امام، احتمال می دهد که حضرت (هر لحظه) همراه او و در کنار او در شهر او باشد، او امام (ع) را ببیند و نشناسد و از حضرت اطلاع نداشته باشد. در حالی که ممکن است امام در کنار او باشد و اگر (مثالاً) امام در شهر دیگری باشد ممکن است اخبار او از امام پوشیده بماند، بنابراین در حال غیبت، انججار و دوری از اعمال زشت بنا بر همین فرض که امام ممکن است هر لحظه در کنار شیعه و همراه او باشد حاصل می شود. علاوه بر این لطف وجودی امام (ع) از طریق دیگری نیز حاصل شده است به این که به واسطه وجود حضرت، شیعیان ایشان به این که تمامی شریعت به آنها رسیده است اعتماد می کنند. در غیر این صورت این اعتماد حاصل نمی شد و احتمال می دادند که بسیاری از احکام شریعت از آنان مخفی شده و یا از

۱- طوسی، محمد بن الحسن، *الغیبة*، ص ۴۲۸، چنان که خداوند می فرماید: «یحیواه ما یشاء و یثبت و عنده آم الکتاب» *رعد*، ۳۹.

۲- بنگرید به: خالد البرقی، احمد بن محمد، *الحسن*، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۷۸. کراجکی، ابوالفتح، *کنز الفوائد*، ج ۱، ص ۳۲۹.

۳- بنگرید به: طوسی، محمد بن الحسن *الغیبة*، ص ۷.

بین رفته باشد، ولی زمانی که فی الجمله می‌دانند وجود امام هست، به تمام شریعت و احکام دین ایمان می‌آورند. پس به واسطه وجود حضرت، از این نظر هم لطف حاصل است.^۱

بر این اساس امام مهدی (ع) به اذن خدا، از پس پرده غیبت بر جهان هستی حاکم و ناظر است. حضرت مهدی (ع) با وجود غیبت از نظرها، به قدرت خدا از توان و نیرویی برهه ور است که آن حضرت را به انجام هر کاری که اراده فرماید، قادر می‌سازد و همه وسائل و امکانات لازم را برای او فراهم می‌آورد.

۲-۴-۴- امام هدایتگر

در روایتی از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «...به تحقیق که او خلیفه هدایتگر الهی است»^۲ اکنون به روایات و نظرات دیگر اشاره می‌نمائیم:

الف - طباطبایی می‌فرماید: هر کجا در قرآن نام امامت برده شده است، هدایت هم به دنبال آن آمده مثلاً در داستان ابراهیم می‌فرماید: «وَوَهْبَنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكَلَّا صَاحِينَ وَجَعْلَنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»^۳ یعنی: اسحق و یعقوب را به عطیه به ابراهیم بخشیدیم و همه را صالح قرار دادیم و آنها را امامان هدایت کننده به امر خودمان قرار دادیم . از اینجا مشخص می‌شود که مقام امامت، مقام هدایت مخصوصی است که هدایت به امر خداست و مقصود از امر همان است که فرمود: «إِنَّمَا أَمْرُهُ أَذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كَنْ فِي كُونٍ»^۴ یعنی امر ما وقتی چیزی را اراده می‌کند فقط به آن بگوید: باش در دم وجود یابد. امام چون به عالم ملکوت اشراف دارد، بر طبق نص صریح نشان دادن ملکوت به ابراهیم و امامت او، مقام امامت امر خداوند است که هدایت و رهبری ملکوتی موجودات را به عهده می‌گیرد. چون هدایت جنبه باطنی است و ملکوت باطن جهان ناسوت است پس دلها و باطن همه خلائق بر امام مکشوف می‌گردد و اراده خداوند در لفظ «کن» به جنبه تجرد و ملکوتی اشاره دارد و فیکون به جنبه خلقی و ناسوتی او . که دچار تغییر و دگوگونی و زمان و مکان می‌گردد. چون مقام امام هدایتگر امت و امر همان امامت است پس امام بر اعمال باطنی امت هم امامت دارد. زیرا باطن برای هدایت شدن نزدیکتر است و نص صریح قرآن که در قیامت همه مردم را با امامشان بخوانیم. امام کسی است در آن روز همان گونه که در

۱- طوسی، محمد بن الحسن، الغیة، ص ۷.

۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۳، ۶۶، ج ۳۵۷ و ج ۲۴، ص ۵۷

۳- انبیاء ، ۷۳

۴- یس، ۸۳

دنی مردم را به خدا دعوت و هدایت می کرد. به خدا سوق می دهد. پس وجود امام در هر عصری لازم و ضروری است چون مردم با امامشان خوانده می شوند.^۱

ب - خداوند در قرآن کریم می فرماید: «أَفْمَنْ يَهُدِي وَ إِلَى الْحَقَّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبِعَ أَمْنَ لَا يَهُدِي إِلَّا أَنْ يَهُدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»^۲ یعنی: آیا کسی که هدایت کننده است لائق تر است با اینکه خلائق با او تابع شوند یا کسی که هدایت کننده نیست؟ یعنی کسی که هدایت کننده است او لائق است به اینکه به او تبعیت نمایند، و کسی که هدایت کننده نیست، لیاقت ندارد که خلائق تابع او شوند مگر اینکه خود او دیگری را هدایت نماید. بر شما چه شده است که اینگونه حکم می کنید، یعنی: قائم (ع) هدایت کننده است او لائق است به اینکه خلائق تابع او شوند نه دیگری.^۳

۲-۳- امام زمان پدری دلسوز و مهربان

بعضی براین نظرند که:

اگر از فرزندی، عمل نادرستی سربزند، پدرش مورد نکوهش قرار می گیرد، و دیگران به ولی او ایراد می گیرند که چرا او را درست تربیت نکرده است. با توجه به روایات، ائمّه علیهم السلام خود را به شیعیان خویش بسیار نزدیک می دانند و به مانند پدر دلسوز، عملکرد شیعیان را مورد توجه قرار می دهند، به طوری که اگر شیعیان مرتکب اعمال خطای شدند، از عمل آنها بسیار می رنجند و از آنها توقع دارند که رفتارشان به گونه‌ای باشد که امام (ع) به آنها افتخار کند. از باب نمونه:

الف - در روایتی به نقل از امام صادق (ع) آمده که حضرت تأکید فرموده اند: «إِلَيْكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلاً نَعِيرُ بِهِ ، فَأَنَّ وَلَدَ السَّوْءِ يَعْرِيْرُ وَالَّدُ بِعْلَمِهِ»^۴ یعنی: مباداً عملی انجام دهید که ما به آن سرزنش شویم، زیرا فرزند خطاکار با عملش باعث سرزنش پدر خود می شود.

ب - از امام ابوالحسن الرضا (ع) نقل شده که فرمودند: «الآمِمُ الْأَمِينُ الرَّفِيقُ وَالوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّفِيقُ، كَالْأَمِمُ الْبَرُّ بِالوَالِدِ الصَّفِيفُ وَ مَفْزُعُ الْعِبَادِ»^۵ یعنی: امام امینی رفیق، پدری مهربان و برادری همزاد است. او مانند مادری نیکوکار و مهربان نسبت به فرزند خردسال و پناه بندگان خدادست. در

۱- بنگرید به ایانی، کاظم، پایان نامه «مهدویت در آثار ابن عربی» کارشناسی ارشد رشته الهیات، سال ۸۶-۸۵.

۲- یونس، ۳۵.

۳- نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبة، ص ۲۶۶ و ۲۲۱، ح ۳۲؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۹، باب ۱، ص ۲۱۳، به نقل از تفسیر قمی.

۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۳۱، ح ۹۱.

۵- نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبة، ص ۲۰.

تفسیر این روایت احتمال می‌رود که «مهربانی حضرت نسبت به ما خالص ترین محبت‌هاست. زیرا هیچ نوع طمع و وابستگی در آن وجود ندارد.

ج - در روایتی به نقل از امیرالمؤمنین آمده که فرمود: «امام پدر یتیمان است».^۱ عنوان پدر در این روایت در یک مرحله اظهار مهر و دوستی از نظر اخلاقی می‌باشد، تا آنجا که نسبت به دیگری از خود او مهریان تر باشد و چون حب ذات روشن ترین و کاملترین غریزه بشری است و مهروزی امام نسبت به امّت و بلکه نوع بشرنمونه کامل نوع دوستی و بشرخواهی است این حقیقت در این کلام روشن است که امام مؤمنان را از خودشان بیشتر دوست دارد و نسبت به آنها مهر می‌ورزد.^۲

د - در روایتی آمده: «نحن صنائع ربنا و الخلق بعد صنائعنا»^۳ یعنی: ما ساخته شده و تربیت شده پروردگاریم و مردم ساخته شده و تربیت یافتگان ما هستند . با توجه به این مطلب فوق امام زمان (ع) مربی تمام هستی و عهده‌دار هدایت و تربیت نفوس مستعده است.

روایات فوق ناظر براین است که امام پدر حقیقتی تمام مردم است . و تردیدی نیست که والد حقیقی حقش عظیم‌تر و مقامش بالاتر است، و از پدر ظاهری نسبی انسان شایسته‌تر است که به او احسان گردد. دلیل بر این معنی در حدیث طولانی به نقل از امام حسن عسکری (ع) روایت شده که فرمود: «و البتة حق، بر شما عظیم‌تر است از حق پدر و مادری که از آنها متولد شده‌اید، که ما اگر اطاعتمن کنید - شما را از آتش به سوی خانه آرام و جاویدان نجات می دهیم». درنتیجه اگر برای یکی از آنها حقی بر ما ثابت شده برای همه آنها ثابت شده است. نتیجه‌ای که از این فهم این روایات حاصل می‌گردد این است که، در بحث هدایت و پدر مهریان حضرت مهدی (ع) با تربیت دوستان و یاران حقیقی خویش آنها را با نور الهی ولایت خویش پرورش می‌دهد تا در زمان غیبت و ظهور به یاری او بپردازند.

۱ - قال امیرالمؤمنین (ع) به نقل از رسول الله (ص): «أشدّ من يتمّ اليتيم الذي انقطع عن أبيه يتيم انقطع عن امامه و لا يقدر على الوصول إليه ...»
يعني : سخت تر از یتیمی آن که از پدرش جدا شده، یتیمی آن یتیمی است که از امامش بریده شده نمی تواند به او برسد . (به او دسترسی ندارد). مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲، ح ۲.

۲ - همو.

۳ - طوسی، محمدبن الحسن، الغیبة ، ص ۲۸۵؛ نباتی بیاضی ، ابومحمد علی بن یونس، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۳۶.

۴ - شعیری، محمدبن محمد، جامع الأخبار، ص ۱۶؛ بنگرید به مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۶، باب ۶، ص ۱۶۲ ، «واصطفی حمداً (ص) بالنبوة و خصه بالرسالة لأنّا أرقق به من والدِ رفيقٍ و أشفق عليه...».

۱-۳-۲- محبت متقابل حضرت مهدی (ع)

با توجه به روایات مذکور امام مهدی (ع) به منزله پدر مهریان و شفیق، و امامی است که در حق ما دعا می‌نماید و بسیاری از روایات دیگر چون «المهدی سمع بالمال شدید علی العمال رحیم بالمساکین»^۱ یعنی: مهدی بخشنده‌ایست که مال را به وفور می‌بخشد. بر مسئولین کشوری سخت می‌گیرد و بر بی‌نوايان بسیار رئوف و مهریان است. در روایت دیگری نیز آمده «او سعکم کهفاً»^۲، یعنی: او از همه آغوش پناهش برایتان گشاده تر است. و در روایتی «مفزع العباد» یعنی: پناهگاه بندگان است.^۳ «المهدی محبوب فی الخلاق»^۴ یعنی مهدی در میان همه مخلوقات محبوب است. در روایات مذکور محبت حضرت به شیعیان عنوان شده است. محمد تقی موسوی اصفهانی می‌گوید: وقتی فردی به دیگری محبت می‌نماید یعنی دلسوزانه مراقب اعمال خوب و بد او نیز هست و او را در فراغی رفتار پسندیده و کنار گذاشتن رفتار ناشایست کمک خواهد کرد.^۵ در روایتی آمده که: مؤمنین هنگام ظهور حضرت در قبرها از هم دیدن کنند و ظهور حضرت را به یکدیگر مژده دهند.^۶ با توجه به روایات فوق حضرت مهدی (ع) حتی به اموات در عالم بزرخ نیز نظر رحمت دارند. افراد با توجه به اینکه به وجود حضرت یقین دارد و اطاعت شریعت را برخودشان قطعی و لازم می‌دانند، حتماً در ارتکاب زشتی‌ها و خلاف‌ها از او ترس و واهمه دارند، و بینناک هستند که مبادا آنها را تأدیب و تنبیه و مؤاخذه کند، از این روی زشتی‌ها را کمتر مرتكب می‌شوند.^۷

روایات فوق ناظر بر این است که:

کمال محبت از کمال معرفت حاصل می‌شود و هرچه معرفت فرد بیشتر گردد برای جلب و رضایت محبت حضرت، خود را آراسته تر می‌سازد و نتیجه این دوستی و محبت می‌انسبت به آنحضرت موجب اهتمام و کوشش، درجهٔ رفع اشکالات فردی و در پایان دعا برای فرجش

۱- سید بن الطاووس، *الملاحم والفتنه*، ص ۱۳۷.

۲- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغيبة*، ص ۲۱۲.

۳- حرافی، حسن بن شعبه، *التحف العقول*، ص ۴۳۹، یک جلد، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴هـ. ق؛ کلینی، محمد بن یعقوب، *الكافی*، ج ۱، ص ۱۹۸.

۴- همو، ص ۱۷۸.

۵- موسوی اصفهانی، محمد تقی، *مکیال المکارم*، ص ۲۸۹.

۶- همو، ص ۶۵۳، ج ۱۷.

۷- بنگرید به: موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، *مکیال المکارم*، ج ۱، ص ۱۷۸.

می باشد. پس فرد متظری که خود را در زیر سایه محبت پدری همچون حضرت مهدی (ع) احساس می کند، آنحضرت را دوست می دارد و برای جلب رضایت او به اصلاح خود می پردازد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلْكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمُوْدَّةُ فِي الْقُرْبَى» یعنی : بگو من از شما جز موّدّت و محبت خویشاوندانم اجر و مزدی برای رسالت نمی خواهم.^۱ با توجه به این آیه خداوند محبت و موّدّت حضرت مهدی (ع) را در ضمن محبت سایر اهل بیت پیامبر (ص) بر همگان واجب نمود. و این دوستی و محبت تنها به نفع ایمان آورندگان و متظران حضرت مهدی (ع) است. «قُلْ مَا سَأْلُكُمْ مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»^۲ یعنی: هر اجر و پاداشی از شما خواسته ام برای خود شماست. و در حقیقت این محبتهاست که ارتباطهای روحی و معنوی را در راه سیر به خدا فراهم می آورد در روایتی به نقل از امام صادق (ع) آمده که فرمود: «هَلْ الدِّينُ الْأَلَّاحِبُ»^۳ یعنی: آیا دین چیزی به جز دوستی است؟ و خداوند فرمود: «إِنْ كُنْتُمْ تَحْمِلُنَّ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يَحِبِّبُكُمُ اللَّهُ» و قال «يَحِبُّكُمْ مِّنْ هَاجِرَ إِلَيْهِمْ»^۴ دین درجهان به نوعی انتظارجهانی شدن محبت و ولایت امام زمان زمان (ع) است چنان که در توقعی به نقل از حضرت مهدی (ع) آمده که فرمود: «هَرِ يَكَ از شما باید به آنچه که او را به مقام محبت ما نزدیک می کند، عمل نماید».^۵

۲-۴- یاد امام

یاد نمودن از حضرت ، شیعه را در کسب معرفت امام و پیروی از آنچه ضرت یاری می دهد. و با حضور در مساجدی چون : مسجد سهله با تجدید عهد خود با حضرت استواری خود را اعلام می نماید. چنان که ابو بصیر به نقل از امام صادق (ع) می گوید: «مسجد سهله اقامتگاه دائمی حضرت قائم (ع) خواهد بود».^۶

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود : «هَرِ كَسْ چَهْلَ بِامْدادِ خَدَا رَا بَا اِنْ عَهْدِ بِخَوَانِدِ اِزْ يَاوَرَانِ قَائِمٌ مَا خَوَاهِدَ بَوْدَ وَأَگْرِ پِيشَ از ظَهُورِ آنحضرت بَمِيرَدَ، خَداونَدَ او رَا از قَبْرَشِ بِيرَونَ آورَدَ

۱- شوری، ۲۳.

۲- سباء، ۳۷.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۹۴ و ص ۹۵، ح ۵۸.

۴- آل عمران ، ۳۱.

۵- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، ح ۷.

۶- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰ ، ص ۴۳۶.

[و قائم (ع) را یاری دهد] ...)^۱ کسی که دائمًا به یاد حضرت است و دعاهای مربوط به حضرت را قرائت می‌نماید، درواقع همنشین حضرت شده است و صفات حضرت در او تأثیرمی‌گذارد. مفید در بقیعی که به نقل از آن حضرت آمده بیان نمود که حضرت مهدی (ع) فرمود: «إِنَّا غَيْرَ مَهْمَلِينَ لِمَراعَاةِكُمْ وَلَا تَسِينَ لِذِكْرِكُمْ»^۲ یعنی: ما در رسیدگی و مراقبت از شما کوتاهی نکرده، و یاد شما را فراموش نمی‌کنیم. روایت فوق ناظر بر این است که مدامی که فرد حضرت را یاد می‌کند، حضرت نیز متقابلاً او را یاد نموده و برایش دعا می‌کند.

در روایتی از امام کاظم (ع) نقل شده که فرمود: «يغيب عن أبصار الناس شخصه ولا يغيب عن قلوب المؤمنين ذكره»^۳ یعنی : شخص امام (ع) از چشم‌های مردم پنهان می‌شود، ولی یاد او از دلهایشان پنهان نمی‌گردد. از این روایت معلوم می‌گردد که مؤمنان در زمان غیبت از یاد حضرت غافل نمی‌شوند. بنابراین متظری که دائمًا امام زمان (ع) را یاد می‌نماید، همواره مراقب اعمال و رفتار خویش است و از دعا و یاد حضرت نیز بهره‌مند می‌گردد.

۲-۱- توسل

فردی که همواره به یاد امام زمان خویش باشد سعی می‌نماید به او متولی گردد. چرا که می‌داند توسل، تقرب است و وسیله ساختن برای رسیدن به امام.

فردی که با حضرت پیمان می‌بندد، انس و الفتی بین او و ولی عصر (ع) برقرار می‌گردد. خداوند نیز به این الفت در قرآن کریم اشاره فرمود: «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرّقوا واذکروا نعمت الله عليکم ان کنتم اعداء فألّف بين قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً و کنتم على شفا حفرة من النار فانفذکم منها..»^۴ یعنی:

«همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خود را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دلهای شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد».

۱- طوسی، محمدبن الحسن، الغیبة، ص ۴۹۵

۲- طبرسی، احمدبن علی، الاحجاج، ج ۲، ص ۴۹۷، نشر مرتضی، مشهد مقدس، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۷، ص ۱۵۰

۴- آل عمران، ۱۰۳.

فرد منتظر با ایجاد انس و الفت با حضرت، رابطه ای صمیمی بین خویش و امام برقرار می نماید. «اذا قام القائم جاءت المزامله وبأئته الرجل الى كيس اخيه فياخذ حاجته لا يمنعه »^۱ یعنی: هنگامی که قائم قیام کند، دو سرنی واقعی و صمیمیت حقیقی پیاده می شود. هر نیازمندی دست می برد و از صندوق برادر ایمانی خویش به مقدار نیاز بر می دارد و صاحب صندوق هم او را منع نمی کند. صمیمیتی که در دوران ظهور حضرت به وجود می آید با ارتباط معنوی فرد با حضرت در دوران غیبت نیز به وجود خواهد آمد . شیعه‌ی متظر، تلاش دارد که در رفتار و گفتار و پندار، خود را به خصیصه‌های نیکوی امامش نزدیک کند. ^۲ شیعه‌ی منتظر این هشدار را شنیده است که، منفورترین مردم نزد پروردگار، کسی است که سیره‌ی امام را برگزیند. ولی کارهای او را پیروی نکند.^۳ بنابراین با توجه به روایت فوق، همراهی با امام زمان (ع)، در گرو آزادی از هرگونه تعلق و رهایی از همه‌ی وابستگی‌های نادرست است.

۲-۵- نتیجه‌گیری:

امام زمان (ع) با توجه به روایات مذکور پدر دلسوز و مهربان ماست . و هنگامی که امام خود را بشناسیم واز دستورات اهل بیت و قرآن پیروی نمائیم، حضرت با نور هدایتگری خود همچون «خورشید پشت ابر» ما را از انوار خود مستفیض گردانیده و یاد امام در ما امید و تلاش در جهت کسب رضای الهی بوجود می آورد. و با توصل بر آن حضرت، انس و الفت بین فرد و امام عصر (ع) به وجود می آید و این همراهی‌ها خود تأثیر بسزایی در اصلاح و تربیت اخلاقی و دینی فرد خواهد داشت.

۱- مفید، لا خصاص، ص ۲۴، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ هـ . ق. ۲۴؛ سلیمان، کامل، روزگار رهایی، ترجمه‌ی علی اکبر مهدی‌پور، ص ۶۳۱.

۲- اعتقاد به امام زمان (ع)، اعتقاد به صفات امام زمان (ع) را در بی دارد و در نتیجه صفات حضرت بر شخصیت فرد تأثیرگذار می باشد.

۳- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۲۳۴، ح ۳۱۲.

۳- فصل سوم

عرصه‌های تأثیرگذاری اعتقاد به مهدویت در
اصلاح فرد

در عصر حاضر شیعه علاوه بر گسترش فرهنگ و مباحث مهدوی، با هجوم خشن شباهات فکری رو برو می باشد. بنابر فرمایش خداوند در قرآن کریم : «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشْرَقَ اللَّهُ»^۱ در این میدان پیروزی از آن کسانی است که با بنيان های فکری نیرومند و با اراده ای قویتر در برابر شهوت تجهیز شده باشد. در فصل گذشته تأثیر اعتقاد به حضرت مهدی (ع) در تربیت و اصلاح فردم مشخص گردید. مطابق بسیاری از آیات قرآن و روایات فراوانی که از ائم ة معصومین علیه السلام رسیده است بشرط طول دوران زندگی فردی و اجتماعی خود، مرهون نعمت انتظار است، و اگر از حالت انتظار خارج شود و امیدی به آینده نداشته باشد، زندگی برایش مفهومی نخواهد داشت. لذا اکنون نیز افراد در زمان غیبت حضرت مهدی(ع) منتظر ظهور حضرت می باشند و نقش اصلی خود را در انتظار آن حضرت ایفا می نمایند. بنابراین با تبیین مفهوم انتظار، توضیح ابعاد و آثار آن فرد به ثبات در دین و همراهی با رسول و امام می رسد. در این فصل با تحلیلی بر انتظار ، عرصه های تأثیرگذاری اعتقاد به حضرت مهدی (ع) را در فکر، روح و روان، اخلاق و عمل فرد بیان خواهیم نمود.

۱-۲- معنی لغوی و اصطلاحی انتظار:

انتظار به معنی امیدواری، چشم به راهی، آمادگی، نگرانی، چشم داشت و درنگ است .^۲ معنی اصطلاحی انتظار عبارت است از حالت قلبی و روحی که از آن آماده شدن برای چیزی که چشم به راهش هستی بر می آید. پس هر قدر انتظار شدیدتر باشد، آماده شدن هم بیشتر می شود و در واقع انتظار مهدی (ع)، انتظار ظهور اوست و انتظار ظهور او، انتظار غلبه اسلام و قرآن است . و انتظار غلبه اسلام و قرآن، انتظار تحقق وعده های خداوند است.

۲-۳- پیشینه انتظار

انتظار و متظر بودن امری است مسلم که در تمامی ادیان آسمانی و سایر فرق از آن صحبت به میان آمده است . از دیدگاه شیعه اصل مسئله انتظار از سه سرچشمه قرآن، سنت و عترت نشأت گرفته است.

۱- بقره، ۱۶۵.

۲- با مراجعه به کتابهای معتبر لغت، همچون، لسان العرب، مجمع البحرين، مفردات راغب، المرجد، دهخدا، معین و مانند آن.

مبحث انتظار، سابقه‌ای به قدمت تاریخ آفوینش دارد. از آن زمان که فرشتگان الهی به امر خدا در برابر حضرت آدم (ع) سر به سجده فرود آوردند،^۱ بحث انتظار قائم موعودی از سلاله پیامبر خاتم حضرت محمدبن عبدالله (ص) مورد تأمل قرار گرفت.^۲ از آن زمان که حضرت نوح (ع) پس از نهصد سال اقامت در میان قوم و فرا خواندن آنان به دین خدا، نا امید گشت و برای نابودی کافران دعا نمود،^۳ او اگرچه تا آمدن طوفان و نابود شدن کافران زمان خودش بیش از پنجاه سال انتظار نکشید.^۴ اما انتظار چند هزار ساله او، برای غلبه کامل دین خدا و ریشه کن گشتن همگانی کافران تا زمان ظهور حضرت مهدی (ع)، ادامه خواهد یافت. از آن زمان که حضرت ابراهیم (ع) پایه‌های کعبه را بالا برد و دعا کرد تا خداوند سرزمین مکه را جایگاه امنیت و ایمان قرار دهد،^۵ انتظار روزی در دلش جا گرفته بود که فرزندی از نسل او و از سلاله آخرین پیامبر خدا (ص) در همین دیار و در کنار همین خانه، تکیه برهمنی پایه‌ها خواهد داد و ندای توحید را به گوش همه جهانیان باز خواهد خواند.^۶ از آن زمان که حضرت لوط (ع) در برابر فاسدان هوس پرستی که عزت و احترام مهیمانان عرشی و خاندان با ارزش او را مورد تهدید قرار داده بودند، آرزوی داشتن قوت و تکیه‌گاهی اسقار کرد، اندیشه انتظار قائم در روح و جانش جاری بود . لوط گفت: «کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم یا به تکیه‌گاهی استوار پناه می‌جستم»^۷ امام صادق (ع) فرمود: «حضرت لوط این سخن را نگفت مگر به عنوان تمنای دسترسی به قدرت قائم ما (ع)».^۸ از آن زمان که حضرت موسی (ع) مردم را به مبارزه با فرعون فراخواند و آنان را به یاری طلبیدن از خدا و شکیبایی تشویق کرد،^۹ انتظار حضرت مهدی (ع) در روح و جانش بود و در آرزوی حاکمیت

۱ - خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذْقَلْنَا لِلْمُلَكَةَ أَسْجَدُوا لِأَدْم...» بقره ، ۳۴.

۲ - خداوند می‌فرماید: «إِنَّمَا أَتَرْهُمْ بِالسُّجُودِ لَآدْمَ مَا أَوْدَعَ صَلْبَةً مِنْ أَرْوَاحِ حَجَّاجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ». بنگرید به : صدوq، محمدبن علی بن حسین بن بایوی قمی، کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۱ ، ص ۱۳.

۳ - خداوند می‌فرماید.«رَبَّ الْأَتَرَضِ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دِيَارًا» نوح، ۲۶.

۴ - صدوq، همو، کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۱ ، ص ۱۳۴.

۵ - بقره ، ۱۲۶.

۶ - «والقائم (ع) يومئذ بکة قد أنسد ظهره الى البيت الحرام مس تجيراً به فینادی ... و من حاجتی في إبراهیم فأنا اولی الناس بابراهیم (ع) و...». صدوq، محمدبن علی بن حسین بن بایویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه ج ۱، ص ۵۴، ۵۵ نباٹی بیاضی، علی بن یونس ، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۳۳۰، کتابخانه حیدریه ، نجف ، ۱۳۸۴ هـ. ق.

۷ - «قال لوانَ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْءَاوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ» ، هود، ۸۰

۸ - صدوq، همو، کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۲ ، ص ۶۷۳

۹ - خداوند می‌فرماید: «قال موسی لقومه استعينوا بالله و أصبروا»، اعراف ، ۱۲۸،

مطلق بود که بشارت داد: «همانا زمین از آن خداست و آن را به هر یک از بندگانش که بخواهد به ارث خواهد رساند. و فرجام نیکو برای تقوی پیشگان است». ^۱ از آن زمان که حضرت عیسی (ع) با دلی سرشار از مهربانی ، مردم را به همدلی و همداستانی دعوت کرد، تذکر به انتظار را جزو آیین خویش قرار داد ^۲ و زمانی که در برابر ناسپاسی و عداوت و ایمان ستیزی مرد می که به کشتن او برخاسته بودند به جوار قدس آسمانیان بالا رفت، انتظار تاریخی خود را برای فرود آمدن در کنار کعبه و نماز گزاردن به امامت مهدی (ع) و یاری کردن او را آغاز کرد.^۳ با توجه به آیات و روایات روایات فوق، و آیاتی همچون «از احکام دین، آن چه را به نوح درباره آن سفارش کرد، برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آن چه را در باره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم، که دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی مکنید ». ^۴ و آیه «بگویید: ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آن چه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل آمده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده، ایمان آورده- ایم. میان هیچ یک از ایشان فرق نمی گذاریم و در برابر او تسليم هستیم ». ^۵ معلوم می گردد که، همه پیامبران خدا یک هدف را تعقیب می کرده‌اند و پیامبران خداهایانند معلمایی، بشررا راهنمایی نموده‌اند و در هر کدام از شرایع الهی با دوره‌ای از انتظار همراه بوده‌اند و اگر آن دوره طی نمی‌شد و به انتهای نمی رسید شریعت بعدی نازل نمی گردیده است. پس از حضرت عیسی (ع) نیز پیامبر (ص) تا آخرین لحظات عمر امام حسن عسکری (ع) هرگز امر انتظار فرج، مورد غفلت واقع نگشت و جلوه‌های گوناگون انتظار در ضمن صدها روایت از پیامبر اکرم (ص) و دهها روایت از امیرالمؤمنین (ع) و هر یک از امامان معصوم (ع) تجلی یافت و در همه قرون گذشته نیز همین نور انتظار بود که سینه به سینه از نسل دیگر، همواره دل متظران را در طی همه بحران ها و فتنه‌ها روشن داشته است . بنابراین می‌توان گفت ثمره و نتیجه تلاش همه انبیای الهی و امامان معصوم (ع) شکل گیری جامعه مهدوی (ع) پس از طی دوره‌های انتظار در طول تاریخ بوده است. اکنون ادعا این است که اگر انتظار فرج زمینه رشد و تعالی را در طول ظهور ادیان الهی فراهم

۱ - خداوندمی فرماید: «إِنَّ الْأَرْضَ اللَّهُ يُورثُهَا مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»، أعراف ، ۱۲۸.

۲ - خداوندمی فرماید: «اَزْ كَسَانِيَ كَهْ گَفَتَنَدْ مَا مَسِيحِيَ هَسْتِيمْ پَيْمَانْ گَرْفَتِيمْ، اَمَا آنَانْ بَخْشَى اَزْ تَذَكَّرَاتْ دِينْ خَوْدَ رَا اَزْ يَادْ بَرْدَنْد»، مائده، ۱۴.

۳ - خداوندمی فرماید: «يَا عَيْسَى! أَرْفَعْ إِلَيْيَّ ثُمَّ اهْبِطْ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، ...لِتَصْلَى مَعْهُمْ» صدوق ، همو، کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۱، ص ۱۶۰ و ۱۶۲.

۴ - شوری ، ۱۳.

۵ - بقره ، ۱۳۶.

کرده، قطعاً می تواند به اصلاح تک تک افراد در یک جامعه پردازد و این انتظار شوق یاری و همراهی او را ایجاد می کند و به فرد هویت و حیات می بخشد و او را از پوچی و بی هدفی نجات می دهد.

خداآوند در قرآن کریم می فرماید: زمین، آسمان‌ها ، خورشید و ماه و ستارگان را برای شما مسخر کردیم. «سَخْرَ لَكُم»^۱ و باید باور کرد که در این دنیا چیزهایی هست که ما هم واقعاً منتظریم جوابی که خداوند به ملائکه داده تحقق پیدا کند، روزی که چیزهایی که ما نمی‌دانیم، آنها نیز بروز کند.^۲

پدیده انتظار انسان را به حرکت در جهت مناسب با آن برمی‌انگیزد و از هر حرکت و گرایش به جهت‌های نامتناسب یا سازگار و متضاد با انتظار باز می دارد. انتظارهای دیگر نیز، که از انتظار اصل حیات فراتر می‌رود و به انتظار آرمان‌ها و هدف‌های برتر حیات و فرازهای زندگی می‌رسد، اندیشه و عمل آدمی را در راستای تحقق آن آرمانها و هدف‌ها، قرار می‌دهد و او را به این کار و امیدار تا راه‌ها و شیوه‌هایی را برگزیند تا به خواسته‌ها و هدف‌هایش نزدیک شود و موانع راه را کنار زند. از اینجاست که انسان به آمادگی و آماده سازی خود و محیط خود می‌پردازد و زمینه آرمان‌ها و هدف‌های خویش را فراهم می‌آورد.

۳- جایگاه و وجوب انتظار موعود

دراندیشه شیعه، انتظار موعود به عنوان یک اصل مسلم اعتقادی مطرح بوده و در بسیاری از روایات بر ضرورت انتظار قائم آل محمد (ع) تصریح شده است. برای تأیید این سخن می‌توان به روایات زیر اشاره نمود.

الف - در روایتی بعنوان از امام صادق (ع) فرد منتظر امام مهدی (ع) «*كمن كان في فسطاط القائم* (ع)^۳» یعنی: به مانند کسی است که در خیمه قائم (ع) باشد و در روایت دیگری آمده: «*كالشاهر سيفه بين يدي رسول الله (ص) يذبّ غبه*^۴» منتظر امام دوازدهم مانند کسی است که شمشیر خود را کشیده و پیشاپیش رسول خدا (ص) از وی دفاع کند.

۱- نحل، ۱۲. و آیه‌ای نیز در این مورد «*سَخْرَ لَكُم الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ*» ابراهیم، ۳۳.

۲- بقره ، ۳۰.

۳- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، *كمال الدين و تمام النعمة*، ج ۲، باب ۵۵، ص ۶۴۴

۴- همو، ج ۲ ، باب ۵۵، ص ۶۴۶

ب - به نقل از رسول خدا (ص) انتظار فرج «أفضل العبادة»^۱ برترین عبادتهاست و «أفضل الأعمال»^۲ برترین اعمال است.

ج - از حضرت جواد الائمه (ع) نقل شده است که فرمودند: «يجب أن ينتظر في غيبة»^۳ يعني انتظار: حضرت مهدی (ع) در زمان غیبتش واجب است. از حسین بن علی (ع) روایت شده است که فرمودند: «ای ابوالقاسم، به درستی که قائم (ع) از ماست و او است مهدی که واجب است در (زمان) غیبتش انتظار کشیده شود و در زمان ظهورش اطاعت گردد، و او سومین (امام) از فرزندان من است».^۴.

د - از ابی الحسن صاحب ال عسکر (ع) نقل شده است که فرمودند : متظر همچون «عن دار الظالمین فتقعوا الفرج»^۵ یعنی: مدافعان و یار و یاور حضرت ولی عصر معرفی شده است. در روایات فوق با توصیفاتی که از انتظار یک فرد منتظر صورت گرفته، در واقع به جایگاه انتظار در میان شیعیان اشاره شده است . چرا که انتظار دولت حق و برقراری عدالت مطلق مورد انتظار عموم مردم دنیا و از تمایلات فطری می باشد. انتظار ظهور دولت حق و اجرای قوانین حکیمانه میان بشر و پیدایش شخصیت مقتدری که پناه همه مردم باشد، مثل همه تمایلات از خواستهای درونی انسان است .^۶ و انسان بر اساس غریزه دینی و اخلاقی و حقیقت جوئی و زیبایی خود همواره احتیاج به یک مربی دارد و حق مسلم اینکه خداوند انسان را در دوران غیبت بدون مربی به حال خود و نمی گذارد.

۳-۴- منظور از «فرج» در عبارت انتظار فرج در روایات چیست؟

در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «فدائی تو شوم، فرج کی خواهد شد؟ فرمود: ای ابی بصیر، تو از کسانی هستی که اراده تحصیل ما ل و جاه دنیا دارند. زیرا که این امر را بشناسد یعنی: بداند که قائم آل محمد (ص) هست و غیبت نموده و بعد از مدتی ظاهر خواهد شد و منتظر ظهور وی باشد، هر آینه همین انتظار برای وی فرج است. پس با وجود این فرج، شتاب

۱ - همو، الخصال، ص ۴۵۸؛ همو، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۳۶، ص ۳۷۷، ح ۱.

۲ - قال رسول الله (ص): و أفضل الأعمال المرء الانتظار الفرج من الله عزوجل ، همو.

۳ - صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۳۶، ص ۳۷۷، ح ۱.

۴ - همو، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۱.

۵ - همو، ج ۲، باب ۳۷، ص ۲۸۱؛ همو، الخصال ، ص ۴۵۸.

۶ - بنگرید به: طالقانی ، محمود، انتظار ظهور با کوشش محمود موسوی نژاد، [بی‌تا].

نمودن به ظهور آن حضرت، دلیلی است بر اینکه آن شتاب و تعجیل برای فرج دنیوی است که تحصیل مال و جاه دنیا باشد، نه برای فرج دینی، زیرا که فرج دینی به انتظار فرج حاصل شده^۱.

۳-۵- انتظار فرج در قرآن

از نظر اسلام، قرآن و مسلمانان، مسأله انتظار و امید به آینده، و حاکمیت حق در تمام جهان در آخر زمان، یکی از مسایل حیاتی اسلام است و در این زمینه، آیات بسیاری در قرآن کریم وارد شده^۲ از باب نمونه به یکی از آن آیات اشاره می‌نماییم.

«وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَهِّرَهُ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا وَلَوْكَرَهُ الْمُشْرِكُونَ»^۳.
یعنی: او کسی است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاده تا دین حق را بر تمام ادیان غالب و پیروز گرداند، اگرچه مشرکان کراحت داشته باشند. از این آیه و مجموع آیاتی که آدرس آن در پاورقی ذکر گردیده به خوبی استفاده می‌شود که انتظار فرج همان پیروزی نهائی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و سیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه جانبی ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده آل، و بالاخره اجراء این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی مقدس و عالیقدر که در روایات متواتر اسلامی، از او به مهدی، تعبیر شده است، اندیشه‌ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی با تفاوت‌ها و اختلافهای، بدان مؤمن و معتقدند.

۶- شیعه منتظر چه کسی می‌باشد؟

خداؤند در قرآن کریم می‌فرماید: «ذُلِكَ الْكِتَابُ لَا رِبُّ لَهُ إِلَّا هُوَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَيْنَ الْذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...»^۴ یعنی: این است که کتابی که در (حقانیت) آن هیچ تردیدی نیست (و) (مائی هدایت تقوا پیشگان است و آنان که به غیب ایمان می‌آورند). در این آیه کتاب خداوند تنها سبب هدایت تقوا پیشگان معرفی شده است و کسانی که به غیب ایمان می‌آورند. یعنی خداوند فقط افرادی که شیعه منتظر هستند و می‌خواهند پاک باشند را هدایت می‌کند خیلی از افراد اعمال خوب، دارند اما

۱- نعمانی، محمدبن ابراهیم، *الغیبة*، ص ۳۳۰، ح ۳.

۲- توبه، ۳۲؛ نور، ۵۵؛ غافر، ۵۱؛ انبیاء، ۱۰۶-۱۰۵؛ قصص، ۴۰؛ سجده، ۲۸-۲۹؛ صافات، ۱۷۱-۱۷۳؛ حج، ۴۱؛ اعراف، ۱۲۸؛ ص ۹.

۳- توبه، ۳۳.

۴- بقره، ۱.

جزء متقین نیستند و خداوند اعمال نیک را تنها از متقین می پذیرد. ملاک کار خوب، پسندیدن خداست.

در روایتی به نقل از پیامبر اکرم (ص) آمده که فرمود: «حضرت علی(ع) و شیعیان آن حضرت در قیامت رستگار خواهند بود»^۱ روایت مذکور ناظر براین است که تنها شیعیان حضرت علی (ع) در قیامت رستگار می باشند. و با توجه به تأویل^۲ بسیاری از آیات پرهیزگارانی که رستگارند تنها شیعیان معرفی گشته‌اند. در روایتی آمده که «المهدی حق و هومن ولد فاطمه»^۳ یعنی مهدی حق است و او از فرزندان فاطمه (س) است. شیعه با توجه و سفارش ائمه در بسیاری از آیات و روایات متظر ظهور حضرت مهدی (ع) می‌باشد یعنی شیعه‌ای که پیرو علی (ع) و معتقدان به امامت علی (ع) و یازده نفر از فرزندان معصومش می‌باشد. «فانتظروا إِنَّى مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظَرِينَ»^۴ از امام رضا (ع) نقل شده که این آیه در ارتباط با متظران حضرت مهدی (ع) نازل شده است. چرا که دراین آیه خداوند تأکید بر انتظار متظران دارد.^۵

در روایتی به نقل از امام باقر (ع) آمده که فرمود: «نَحْنُ الْعَرَبُ وَ شِيعَتُنَا مَنًا وَ سَائِرُ النَّاسُ هُمْ جُأْوِهْبُجُ»^۶ یعنی: عرب ما هستیم و شیعیان ما نیز از ما هس تن و سایر مردم همچون علفهای بی‌ارزش می‌باشند. از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده است که فرمود: «وَأَنَا مَوْلَى، فَمَنْ وَالآنَ»^۷ با توجه به روایات فوق (موالی) همان شیعیان و پیروان راستین مکتب ولایت هستند. مجلسی می‌گوید: در بیان مدح موالی می‌گوید: موالی آزادشدگان و فرزندان آنها و کسانی هستند که وابسته به یک قبیله عربی بوده و از آنها نباشند ، یا اینکه چون ایرانیان مسلمان شدند و ایمان

۱ - مجلسی، محمدباقر، بخار الانوار، ج ۳۵، ص ۳۴۵، ح ۲۰؛ مفید ، الارشاد، ص ۲۵.

۲ - بنگرید به: صف، ۶۱؛ توبه، ۳۳؛ فتح، ۲۸.

۳ - کورانی و دیگران ، معجم الاحدیث الامام المهدی (ع)، ج ۱، ص ۱۴۲ - ۱۴۳، موسسه‌ی معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ هـ. ق.

۴ - اعراف ، ۷۱.

۵ - صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۵، ب ۵۵، ح ۵؛ بنگرید به: تفسیر آیه ۹۳، هود، مجلسی ، محمدباقر، بخار الانوار ، ج ۱۲ ، ص ۳۷۹، باب ۱۱، به نقل از امام رضا (ع)

۶ - مجلسی، محمدباقر، بخار الانوار، ج ۶۴، باب ۹ ، ص ۱۷۶.

۷ - همو، ج ۶۴، ص ۱۷۶.

آوردند از این لحظه به پیشوایان مذهبی خود وابسته شدند و موالی عرب بشمار آمدند پس مراد از موالی شیعیانند.^۱

خداؤند در قرآن کریم می فرماید: «اولئک علیهم صلوات من ربّهم و رحمة و اولئک هم المحتدون»^۲ یعنی: آنانند که درودها و رحمتی از سوی پروردگارشان برآنان است و آنانند که هدایت یافته اند. عبدالله بن ربیعه نقل کرده که در حدیثی طولانی در فضیلت پیامبر (ص) آمده است که این آیه در ارتباط با متظران حضرت مهدی (ع) می باشد و کسی که بعد از او مورد انتظار است، نام او نام پیامبر (ص) است، به عدل و داد دستور می دهد و خود دادگری می کند، از منکر نهی و جلوگیری می کند و خود از منکر می پرهیزد و اجتناب می نماید، خداوند بواسطه او تاریکیها را برمی دارد و بوسیله او شک و تردید و کوردلی، برطرف می گردد، خوش به حال کسی که در رکاب او بجنگد، و آنان هدایت یافته گان و رستگاران و پیروزمندانند.^۳

در روایتی به نقل از امام ابوالحسن (ع) آمده است که فرمود: «یاعلی، شیعیان و ائمه ایشان در مدت دویست سال تربیت می دهن و اصلاح حال می کنند یا اینکه ایشان را به تعجیل فرج و نزدیکی ظهرور حق امیدوار می کنند»^۴ لذا با ذکر آیات و روایات مذکور امید است که شناختی نسبت به شیعه منتظر حاصل گردیده باشد.

۷-۳- بررسی دیدگاهها (در ارتباط با مفهوم انتظار)

آمادگی برای درک محضر امام زمان (ع) در مفهوم انتظار نهفته است در اینجاست که بحث انتظار مورد اختلاف قرار می گیرد و خود باعث شده برداشتهای متفاوتی از مسئله انتظار صورت گیرد اکنون به برخی از این دیدگاهها اشاره می نمائیم:

الف - فراهم شدن شرایط مساعد بدون تلاش افراد

برخی به اشتباه فکر می کنند که همه کارها، خود به خود و بدون زمینه سازی و آمادگی درست می شود، در حالیکه هیچ گاه بنای عالم بر این استوار نبوده که بدون هیچ رنجی و جهادی، مشکلات بشر حل شود. در این باره از امام ابو جعفر باقر(ع) نقل شده است که فرمود: «به خدمت

۱- بنگرید به: هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی (ع) از دیدگاه روایات، ص ۱۴۱ - ۱۴۴، پرهیزگار، ۱۳۶۴

۲- بقره ، ۱۵۷

۳- مجلسی ، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۳۶، باب ۴۱ ، ص ۳۰۴ و ج ۳۷، باب ۵۴، ص ۱۶۶

۴- طوسی، محمد بن الحسن، الغيبة ، ص ۳۴۱، ح ۲۹۲

امام باقر(ع) عرض کرد: مردم می‌گویند چون مهدی قیام کند، کارها خود به خود درست می‌شود و به اندازه‌ی یک حجامت، خون نمی‌ریزد حضرت در پاسخ فرمود: هرگز به خدای جان آفرین سوگند، اگر قرار بود کار برای کسی، خود به خود درست شود، برای پیامبر (ص) درست می‌شد، هنگامی که دندانش شکست و صورتش شکافت. هرگز چنین نیست که کار خود به خود درست شود. به خدای جان بخش سوگند، کار درست نخواهد شد تا اینکه ما و شما درخون غرق شویم، آنگاه به پیشانی خود دست کشید». ^۱

البته از آنچه گفته شد چنین نتیجه نمی‌شود که باید خونریزی کرد تا زمینه‌ی ظهور مهیا شود.

ب - آئی فساد زمینه‌ساز ظهور است؟

برخی براین عقیده اند که باید تمامی زمین را فساد و انحرافات اخلاقی فرا گیرد تا حضرت ظهور نمایند. یعنی انتظار را بر گسترش گناهان و مهیا نمودن ش رایط آلوده برای ظهور تفسیر نموده‌اند. انتظار دراین مرحله انتظاری بازدارنده و فلچ کننده است و این نوع انتظار نوعی اباحی‌گری محسوب می‌شود. این انتظار ویرانگر، فقط و فقط با اشاعه و رواج ظلم‌ها، تبعیض‌ها، اختناق‌ها، حق‌کشی‌ها و تباہی‌ها ناشی می‌شود.

ج - انتظار یعنی خاموشی و گوشه‌گیری

برخی براین عقیده اند که انتظار همان گوشه‌گیری و خاموشی ^۲ و مذهب اعتراض است. آن هم اعتراضی که از سقیفه و از زبان علی (ع) آغاز شد. این عقیده بزرگترین عامل انحطاط و تن دادن به ذلت و توجیه تمام فسادها در وضعیت موجود می‌باشد. در حقیقت این عقیده و عقاید فوق از کچ فهمی‌های دینی سرچشم‌گرفته، افراد بدون در نظر گرفتن شرایط و زمانهای خاص به تفسیر اشتباہی از انتظار پرداخته‌اند.

د - انتظار عامل ارتقاء و حرکت

شیعه اعتقادش براین است که انتظار همان آمادگی و اقدام فرد در زمینه سازی ظهور حضرت می‌باشد. با توجه به بسیاری از آیات از باب نمونه : « وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا ... لَسْيَتْخَلِفُنَّهُمْ فِي

۱ - «...قلت لأبي جعفر (ع): إنهم يقولون ، إنَّ المهدى لوقام ، لاستقامت له الأمور عفواً ، ولا يهريق مجحة دم . فقال : كلا والذى نفسى بيده ، لواستقامت لاحـر عفواً لاستقامت لرسول الله (ص) حين أديمت رباعيته وشبح في وجهه ، كـلا والذى نفسى بيده حتى نسح نحن وأنتم العرق والعـلق: ثم مسح جبهته» نعمانى، محمد بن ابراهيم، الغيبة ، باب ۱۵ ، ص ۲۸۴

۲ - بنگرید به : شريعى، على، انتظار مذهب اعتراض، سفير، ۱۳۶۳.

الارض...^۱ » و « نريد أن نمن على الّذين استضعفوا ...^۲ » و « ولقد كتبنا في الزّبور...^۳ » و بسياری از روایات از باب نمونه: « أفضل الأعمال أمّي انتظار الفرج من الله عزّوجلّ^۴ » و « إنتظار الفرج العبادة^۵ » و « يملاً الله به الأرض قسطاً و عدلاً بعد مامليت ظلماً و جوراً^۶ » انتظار حضرت مهدی (ع) انتظاری است که سازنده، تحرک بخش و تعهد آور^۷. بلکه با فضیلت ترین عبادتهاست. البته نه با بی تفاوتی یا ایجاد انحرافات اخلاقی یا سکوت و گوشنهنشینی، بلکه با رفع هر ظلم و ستم و فساد و گسترش امر به معروف و نهی از منکر این انتظار شکوفا می‌گردد و افراد تلاش می‌نمایند تا عقل محوری در جامعه حاکم گشته و با پیروی از دستورات الهی و عمل به قرآن، حضرت را در زمان غیبت یاری فرمایند. چنان که امام خمینی می‌فرمود: «جوهره انتظار عدالت است^۸.

با بررسی دیدگاههای فوق فهمی که از آیات و روایات در ارتباط با انتظار مفهوم آن بدست آوریم به این نتیجه می‌رسیم که، ظهورمهدی موعود(ع) حلقه‌ای است از حلقات مبارزه اهل حق و اهل باطل که به پیروزی نهائی اهل حق متنه می‌شود، و یک انتظار صحیح یعنی: سهیم بودن فرد در گروه اهل حق . در روایات اسلامی سخن از گروهی زبده است، که به محض ظهور امام زمان (ع) به آن حضرت ملحق می‌شوند. بدیهی است این منتظران راستین ابتدا به ساکن خلق نمی‌شوند و بقول معروف از پایه ی بوته هیزم سبز نمی‌شوند، بلکه در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده‌ای را پرورش می‌دهد. بنابراین دوران انتظار خود تأثیر بسزایی در افراد منتظر خواهد گذاشت.^۹

۱ - حائری یزدی ، علی، الزام الناصب ، ص ۱۳۷. مجلسی، محمد باقر، بخار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۲۲؛ نور ، ۵۵.

۲ - همو؛ قصص ، ۵.

۳ - انباء ، ۱۰۵.

۴- صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، المختار ، ج ۲ ، ص ۶۲۰.

۵ - اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، ج ۲، ص ۱۰۱ ، مکتبة بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ هـ.ق؛ طوسی ، محمدبن الحسن، الأمالی، ص ۴۰۵ ، یک جلد، در الثقافة ، قم ۱۴۱۴ هـ.ق.

۶ - نعمانی ، محمدبن ابراهیم، الغيبة، باب ۴ ، ص ۸۰.

۷ - بنگرید به: مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی(ع) ، ص ۶۲، صدرای.

۸ - بنگرید به: خیینی ، روح الله ، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۳-۱۷ ، سخنرانی به مناسبت نیمه شعبان ۱۴۰۸، مطابق ۱۴ فروردین ۱۳۷۶.

۹ - قال المیرالمؤمنین (ع) : «و وضع يده على رؤوس العباد فلا يبقى مؤمن إلا صار قلبه أشد من زبر الحديد أعطاه الله تعالى قوة أربعين رجلا ولا يبقى ميت إلا دخلت عليه تلك الفرحة في قلبه دهون قبره و هم يتزاورون في قبورهم و يتباشرون بقيام القائم (ع). صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲ ، ص ۶۵۳ .

۸۳- آثار انتظار

انتظار در فرد منتظر آثاری بر جای می‌گذارد که به شرح آن در ابعاد مختلف فرد می‌پردازیم:

۱-۸۳- بعد فکری

فردی که منتظر واقعی حضرت است این انتظار در تمامی ابعاد فکری و نظری او تأثیرگذار است. فکر زیربنای اعمال و رفتار انسان می‌باشد و باورهای اساسی حیات آدمی را در حصار خود حفظ می‌کند. درواقع تربیت انسان‌ها و رها ساختن آنان از جهل و نادانی و عرضه حقایق اسلام به روان حق جوی آدمیان، از برترین رسالت‌های انبیاء و اولیاء بوده است. چنان که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «**هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأَمْمَيْنَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتَلَوُ عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيُّهُمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفْيِ ضَلَالٍ مُّبِينٍ**»^۱. یعنی: او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را متوجه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد و مسلمان پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. فردی که به امام زمان (ع) معتقد است درواقع در جریان انتظار خود تحت تربیت ولی عصر می‌باشد و این امر در طهارت فکری و عقلی او رشد چشمگیری دارد. در ارتباط با این مطالب می‌توان روایات زیر را بر شمرد:

الف - از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمَنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عَقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ»^۲ یعنی: چون قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان گذارد و عقولشان را مرکز سازد و عقل هایشان کامل شود. و در روایت دیگری نیز آمده «...حلم و برداریشان را به کمال رساند».^۳

ب - از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود: «وَتَؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ». یعنی: در زمان مهدی (ع) به شما حکمت بیاموزند.

ج - در روایتی به نقل از امیرالمؤمنین (ع) آمده که فرمود: «دست خدا را بر سر بندگان می‌گذارد، آن وقت دل هؤمن از آهن سخت‌تر باشد و خدا او را قوت چهل مرد عطا می‌فرماید».^۴

۱- جمعه، ۲.

۲- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاشر، ص ۶۰۷.

۳- قال الامام باقر(ع): «إِذَا قَامَ قَائِمَنَا (ع) وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عَقُولَهُمْ ، وَكَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ » صدق، محمد بن علي بن حسين بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمۃ، ص ۶۷۵ ح ۳۱، / صافی، لطف الله، منتخب الاشر، ص ۴۸۳.

۴- مجلسی، محمد باقر، بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲، اسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۷۲.

د - در روایتی به نقل از امام کاظم (ع) آمده که فرمودند: «خداوند را بر مردم دو حجت است: یکی ظاهر که آن عبارت است از پیامبران و رهبران دین و دیگر باطن، که آن عقول مردم است».

ه - از پیامبر خدا (ص) نقل شده است که : در پاسخ کسی که پرسید : خرد چیست و چگونه است؟ چه چیزهایی از خرد پیدا می شود؟ و انواع خرد، کدام است؟ فرمود: خرد، بازدارنده از نادانی است. نفس، به سان پلیدترین چارپایان است و اگر مهار نشود، حیران می گردد، پس خرد، بازدارنده از نادانی است.

از امام علی (ع) نقل شده که فرمودند: «ریشه خردمندی، پاک دامنی، و میوه آن، دوری جستن از گناهان است».^۳

و - در روایتی به نقل از پیامبر اکرم (ص) آمده که فرمود: «خداوند با چیزی بهتر از عقل پرستیده نشده»^۴

در فهم و بررسی روایات فوق بعضی برای نظرنده که:

جمع عقول، این یکی از ویژگی هایی است که خداوند به آن حضرت اختصاص داده است به طوری که اگر دست خود را بر سر م Өمن بگذارد، خداوند عقل او را جمع و حلم او را کامل می گردد. بعضی از معاصرین در معنی حدیث چنین گفته اند: جمع عقل به قوئ عقليه برمی گردد، به اینکه لشکریان عقل دراو جمع شود تا امور باطنی را درک کند . و کمال حلم مربوط به کمال قوه تدبیر و نظم بخشیدن به امور معاش وزندگی مادی است.

بعضی کلمه دستش را در اینجا رحمت و شفقت یا قدرت و پیروزی ترجمه نموده اند. و عقل هایشان جمع را بر ۲ وجه معنی نموده اند:

اول: جمع کردن اقرار به حق و از بین بردن اختلافات

دوم: تسلیم هواهای نفسانی و حیوانی در برابر عقل می باشد.^۵

بعضی نیز بر این نظرنده که: دست بر سربندگان کشیدن نمادی است از ولایت و سرپرستی، یعنی: حضرت مهدی (ع) در زمان ظهر خود بر مردم ریاست می کنند و وقتی سرپرست مردم عاقل

۱ - صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمتة ، ج ۲، ص ۶۵۳ باب ۵۷ ح ۱۲، علامات المتروج (ع).

۲ - کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۱۵؛ عاملی، حر، وسائل الشیعه ، ج ۳۷، ص ۲۰۳؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۹۴.

۳ - کمال الدین ، محمدبن طلحه ، مطالب السؤول ، ص ۵۰. نجف : مجلسی، همو ، بحار الانوار، ج ۷۸ ص ۷۷ ح ۵۹

۴ - صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، الخصال، ص ۴۳۳، ح ۱۷؛ کلینی ، محمدبن یعقوب، الکافی ، ج ۱، ص ۱۸.

۵ - بنگرید به: کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۵

باشد خودشان نیز عاقله می شوند چرا که روزنامه‌ها و مطبوعات، صدا و سیما و سینماها، مدارس و دانشگاهها و مانند آن، همه تحت کنترل حکومت حضرت قرار می گیرد و با سرپرستی عاقلانه حضرت تمامی افراد در جریان تربیتی این حکومت عقل محور، عقلشان کامل و جهشان ضایع خواهد شد.

برخی بر این نظرند روشی عقل‌ها و افکار و آزادی از بندهای هوایا و شهوای تمایلات بدانجا می‌رسد که با هدایت حضرت مهدی (ع) آیات قرآن مستقیماً بر عقل‌ها تأثیر می گذارد و همه را هدایت می‌کند.^۱

در واقع تمامی انحرافات دینی و جهالته ای ما از نبود عقل یا کم خردی ما می‌باشد. حضرت مهدی (ع) در دوران ظهور خود برای رسیدن به یک جامعه ایده‌آل عقل‌ها را به حد کمال می‌رساند و از این طریق است که به برکت حضرت مهدی (ع) قدرت هر مردی برابر قدرت چهل مرد خواهد بود. در واقع اگر در مفهوم روایات دقت نمائیم می‌بینیم که با گسترش سرسبی و خرمی در زمان حضرت و نمایان شدن تمامی برکات زمین و رفع هرگونه نقاوت از مؤمنین و هفت برابر شدن محصولات کشاورزی و طولانی شدن عمرها و بارور شدن بیش از حد اشجار و مضاعف شدن تمامی برکات و نعمات، با توجه به این روایات فردی که از تغذیه نعمات و رفاه کامل برخوردار باشد مسلماً دارای جسمی قوی و در جسم قوی عقل قوی پرورش خواهد یافت. چرا که عقل سالم در بدن سالم ایجاد می‌گردد.

اکنون این سؤال در ذهن افراد پدید می‌آید که آیا حضرت مهدی (ع) در زمان غیبت بر رشد و بارور شدن عقل افراد تأثیر می گذارد؟ چگونه متظر به پرورش عقل خود، برای رسیدن به کمال درجه انتظار بپردازد؟

در پاسخ به سؤال اول، یکی از حکمت‌های غیبت آن حضرت این است که مسلمانان در باورها و اندیشه‌ها و فقه اسلام خودکفا می‌شوند و قدرت علمی اسلام را پیشرفت می‌دهند و با بهره‌گیری از روشها و فرمایش‌های بزرگان اهل بیت (ع) قدرت و نیروی علمی اسلام را بالا می‌برند تا این که اسلام برای همیشه آماده‌ی پذیرش انسان‌های کامل خواهد شد. در واقع علت رشد عقل افراد متظر در زمان غیبت به فضل پروردگار صورت می گیرد چرا که به نقل از امام سجاد (ع) که

۱ - بنگرید به: طالقانی، سید محمود، انتظار ظهور، با کوشش سید محمود موسوی نژاد.

فرمود: «مردم زمان غیبت بر همه زمان‌ها برتری دارند، زیرا که خداوند به ایشان به اندازه عقل و فهم و شناخت داده است که غیبت آن حضرت نزد ایشان به منزله مشاهده و عیان است...»^۱

با تأمل در روایات می‌توان به این نتیجه رسید که اولاً: به لطف خداوند مردم زمان غیبت از فهم و عقل ویژه‌ای برخوردار شده‌اند. و شاید عامل این رشد عقلی همان تأثیر حضرت مهدی (ع) بر رشد عقلی افراد باشد. ثانیاً: فرد متظر با پیروی صحیح از دستورات الهی و جلب رضایت حضرت مهدی (ع) با توجه به اعمال و رفتار خویش در واقع به تقویت قوای عقلانی خویش می‌پردازد سوماً: شیعه در جریان اصلاح خود، با دوری از گناهان و جهالتها و پیروی از دستورات قرآن و احادیث ائمه علیهم السلام، خود به خود، به تقویت و باروری نیروی عقلانی خویش می‌پردازد.

حال این سوال برای افراد مطرح می‌گردد که: چگونه قوای عقلانی خود را پرورش دهیم؟

با توجه به روايات، اصلاحات فردی در گروه محیطی عقل محور صورت می‌گیرد. روایات بر اهمیت عقل محوری در زمان غیبت و ظهور حضرت مهدی (ع) تأکید نموده‌اند و با اشاره بر اینکه لازمه اخلاق و صبر و حلم کامل همان پرورش قوای عقلانی فرد و جامعه می‌باشد، لذا فرد منتظر تلاش می‌نماید تا با پرورش دادن عقل و خرد خود، راه صحیح را از راه نادرست تشخیص داده و پیرو حضرت و از جمله زمینه‌سازان ظهور آن حضرت گردد.^۲

۲-۸-۳- روحی و روانی

فردی که منتظر حضرت است، این انتظار در تمام ابعاد روحی و روانی او نیز تأثیرگذار است. از طریق ارتباط معنوی که فرد با یک انسان کامل الهی برقرار می‌سازد حسی در او به وجود می‌آید که شخص را متکی به تکیه گاه مستحکمی می‌بیند و از لحظه روانی به یک آرامش توصیف ناشدنی دست می‌یابد.

منتظر واقعی از چنان روحیه‌ای برخوردار می‌شود که از سخت ترین امتحانات الهی نیز موفق و پیروز بیرون آمده و همواره نسبت به پروردگار خویش شکرگذار است. چنانکه از امام باقر(ع) نقل شده است که فرمود: «هرگز هرگز به این زودی فرج ما نرسد تا غربال شوید، باز هم غربال شوید و باز هم غربال شوید تا کدورت‌ها بروند و صفا بمانند». با توجه به روایات حضرت مهدی (ع) به

۱- مجلسی، محمدباقر، بخاراالنوار، ج ۵۲، ح ۱۲۲، ص ۴؛ صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و ثانم اللعنة، ج ۱، ص ۳۱۹.

۲- بنگرید به: محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه عقاید اسلامی، عوامل رشد خرد، ج ۱ و ۲ به ترجمه‌ی: مهدی، مهریزی، ج ۱ و ۲.

۳- حر عاملی، محمدبن الحسن، اثبات المحدث، ج ۷، ص ۲۴.

وضع درونی و در جه روحیه مردم دانا در آیه‌ای از قرآن کریم خداوند می فرماید: «**الَّذِينَ ءامنُوا** و **ولَمْ يَلْبِسُوا إِيمَنَهُم بِظَلَمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ**^۱. تطهیر از شرک و نفاق و هرگونه ظلمی در گرو تماسک به ولایت است و وجود حضرت، مطهر از هرگونه نخوت و آلودگی است. بنابراین رسیدن به مقام امن که آرزوی بزرگ اولیای خدا است، جز از راه ولایت نخواهد بود. با توجه به آیه «**وَعْدَ اللَّهُ الَّذِينَ ... وَ لِيمَكِنُنَّ لَهُمُ الدِّينَ الَّذِي إِرْتَضَى لَهُمْ وَ لِيَبْدَلُنَّ** هم من بعد خوفهم **أَمْنًا ...**^۲» و سفارش پیامبر بزرگوارمان (ص): «**أَبْشِرْكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يَبْعَثُ فِي أَمْتَى عَلَى إِخْتِلَافِ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَازِلَ، فِيمَا لِأَرْضٍ قَسْطًا وَ عَدْلًا، كَمَا مَلَّتْ جُورًا وَ ظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهِ ساكنَ السَّمَاوَاتِ وَ ساكنَ الْأَرْضِ ...**^۳» انتظار امری است برای آرامش و امنیت افراد و عاملی است که ناامنیها را نابود می سازد و عامل م مؤثری است در تقویت آرامش روحی و بسیاری از بیماریهای روحی که امروزه در افراد یک جامعه وجود دارد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «**إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خُوفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزُنُونَ**^۴» یعنی: بی تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس استقامت ورزیدند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. از امام صادق(ع) نقل شده که این آیه در ارتباط با تأثیر اعتقاد به حضرت مهدی(ع) در آرامش فرد می باشد.^۵ زیرا در نبود غمهاست که آرامش و شادی حاصل می گردد.

در جریان این تأثیر، فرد خود را با ذکر پروردگار و دعا جهت تعجیل در فرج حضرت ، انس داده و به سبب ذکر و دعا روح خود را قوت بخشیده و دل خود را شفا داده و نورانی می سازد.

۱-۲-۳- ذکر و دعا

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «**فَتَنَّهُمْ وَ جَلَوْهُمْ وَ وَسُوسَهُمْ هَا وَ زَيْنَتُهُمْ هَا** در دنیا وجوددارند »^۶ فردی که به ذکر و عبادت و دعا در جهت رضای پروردگارش بپردازد همواره با اعتقاد به آیاتی چون «آنجا که ذکر و یاد تو را، نه اسم و نام تورا بالا بردیم در تو وسعتی پدید آوردیم و بارهای

۱- انعام ، ۸۲

۲- نور ، ۵۵

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱، باب ۱؛ طوسی، محمدبن الحسن، الغیة، ص ۱۷۸.

۴- احقاف، ۱۳.

۵- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۲۰، ح ۴۰.

۶- حدید، ۲۰

سنگین و کمرشکن را از تو برداشتیم، تا آنجا که تو همراه هر رنجی، راحتی می دیدی^۱ «فأن مع
العسر يسرأ»^۲

با توجه به بعضی روایات، «دعا قضای پیچیده سخت را برمی گرداند.^۳» با دعا کردن براى آن حضرت کمال توجه به سوی اوبرایش حاصل می شود و فود علاقه خود را به حضرت نشان می دهد. حضرت ابراهیم (ع) اجابت دعای خویش را علامت خلیل گرفتنش از سوی خداوند قرار داد. بنابراین اهتمام ورزیدن به دعا برای فرج امام (ع) اظهار محبت نسبت به آنحضرت است و سبب می شود که حضرت نیز نسبت به دعا کننده دوستی بیشتری پیدا کند. دعا فواید بسیاری برای فرد منتظر به جای می گذارد. از باب نمونه:

۱- دعا تعظیم خداوند و دین خداوند است . ۲- هدایت به نور قرآن مجید است . ۳- نشانه انتظار است. ۴- حضرت صاحب الزمان در حق او دعا می کند ۵- زیاد شدن اشراق نور امام (ع) در دل اوست. ۶- دعا مایه سرور و خرسندي اهل بيت و طلب هدف و مقصود ایشان است و بسیاری فواید دیگر.^۴

کلینی در کتاب خود ذکر نمود که : «در قیامت عده ای می گویند: پروردگار، این همان شخصی است که برای ما دعا می کرد شفاعت ما را درباره او بپذیر.^۵ وقتی مؤمن برای مؤمن دعا می کند و استجابت دعای م مؤمن از سوی پروردگار قابل توجه است ، امام مهدی (ع) نیز به طور حتم هر لحظه برای مؤمنین دعا می کند و دعای خیر حضرت شامل اصلاح افراد نیز می گردد. طوسی به نقل از راوی یک توقیع، این جمله را در کتاب خود نقل کرده است : «فورد جواب^۶ کتابهم بخطه عليه و على آبائه السلام...» در جواب نوشته آنان به خط امام زمان (ع) وارد شد که : به نام خداوند بخشنده مهربان، خداوند ما و شما را از گمراهی و فتنه ها سلامت بخشد و به ما و شما روح یقین عطا کند و ما و شما را از عاقبت بد پناه دهد ...»^۷ این توقع ناظر بر این است که حضرت به حال فرد منتظر دعا می نماید.

۱ - خداوند می فرماید: «ألم نشرح لك صدرك و وضعنا عنك وزرك و رفعنا لك ذكرك». اشرح ، ۱.

۲ - اشرح ، ۵.

۳- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۹ و ۴۷۰.

۴ - بنگرید به: به موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، شرح فواید دعا، ص ۳۵۶.

۵- کلینی، محمدبن یعقوب ، الکافی، ج ۲ ، ص ۵۰۸

۶- نیلی، نجفی، منتخب الانوار الضئیله، یک جلد، خیام، قم، ۱۴۰۱ هـ. ق.

با توجه به روایات فوق اگر حضرت بر رفتار ما نظارت نداشته باشد نمی تواند نیازها و کاستی های ما و مانند آن را دریابد تا زمینه و چگونگی دعا برایش روشن گردد . و بداند که چه دعایی برای فرد لازم است . از باب نمونه : یکی از دعاها یعنی که تأکید شده منتظر شیعه آن را در زمان غیبت قرائت نماید، دعای افتتاح می باشد.

دعای افتتاح از دعاها مشهور و شریفی است که به وسیله ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمروی، نایب خاص حضرت ولی عصر(ع) صادر شده است. مجلسی می فرماید: «و به سند معتبر از حضرت صاحب الامر (ع)، منقول است که به شیعیان نوشتن: در هر شب ماه رمضان این دعا را بخوانید که دعای این ماه را ملائکه می شنوند و برای صاحبین استغفار می کنند...».^۱

از امام صادق (ع) نقل شده که با تأکید، شیعیان را به شناخت خداوند، پیامبر و حجت های الهی فرا خوانده، از جمله دعاها دوران غیبت را این گونه توصیه فرموده است: «اللهم عرفني نفسك فأنّك إن لم تعرّفني رسولك لم أعرف حجتك ، اللهم عرفني حجتك فأنّك إن لم تعرّفني حجتك ظلللت عن ديني».^۲

یعنی : بار الها خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی پیغمبرت را نخواهم شناخت. بار الها! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به من نشناسانی حجت تو را نخواهم شناخت. بار الها، حجت خودت را به من بشناسان که اگر حجت را به من نشناسانی از دینم گمراه می گردم. خداوندا، مرا به مرگ جاھلیت نمیران و دلم را (از حق) پس از آن که هدایتم فرمودی منحرف مگردن ...».

۲-۲-۳- رهاورد انتظار در روح و روان فرد

الف: امید به آینده

امید مایه حیات و نشاط و پویایی است . امید عامل حرکت و اقدام است . منتظر امام زمان (ع) به آینده ای روشن و سراسر شور و اشتیاق امیدوار است . چنانکه از امام علی (ع) نقل شده است که فرمود: «إِنْتَظِرُوا الْفَرْجَ وَلَا تُؤْسِوْا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّمَا يُحِبُّ الْأَعْمَالَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنْتَظَارُ الْفَرْجِ مَادَمَ

۱ - بنگرید به: مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۶؛ و بنگرید به: کفعی، ابراهیم بن عاملی مصایب ، ص ۵۷۸ سید ابن طاووس، الاقبال، ص ۵۸.

۲ - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ صدوق ، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۲ ، ص ۳۴۲، ۵۱۲. طوosi، محمد بن الحسن، الغیة ، ص ۱۶۶.

علیه المؤمن»^۱ یعنی: منتظر فرج (از جانب خدا) باشد و از رحمت و دستگیری خداوند نامید نباشد. همانا دوست داشتنی ترین کارها در پیشگاه خداوند عز و جل انتظار فرج است تا وقتی که مؤمن این حالت خود را حفظ کند. «کل من رجاء عرف رجاؤه في عمله» یعنی: هر کس امید داشته باشد، این امید از عمل وی شناخته می‌گردد. یکی از نامهای خداوند «يا متنه الرجايا» یعنی: ای نهایت امیدها، است. منشاء هر امیدی پروردگار است و امام زمان (ع) جلوه حق. پس با توصل به حضرت امید به شناختی پیوند می‌خورد که نور و تلاش می‌آفریند.

بنابراین ایمان به حضرت مهدی (ع) و عدالت فraigیرش تنها مایه دلداری و شکیبایی نیست، بلکه منبعی سرشار از الهام بخشی و توانمندی خواهد بود.

امید نقش سازنده‌ای در تعلیم و تربیت دارد. کسی که امیدوار است، از نظر بعد آموزشی، دارای بینش توحیدی است، تمام امور عالم را زیر فرمان خدا می‌بیند، به وعده خداوند در شرایط سخت و سقوط، آگاهی کامل دارد، حکومت ز مین را مختص وارثان حقیقی آن می‌داند و یقین دارد که پیروزی از آن ایشان است و چنین فردی می‌داند که باید در تمام زمینه‌ها آماده و مهیا باشد. چرا که خداوند حال قومی را تغییر می‌دهد که خود بخواهد.^۲ در نتیجه امیدی که در انتظار ریشه دارد انسان را در مسیر تربیت، مقاوم و مستحکم می‌کند.

چنان که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمَّ لَوْالصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفُنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيَبْدَلُنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»^۳ و«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينُ الْحَقِّ لِيُظَهِّرَ عَلَى الْهُدَىٰ كُلَّهُ»^۴ آیات فوق بر عنصر خوشبینی و طرد عنصر بدینی درباره آینده بشر تأکید ورزیه است.

ب - صبر و مقاومت در مقابل مشکلات

در روایتی آمده: «صبر را برخود لازم بدارید؛ زیرا که فرج نمی‌رسد مگر در حالت یأس و نومیدی، بدرستی که کسانی که پیشتر از شما گذشتند از شما صبر کننده تر بودند»^۵ روایت فوق به نقل از

۱ - صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، الخصال، ج ۲؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۶۱۶.

۲ - رعد، ۱۱؛ بنگرید؛ به: نور، ۵۵.

۳ - نور، ۵۵.

۴ - توبه، ۳۳؛ فتح، ۲۸؛ صف، ۹.

۵ - صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۵ و ح ۴ و ۵.

امام موسی بن جعفر(ع) در تفسیر آیه « و ارتقیوا إِلَى مَعْكُمْ رَقِيبٌ^۱ » آمده است. در روایتی از امام محمدباقر(ع) نقل شده است که فرمود: «برانجام واجبات صبر کنید و با دشمنانتان پایداری کنید و پیوند خود را با امام متظرتان مستحکم نمایید^۲».

فردی که متظر حضرت می باشد در جریان مصائب، سختی ها، شباهه ها و مشکلات فراوانی قرار دارد. فرد اگر صبور و مقاوم نباشد اسیر شهوات، شباهه ها، شک های مختلف و انحرافات بسیاری قرار گرفته و مسیر و هدف اصلی خود را گم خواهد نم ود. چنانکه از امیرالمؤمنین علی(ع) نقل شده است که فرمود: «منتظر فرج باشید و از رحمت خدا نویید مشوید، زیرا که دوست ترین عملها نزد خدای تعالی انتظار فرج است...این مدت را (زمان غیبت) طولانی نشمارید که موجب قساوت دلهای شما گردد^۳». با توجه به مفهوم روایت فوق و ا همیت صبر، فرد متظر امیدوار صبوری می کند و شیعه متظر به فضل الهی از چنان عقل و فهم و معرفتی^۴ برخوردار می گردد که در جریان حوادث دشوار دوران غیبت مقاومت می نماید. چنانکه از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود: «دین ائمه و شیوه ایشان ورع و عفت و صلاح است، تا به قول آن حضرت که شیوه ایشان متظر فرج بودن است به صبر کردن^۵». بنابراین به این نکته پی می بریم که فرد متظر باید نهایت مقاومت مقاومت و صبر بر مشکلات را از خود نشان دهد تا بتواند در رکاب حضرت سختی ها را تحمل و یاور حضرت باشد.

منتظر همواره در جریان انتظار خود صبور می گردد و به خودسازی و پرورش ظرفیت خود می پردازد تا جزء یاران حضرت محسوب گردد . چنانچه فضیل از أبی ع بدالله (ع) نقل نموده که فرمود: «ورجال كأن أَن قلوبهم زبر الحديد ..^۶». یعنی: و مردانی که گویی دل های شان پاره های پولاد است. شجاعت از صفات یاران مهدی (ع) است و شخ ص متظر می کوشد تا صبور و شجاعت پرور باشد.

۱ - هود، ۹۳.

۲ - نعماقی ، محمدبن ابراهیم،^۷ الغیبة ، ص ۱۹۹؛ هم چنین بنگرید به : بحرانی ، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱ ، ص ۳۳۴، ح ۴.

۳ - صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی،^۸ الخصال، ج ۲ ، ص ۶۱۶ و ۶۲۲.

۴ - طبرسی،^۹ احمدبن علی،^{۱۰} الاحجاج، ج ۲ ، ص ۱۵۴ ، ح ۱۸۸.

۵ - صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی،^{۱۱} الخصال، ص ۴۷۹ ح ذیل ۴۶.

۶ - مجلسی، محمدباقر،^{۱۲} بخار الانوار، ج ۲، ص ۵۲؛ صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی ،^{۱۳} الخصال، ج ۲ ، ص ۵۴۱.

در روایتی به نقل از امام صادق(ع) در ارتباط با معنای «والعصر إنَّ الإِنْسَانُ لِفِي خَسْرٍ» پرسیدند، حضرت فرمود: «عصر، عصر خروج قائم (ع) است. إنَّ الإِنْسَانُ لِفِي خَسْرٍ يعني دشمنان ما، الْأَفَّينَ آمَنُوا^۱ يعني به آیات ما ائمه، و عَمَلُ الصالحات يعني همراهی با برادران و تواصوا بالصبر^۲ در اعتقاد فرد حالت انتظار را تقویت نموده و پیام خداوند را که دعوت به صبر است لبیک می‌گوید. فرد در سایه اعتقاد به امام زمان (ع) به امتیاز والای صبوری نائل می‌گردد. چرا که صبوری ستون عقل است. از باب نمونه به چند روایت دیگر نیز اشاره می‌نماییم.

الف - از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود: «گوارا باد کسانی را که در ایام غیبت شصت صبر می‌کنند، و گوارا باد کسانی را که در راه راست خودشان ایستاده از آن بیرون نمی‌روند.^۳ و در روایت دیگری حضرت فرموده اند: «مؤمنان....در زمان غیبت امام، به امامتش اقرار می‌کنند و به دستگیره درش چنگ می‌زنند و انتظار خروج وی را می‌کشند و در این باب یقین دارند و در مقام صبر و تسليمند و شخص صبور غیبت امامش به او ضرر نمی‌رساند^۴.

ب - در روایت دیگری امام صادق (ع) به نقل از رسول خدا (ص) فرموده‌اند: «زمانی بر مردم خواهد آمد که حکومت، جز به وسیله‌ی کشتن و ستمگری به دست نیاید، و ثروت جز با غصب و بخل فراهم نگردد و محبت و دوستی، جز با بیرون رفتن از دین به چنگ نیاید . پس هر کس، آن‌زمان را دریابد و بر فقر صبر کند، با این که محبت مردم را بتواند جلب کند، برخواهی و ذلت صبر کند، در صورتی که قدرت عزیزشدن را داشته باشد، خداوند پاداش صدیق از تصدیق کنندگان مرا به او خواهد داد^۵.

د - و در روایت دیگری از امام حسین (ع) نقل شده است که در خطاب به افرادی که آزار و اذیتها را در حفظ دین خود در زمان غیبت تحمل می‌کنند و صبر پیشه می‌نمایند، فرمودند: «...آنکه

۱- عصر، ۲؛ بنگرید به : مجلسی، محمدباقر، بخار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۱۴؛ صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۲، ص ۶۵۶.

۲- همو، ۳.

۳- همو، ۵.

۴- نعماقی ، محمدبن ابراهیم، الغیبه ، ص ۲۰- ۲۱.

۵- همو.

۶- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۹۱، ح ۱۲.

در زمان غیبت، برآزارها و تکذیب ها، استوار بماند، گویا مجاهدی است که در رکاب رسول خدا(ص) با شمشیر، به جهاد برخاسته است^۱.

در روایات فوق به این نتیجه می‌رسیم که مقاومت فرد متظر در برابر سختیهای دوران غیبت او را بسیار صبور و توانا می‌سازد. کسی که به جهاد پرداخته بدون صبر بر مشکلات به این تکلیف رسیدگی نکرده چرا که صبر و استقامت متظر به منزله حفظ هویت و شخصیت فردی او می‌باشد. در زمان غیبت حضرت مهدی (ع) بسیاری از شیعیان به خاطر عقایدشان مورد تمسخر قرار می‌گیرند و گاهی خود شیعیان یکدیگر را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. چرا که متظرین نیز دارای درجات معنوی مختلفند.

به عنوان مثال: در ارتباط با اعتقاداتشان در مرحله عمل و به خاطر هوایستی و امیال نفسانی بسیاری از احکام دینی را تضعیف و تحریف می‌نمایند و در مقابل افرادی که به رعایت احکام دینی پایبندند مورد تمسخر قرار گرفته می‌شوند. در روایات فوق با توجه به صبوری فرد متظر، پاداش هنگفتی برایش در نظر گرفته شده است.

ج - تسکین و آرامش روانی

وجود ارتباط معنوی میان حضرت و برخی افراد، و مشاهده جلوه هایی از کرامات و عنایات حضرت که به طور مداوم یا مستمر در طول دوران غیبت رخداده، این حس که شیعه تکیه گاهی دارد او را به آرامش و امنیت روانی غیرقابل توصیفی می‌رساند که او را از بسیاری امراض اخلاقی، روحی و روانی در امان نگاه می‌دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «الَّمْ ترَأَنَ اللَّهُ سَخْرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَ الْفَلَكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ يَمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ نَفْعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ»^۲ در روایتی به نقل از امام زین العابدین (ع) در تفسیر این آیه آمده که فرمود: این آیه در ارتباط با حضرت مهدی (ع) که امان و پناه اهل زمین است نازل گشته است.^۳ روایت فوق ناظر بر این است که حضرت مهدی (ع) موجب امنیت و پناه و آسایش جسمی و روحی افراد می‌باشد.

۱ - صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳؛ بنگرید به: طوسی، محمدبن الحسن، الغیبة، ص ۳۲۹؛ کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲، ص ۹۲.

۲ - ح ۶۵.

۳ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۴۸۵؛ صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۸۵.

امان و امنیت و آرامش زمانی به وجود می‌آید که افراد از بسیاری از تباہی‌ها و فسادهای اخلاقی و بسیاری از بیماریهای روحی و روانی محفوظ بمانند با توجه به روایت فوق حضرت مهدی (ع) حتی در پرده غیبت بر آرامش روحی و روانی شیعه تأثیر فراوانی دارد.

د - خوشبینی به آینده (اوپضاع و احوال)

اندیشه انتظار بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوشبینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده، طرد عنصر بدینی نسبت به پایان کار بشر است: که طبق بسیاری از نظریه‌ها و فرضیه‌ها فوق العاده تاریک و ابتر است. فرد مؤمن و منتظر امام زمان (ع) در تحت هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی‌دهد و همواره به آینده خوشبین می‌باشد. درباره آینده بشریت، نظرها مختلف است، اکنون به چند نظریه اشاره می‌نمائیم:

الف - بعضی معتقدند که شر و فساد و بدبختی، لازمه لاینفک حیات بشری است و بنابراین زندگی بی‌ارزش است و عاقلانه‌ترین کارها خاتمه دادن به حیات و زندگی است.^۱

ب - بعضی دیگر اساساً حیات بشر را ابتر می‌دانند، معتقدند که بشر در اثر پیشرفت حیرت آور تکنیک و ذخیره کردن انبارهای وحشتناک وسائل تخریبی، به مرحله‌ای رسیده که به نابودی تا یک گام بیشتر فاصله ندارد.

ج - نظریه سوم اینست که ریشه فسادها و تباہی‌ها نقص روحی و معنوی انسان است. انسان هنوز دوره جوانی و ناپختگی را طی می‌کند و خشم و شهوت بر او و عقل او حاکم است. با توجه به این نظریات باید توجه داشت که انسان بالفطره در راه تکامل فکری و اخلاقی و معنوی پیش می‌رود. آینده‌ای بس روشن و سعادت بخش و انسانی، که در آن شر و فساد از بیخ و بن برکنده خواهد شد. در انتظار بشریت است این نظریه الهامی است که دین می‌کند نوید مقدس قیام و انقلاب مهدی(ع) در اسلام در زمینه این الهام است.

در نتیجه فرد خوشبین، تمامی موانع را در مسیر زندگی خود پشت سر می‌گذارد، اما بدینی موجب اختلافات، کینه‌ها، حسادت‌ها و بسیاری از احوال ناپسند در فرد می‌گردد و خود موجب انتظار منفی می‌گردد.

۱- بنگرید به: خوئی، اسماعیل، جلال با مدعی.

د - آرمان خواهی و آرمان طلبی

منتظر امام زمان (ع) همواره در جریان انتظار خود دچار حس با ارزشی چون آرمان خواهی و آرمان طلبی می‌گردد. فرد در این حیطه به ارزش والای انسانی خود پی برده و روح او از عالم ماده و دنیای مادیات گریزان است. فرد منتظر به ایثار و فداکاری از خویش برای رسیدن به آرمانهای معنوی خود می‌پردازد. از باب نمونه: شهادت‌ها و اسارت‌ها و تحمل زجر و شکنجه‌هایی است که از زمان صدر اسلام، سمیه‌ها، عمارها و یاسرهای شروع شده و تا کنون ادامه دارد و هزاران شهید و اسیر نامدار و گمنام را می‌توانیم در فلسطین و لبنان، عراق و ایران و مانند آن نام ببریم که برای رسیدن به مقاصد با ارزش خود رنج‌ها را تحمل و شهادت‌ها را به جان خریدند. و هر یک در جهت رضای امام زمان خود در دفاع از اهداف خویش به شهادت رسیدند. در این زمینه می‌توانیم به روایاتی چند از باب نمونه اشاره نمائیم:

الف - مفضل بن عمر گوید از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: «من مات منتظرًا لهذا الأمر كان كمن مع القائم في فسطاطه، لابل كان كال ضلّب بين يدي رسول الله (ص) بالسيف».
يعنى: هر که منتظر این امر باشد و بمیرد مانند کسی است که با قائم (ع) در خیمه‌اش باشد، نه بلکه مانند کسی است که پیشاروی رسول خدا (ص) شمشیر زده باشد.

ب - عمر بن ثابت گوید امام زین العابدین (ع) فرمود: «من ثبت على موالتنا في غيبة قائمنا أعطاه الله عزوجل أجر ألف شهيد من شهداء بدر و أحدٍ» ^۱يعنى کسی که در غیبت قائم ما بر موالات ما پایدار باشد، خدای تعالی اجر هزار شهید را از شهادای بدر و أحد به وی عطا فرماید.

ج - در روایتی از امیرالمؤمنین علی (ع) روایت شده است که فرمود: «المنتظر لأمر كالمتشرط بدمه في سبيل الله»^۲ ^۳يعنى: منتظر امر مانند کسی است که در راه خدا به خون در غلطد.
از روایات فوق نتیجه می‌گیریم که منتظر در ازای رسیدن به مقام و ثواب شهادت می‌تواند رشداتها و دلاریها در عرصه جنگ از خود نشان دهد و در واقع اعتقاد به مهدویت موجب دفاع از کشور و حفظ ارزشها پسندیده است.

مرتضی مطهری می‌گوید:

۱ - صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمۃ ، ج ۲ ، ص ۳۳۸ ، خالد برقی، احمدبن محمد، الحسن، ج ۱ ، ص ۱۷۲ و ص ۱۶۴؛ مجلسی، محمدباقر، بخار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۲۵.

۲ - همو، ج ۱ ، ص ۳۲۳ و «مَنْ شَهِدَ بِدْرًا وَاحْدًا فَأَيْسُرُوا» وج ۲ ، ص ۶۴۵.

۳ - همو، ج ۲ ، ص ۶۴۵.

یکی از مظاهر کمال انسان چگونگی مواجهه او با مرگ است . چون مرگ و فکر مرگ و خیال مرگ و ترس از مرگ یک نقطه ضعف در انسان می باشد و بسیاری از بدبختیهای بشر ناشی از مرگ است. تن به پستی ها دادن و هزاران مشکلات دیگر به خاطر ترس از مرگ است . فرد منتظر در نهایت شهامت با لبخند و خوشروئی سراغ مرگ می رود. مرگی که در راه هدف است.^۱ مرگی که ثواب آن در روایات همپای شهادت در راه خدا می باشد.

۳-۸-۳- اخلاقی

با توجه به آیات و روایات اعتقاد به مهدویت باعث افزایش معرفت فرد نسبت به پروردگار و تربیت و پرورش اخلاقی فرد می شود. قرآن کریم و تعالیم اهل بیت (ع) بر رشد اخلاقی و معنوی بشر بیشترین تأکید را داشته‌اند.

در روایتی آمده که « هر که دوست بدارد که از اصحاب قائم (ع) باشد، هر آینه باید که به ظهور آن حضرت منتظر شود، در ایام انتظارش به ورع و تقوا رفتار نماید و به اخلاق حمیده واوصاف پسندیده متصف شود ». ^۲ در باب اهمیت پرهیزگاری و اخلاق نیکوی منت ظر در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده که فرمودند: « من سرّه آن یکون من أصحاب القائم فلیعتظر و لیعمل بالورع و محاسن الأخلاق و هو منتظر » ^۳ یعنی: هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم باشد، در حال انتظار به پرهیزگاری و اخلاق نیکو رفتار نماید.

پیامبر اکرم (ص) هدف از پیامبری خود را تکمیل مکارم الاخلاق می شمرد (اَفَّا بُعْثَتْ لَأَ تَمِّ
مَكَارِمُ الْخُلُقِ) ^۴ حکومت امام مهدی (ع) که حکومت خدا و ارزش‌های الهی بر جهان است، ترویج ارزش‌های اخلاقی را در رأس برنامه های خود قرار خواهد داد . از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود: « إِذَا قَامَ قَائِمَنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَؤُوسِ الْعَبَادِ فَجَمِعَ بَهُ عَقُولُهُمْ وَأَكْمَلَ بَهُ أَخْلَاقُهُمْ » یعنی زمانی که قائم ما قیام کند . دست خود را بر سر بندگان خواهد نهاد و عقلهای ایشان را جمع خواهد کرد و اخلاق آنها را به کمال خواهد رساند. از این تعبیر استفاده می شود که

۱- بنگرید به مطهری، مرتضی، کتاب انسان کامل، ص ۸۶.

۲- نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغيبة ، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

۳- همو، ح ۱۶.

۴- نوری، محمد، المستدرک، ج ۱۱ ، ص ۱۸۷، مؤسسه‌ی آل بیت ، قم، ۱۴۰۸ هـ . ق : مجلسی، محمدباقر ، بخارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۷ ، ح ۳۷۲ ص ۳۷۲

۵- مجلسی ، محمدباقر ، بخارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ راوندی، قطب الدین، الخرایج، ج ۲ ، ص ۸۴۰

در پرتو حکومت مهدی (ع) که حکومت اخلاق و معنویت است، بستر مناسب برای کمال عقلی و اخلاقی افراد فراهم خواهد آمد زیرا که همانگونه که اخلاق منحط و پست از نقصان عقل و خرد آدمی است، کمال عقل موجب بروز و ظهور اخلاق نیکو در انسان خواهد بود . از سوی دیگر محیط آکنده از هدایت‌های قرآن و سنت‌های الهی آدمی را به خوبی‌ها سوق می‌دهد و از درون و برون همه بخشش‌ها به سوی فضیلت‌ها و زیبایی‌هاست و اینگونه است که ارزش‌های الهی و انسانی همه جائی و عالم‌گیر می‌شود. متظر شیعه سعی می‌کند تا خود را از تمامی رذائل اخلاقی همانند دروغ، افتراء، حسادت و مانند آن پاک نموده و به اصلاح خویش بپردازد.

٣ - ٨ - ١ - الگوپذیری

فرد منتظر در زمان غیبت از دستورات قرآن، ائمه اطهار و اهل بیت (ع) پیروی نموده تا با تاسیّی از این بزرگواران و مدد و توسل جستن به آنها کمالات اخلاقی امام یا امامان را در خود بوجود آورد .

امام که پیشوا و راه بر جامعه است، انسان کامل می‌باشد و از همه بدی‌ها و رذائل اخلاقی دور بوده و در مقابل همه کمالات اخلاقی را در عالی‌ترین حد آن دارا می‌باشد . از امام رضا (ع) نقل شده است که فرموده: «برای امام (ع) نشانه‌هایی است: او داناترین، پرهیزکارترین، شجاعترین و سخاوتمندترین و عابدترین مردم است^۱. فرد منتظر می‌کوشد تا صفات حضرت را در خود بهینه‌سازی نموده و رضایت و خشنودی حضرت را با کمالات اخلاقی خود بdest آورد . شیعه امام خود را الگو قرار می‌دهد و احتیاجی بر این نیست تا امام مهدی (ع) را حتماً در مقابل خود ببیند بلکه با پیامی که از این روایات دریافت می‌نماید وقتی امام خود را با آنهمه عظمت در مقام خودسازی می‌بیند، تلاش می‌کند تا خود نیز به اصلاح شخصی خویش بپردازد . در این زمینه از امام علی(ع) نقل شده است که فرمودند: «کسی که به امر خدا خود را امام مردم قرارداده است براووست که پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خود همت گمارد و باید دیگران را به وسیله رفتار خود تربیت کند پیش از آنکه با گفتار تربیت کند^۲.

۱ - صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، معانی الاخبار، ص ١٠٢، ح ٤، جامعه مدرسین قم، ١٣٦١ش.

۲ - محمدی ری شهری، محمد، المیزان، باب ١٤٧، ح ٨٥٠، به ترجمه‌ی: همیرضا شیخی، دارالحدیث قم، ١٣٧٧، هـ. ق.

۲-۳-۸-۳- نظارت امام بر اعمال ما

فرد منتظر از برداشتی که در روایات دارد، متوجه نظارت حضرت، بر اعمالش می‌گردد. از باب نمونه از امام رضا (ع) نقل شده است که فرمودند : هر صبح و شام^۱ اعمال مردم بر ائمه عرضه می‌گردد و این توجه ارزشمند و حرکت در مسیر تهذیب نفس می‌تواند مقدمه‌ای برای کسب قابلیت و لیاقت باشد.

خداآوند در قرآن کریم می‌فرماید: «**قُلْ إِعْمَلُوا فَسِيرِيَ اللَّهُ عَمْلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ**»^۲ ای پیامبر بی مردم بگو عمل کنید ولی بدانید که خداوند و پیامبر (ص) و مؤمنان، کارهای شما را می‌بینند. در روایات دیگری آمده که مراد از مؤمنون در آئه شریفه، امامان معصوم (ع) هستند. بنابراین اعمال مردم به نظر امام زمان (ع) می‌رسد و آنحضرت از پس پرده غیبت شاهد و ناظر کارها است. این حقیقت اثر تربیتی بزرگی دارد و شیعیان را به اصلاح کارهای خود وا می‌دارد.

در توقع شریفه که از حضرت صاحب الامر (ع) به نقل از مفید، صادر گردیده، اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان آن حضرت سر می‌زند، یکی از اسباب و یا تنها سبب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از دیدار آن امام شمره شده است: «پس تنها چیزی که ما را از آنان (شیعیان) پوشیده می‌دارد، همانا چیزهای ناشایستی است که از ایشان به ما می‌رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی‌رود».^۳.

فرد منتظر وقتی بداند که امام از نظر او مخفی است و در خفا بر او نظارت دارد باعث می‌شود که در زمان غیبت در ایمان و اعمال نیک بسیار محکم تر باشد و از غفلت و نادانی درآید در دوران غیبت احساس حالت مراقبه بر فرد چیره می‌گردد و فرد در تمام حرکات و سکنات و افعال و اعمال و سخنان خود مراقب امام خود می‌باشد و آنی و دقیقه‌ای از حضرت غافل نمی‌شود. در توقعی به نقل از شیخ مفید آمده: «**فَإِنَّا نُحِيطُ عَلَمًا بِأَبْنَائِكُمْ وَلَا يَغْرِبُ عَنْ أَشَائِعِكُمْ مِنْ أَخْبَارِكُمْ**» دراین صورت فرد ظاهرًا و باطنًا ادب آن حضرت را نگاه داشته و مواظب و مراقب رفتار خود می‌باشد.

۱- قال الام الرضا (ع) «**وَاللهُ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَى فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةً**» ، صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، وسائل الشیعه، ج ۱۶ ، ص ۱۰۸؛ کلینی ، محمدبن یعقوب، الکافی ، ج ۱ ، ص ۲۱۹.

۲- توبه، ۱۰۵.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۷۸.

۴- طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، جزء دوم، ص ۴۹۸.

در آیات متعدد دیگری نیز از قرآن کریم، مسأله شهادت بر اعمال انسان ذکر گردیده از جمله : «یوم نبعث فی کلّ أُمَّةٍ شهیداً علیہم مِنْ أَنفُسِهِمْ، وَ جئنابک شهیداً علی هؤلاء وَ نزّلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شیء و هدی و رحمة و بشری للمسلمین^۱» یعنی : آن روز که ما از میان هر امتی، گواهی از خود آنها بر آن ها مبعوث می کنیم و تو را گواه آن قرار می دهیم و ما این کتاب آسمانی را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز است و مایه رحمت و بشارت برای مسلمانان است . نکاتی در تحلیل آیه شریفه قابل تأمل است :

الف - خداوند در هر امتی یک نفر را مبعوث می کند تا درباره عمل امت شهادت دهد.

ب - شهادت به رویت حسی مستندات است .

ج - حجت بر مردم تمام می گردد.

د - شهادتی که باید نیت درونی و انگیزه های قلبی عامل هر عملی را بداند و این شهادت جزء از معصوم (ع) ساخته نیست.

بنابراین آیات و روایات مذکور خود نشان دهنده نظارت حضرت مهدی (ع) بر اعمال و رفتار انسانها می باشد. و شیعه متظر با نظر بر اینکه حضرت تم امی اعمال و رفتار او را نظاره می نماید، در رفتار و اعمال خویش بسیار مراقبت می نماید.

۳-۳-۸-۳- ظهور ناگهانی

انتظار اقتضا دارد که انسان متظر با رعایت احکام الهی واجتناب از معاصی ، نفس خود را تهذیب کند و مراقب کر دار و گفتارخویش باشد و روز به روز ارتباطش را با امام خویش تقویت نماید و خود را آماده ظهور نماید . نامعلوم بودن ظهور اقتضا می کند که فرد متظر همیشه آماگی های کافی را داشته باشد با توجه به این که در روایتی از امام عصر (ع) نقل شده است که فرمود : هر یک از شما باید آن چه موجب دوستی ما می شود، پیشنهاد خود سازد و از هر چه موجب خشم و ناخشنودی ما می گردد، دوری کند؛ زیرا فرمان ما یکباره و ناگهانی می رسد.^۲

در روایت دیگری از امام ابوالحسن موسی کاظم (ع) نقل شده که فرمود: «...هر کسی اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که او منسوب به ماست، خداوند روزی اش را فراخ گرداند، به او شرح صدر عطا کند، او را به آرزویش برساند و

۱- نخل، ۳.

۲ - طبرسی، احمد بن علی، الاحجاج، ج ۲، ص ۴۵۵، ۳۲۲؛ بنگردید به: آیقی، نصر الله، اما مهدی (ع) و توبه پذیری، مشرق موعود، ش ۳، در این مقاله لایستیب تحلیل گردیده است.

در رسیدن به خواسته‌هایش یاری کند»^۱ در نتیجه با توجه به روایت زمان ناگهانی ظهور حضرت و تأکیدی که در روایات برآمده بودن مداوم فرد صورت گرفته این امر عامل محركی است جهت مراقبت بیشتر منتظر بر رفتار و اعمال خود.

۳ - ۸ - ۴ - بعد عملی

انتظار به همه اعمال و رفتار انسان جهت می‌دهد و منتظر در این بخش هم به ساختن خود و هم به سامان دادن جامعه همت می‌گمارد.

۳ - ۸ - ۴ - ۱ - دینداری

از ویژگی‌های فرد منتظر دینداری است. انسان در دوران غیبت باید مواظبت بیشتر، به امر دین خود و صحت اعمال خود بپردازد و از هرگونه سستی و اغراق دوری گزیند و در خط صحیح قرآن قرار گیرد.

۳ - ۸ - ۴ - ۲ - پارسایی و اخلاق اسلامی

فرد منتظر علاوه بر متدين بودن باید پارسا و پرهیزگار باشد. او صفات و اعمال خود را تا می‌تواند (باتوجه به روایات) شبیه صفات و اعمال یاران خاص حضرت، نموده تا به لطف خدا در شمار آنان به حساب آید. فرد منتظر با رفتار و اخلاق انسانی، خود را مائی زینت و افخار ائمه طاهرين می‌نماید. زیرا یک جامعه منتظر باید مظهر اخلاق اسلامی باشد. چنان که از حضرت صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «...هرکس علاقه‌مند است که از اصحاب و یاران قائم ما باشد، باید کاملاً مراقبت کند، تقوی و پرهیزگاری را شیوه خویش گرداند، خودش را به اخلاق نیک انسانیت مزین سازد و بعداً در انتظار فرج قائم آل محمد باشد..»^۲.

فرد منتظر باید برای رسیدن به کمال روحی پرهیزگاری خود را حفظ نماید. در این مسیر خداوند نیز برایش امن می‌آورد و در مشکلات زندگی او را نجات می‌دهد، چنانکه می‌فرماید: «و من یقیناً اللہ یجعل له مخرجاً».^۳

۳ - ۸ - ۴ - ۳ - تقید مکتبی

یکی از ابعاد مهم، در فلسفه عالی تشیع، تقید به مکتب و خط مکتب است. متابعت از حق و رهبر حق و مخالفت خصم‌مانه با ناحق و رهبر ناحق. انسانیت و رعایت ارزش انسان تنها و تنها در

۱ - کلین، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۵۳۵ ح .۱

۲ - سعماںی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، باب ۱۱، ص ۲۰۰.

۳ - طلاق، ۲.

تعالیم علی(ع) و آل علی جلوه گر است و فرد منتظر آگاه ، این تعالیم را سرمشق و الگوی خود قرار می دهد.

۳ - ۸ - ۴ - امر به معروف و نهی از منکر

شیعه می داند که رضا و خشنودی امام مهدی (ع) در آن است که معروف، عملی شود و منکر ترک گردد. بنابراین، انسان منتظر نمی تواند در این باره بی تفاوت باشد. در روایتی از ائمه نقل شده: «اگر مردم امر به معروف نکنند و از منکر نهی ننمایند و از اخبار اهل بیت من پیروی نداشته باشند، خداوند بدھا و شرورشان را برآنها مسلط گرداند . آنگاه حوب ها دعا کنند دعايشان مستجاب نشود^۱. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «الذین إن مكثاهم في الأرض أقاموا الصلاة و آتوا الزكوة و أمروا بالمعروف و نهی عن المنکر و الله عاقبة الامور »^۲ یعنی: کسانی که هرگاه در زمین، آنان را توانایی دهیم، نماز را به پا دارند، زکات را به مستحق برسانند وامر به معروف و نهی از منکر نمایند و عاقبت کارها به دست خدادست . در تفسیر آیه فوق از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمودند: این آیه برای آل محمد(مهدی واصحاب او) است.^۳ در واقع بزرگترین امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر، در روزگار ظهور خود امام مهدی (ع) می باشد. بنابراین فرد منتظر، برای خشنودی حضرت مهدی (ع) در این زمینه به امام خود اقتدا می کند.

۳ - ۸ - ۵ - تمرین و ممارست

فرد منتظر با یک برنامه ریزی صحیح در جهت سازندگی خود، اگر آنچه را که در مسیر پیوند با حضرتش می فهمد، تمرین نماید ، به ثبات می رسد. خداوند می فرماید: « مثل کلمة طيّة کشّحة طيّة اصلها ثابت و فرعها في السّماء^۴ » یک انسان پاک مثل درخت پاک است، ریشه های ثابتی دارد و شاخ و برگ گسترد. « يثبتَ اللَّهُ الْفَيْنَ آمِنُوا بِالْقَوْلِ الْثَّبِيتِ »^۵ کسانی که ایمان آورده اند، با گفته های ثابت تثبیت می شوند. آن یافته های انسان، اگر در او شکل گیرد و با آن زندگی کند، با همان به ثبات می رسد و قدرت پیدا می کند.

۱- ابن ابی الجھور، کتاب‌الاخبار، ۵، ص ۲۶۱.

۲- حج، ۴۱.

۳- کلینی ، محمدبن یعقوب، الکافی ، ج ۱ ، ص ۱۹۴ ; مجلسی ، بخارالانوار ، ج ۲۴ ، ص ۱۶۵ ، به نقل از کنز جامع الفوائد و تأویل الایات الظاهره.

۴- ابراهیم، ۲۴

۵- همو ، ۲۷

۶۴۸۳- یاری حضرت

امام علی (ع) افراد را تنها زمانی منتظر و پیرو امام عدالت گستر معرفی می نماید که در زندگی فردی و اجتماعی شان راه و روش مورد نظر او را اجرا نمایند. چنانکه در نامه امیرالمؤمنین علی(ع) خطاب به عثمان بن حنیف، فرماندار مصر آمده است : «آگاه باش که هر پیروی را پیشوایی است که پی وی را پوید و از نور دانش او روشنی جوید.... لیکن مرا یاری کنید به پارسایی و کوشیدن و پاکدامنی و درستی ورزیدن^۱ یکی از وظایف منتظران یاری نمودن حضرت می باشد یعنی همان شکر نعمت^۲. یاری نمودن حضرت به چند مرحله تقسیم می شود:

الف - شکر قلبی نعمت که همان معرفت صحیح حضرت و تهذیب نفس فردی می باشد. چرا که در سایه تهذیب نفس شناخت منتظر از امامش بیشتر می گردد. ب - شکر زبانی نعمت که همان یاری زبانی یا یاد کردن حضرت به زبان، تبلیغ کردن و معرفی امام به دیگران می باشد. تهذیب زبان فرد نیز خود نقش کلیدی در تهذیب نفس انسان دارد.

ج - شکر عملی نعمت که همان اصلاح عمل منتظر در مسیر بندگی پروردگار می باشد. در روایتی از امام صادق (ع) آمده که فرمود: « یا اهٰالَّذِينَ آمنوا إصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعْلَكُمْ تَفْلِحُونَ^۳ » یعنی: آمده یاری امامتان باشید و آنچه خداوند به شما فر مان داده بر شما فرمان داده و بر شما واجب گردانده است.^۴ با توجه به روایات فوق نه تنها اعتقاد به امام زمان واجب است بلکه خداوند یاری حضرت را در زمان غیبت واجب گردانیده است. و تا هنگامی که فرد سعی در یاری حضرت می نماید، عملاً تحت تأثیر توجهات حضرت قرار می گیرد. از باب نمونه:

مضاعف شدن اجر و ثواب مؤمنان در فرد سبب دلگرمی و تشویق برای انجام اعمال نیک بیشتری می گردد. چنان که در روایتی از رسول خدا (ص) نقل شده است که حضرت فرمودند: « بزوی گروهی بعد از شما می آیند که یک نفر از ایشان اجر و ثواب پنجاه نفر از شما را دارد»^۵.

۱- نهج البلاغه، ترجمه‌ی: سید جعفر شهیدی، نامه ۴۵، ص ۳۱۷.

۲- بنگرید به: وجود امام نعمت الحی، ص ۲۱.

۳- آل عمران، ۲۰۰.

۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار ج ۲۴، ص ۲۱۷، باب ۵۷ ح ۱۰.

۵- قال رسول الله (ص): « سیاق قوم من بعدکم الرّجل الواحد منهم له اجر خمسین منکم » همو، ج ۵۲، ص ۱۳۰، ح ۲۶.

۹-۳- نتیجه‌گیری

با توجه به مجموع آیات و روایاتی که درباره مسأله انتظار وارد شده، همچنین با دقت و تأمل در مفهوم واقعی کلمه «انتظار» این معنا به خوبی روشن می‌شود که متظر راستین ظهور حضرت مهدی (ع) بار سنگین و مسئولیت خطیری دارد که به ۳ دسته تقسیم می‌گودد: ۱- خودسازی ۲- دگرسازی ۳- زمینه‌سازی. اکنون برای روشن شدن نقش اعتقاد به حضرت در اصلاح فرد به این سه نکته اشاره خواهیم نمود:

الف - خودسازی

نخستین وظیفه انسان منتظر، خودسازی و تربیت جسم و جان و آمادگی برای ظهور امام غایب است. زیرا شوق دیدار امام (ع) آدمی را می‌سازد، و او را برای درک ظهورش آماده می‌کند و آمادگی نیز، جز در سایه انجام فرامین حق و دستورات پیشوایان معصوم (ع) به دست نمی‌آید. چنان که از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شده که فرمود: «آن زمانی است که در آن نجات نمی‌یابد مگر مؤمن گمنام، که اگر حضور داشته باشد شناخته نمی‌شود و اگر غایب باشد کسی از او سراغ نمی‌گیرد. آنها مشعل‌های هدایت و نشانه‌های روشن روی زمین‌اند که از سخن‌چینی، تفرقه افکنی، اشاعه فساد و بیهوده گویی به دور هستند، خداوند درهای رحمتش را به روی آنها می‌گشاید، و غمهای نقمتش را از آنها برطرف می‌سازد.^۱» در نتیجه نخستین گام انتظار، خودسازی است باید خود را ساخت و به تربیت جسم و روح پرداخت و در ولایت و دوستی امامان ثابت قدم ماند، شوق دیدار امام آدمی را می‌سازد و او را برای درک حضورش آماده می‌کند.

ب - دگرسازی

منتظران راستین وظیفه دارند مراقب حال یکدیگر نیز باشند و علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند، زیرا برنامه عظیم و سنگین، که انتظارش را می‌کشند، یک برنامه فردی نیست. برنامه‌ای است که تمام عناصر انقلاب، باید در آن شرکت جویند، باید کار به صورت دسته جمعی و همگانی باشد. چنان که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «**وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ إِنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادُ الصَّالِحُونَ**^۲». در این آیه بندگان شایسته به صورت جمع بکار رفته و خود می‌تواند دلیل و گواهی بر آثار اجتماعی انتظار باشد.

۱- نهج البلاغه، ص ۳۰۵، ح ۱۰۲.

۲- آنیاء، ۱۰۵.

ج - زمینه‌سازی

منتظر واقعی در صدد زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت می‌باشد. در جریان این زمینه‌سازی تأثیر انتظار بر فرد متظر کاملاً مشخص و نمایان می‌گردد.

منتظر حضرت مهدی (ع) را انسانی تجسم یافته می‌شمارد و متظر حاکمی است که قرار است حکومت کند پس در صدد جلب رضایت آن حاکم و زمینه سازی ظهور آن حضرت بر می‌آید. ابعاد وجودی آن حضرت را بررسی می‌نماید تا با شناخت و اعتقاد به آن خود را آنگونه که حضرت می‌پسندد، اصلاح نماید. در بررسی این ابعاد در روایات حضرت مخالف ظلم و ستم و عادل، صبور، دستگیر فقیران و ضعیفان، دوستدار اهل بیت، دشمن دشمنان اهل بیت، پرهیزگار، منتظر، صاحب خلق و خوی نیک، متوجه دعاها و مانند آن عنوان شده. این شناخت آگاهانه فرد از حضرت در تمامی رفتار و افکار فرد رسوخ نموده و فرد متظر تماماً رنگ و بوی حضرت را پذیرفته و این انتظار، اساس شخصیت او را تشکیل می‌دهد. که در یک جمع‌بندی مختصری به این نکات اشاره می‌نمایم:

۱ - تحرک و پویایی

اعتقاد به حضرت مهدی (ع) در پرتو جریان انتظار او هنگامی که ترغیب و توصیه می‌شود سبب تحقق و تحرک و پویایی جسمی و روحی در فرد می‌شود. چرا که فرد سعی می‌نماید سستی و رخوت را از خود دور نموده و با تلاش و کوشش زمینه ساز ظهور آن حضرت گردد. اگر انسان منتظر به وظایفی که برای او بر شمرده شده عمل کند به الگوی مطلوب انسان دیندار دست می‌یابد و از جایگاه و مرتبه^۱ والایی که مورد انتظار دین اسلام است، برخوردار و به نقطه کمال نائل می‌شود.

۲ - روحیه ظلم سیزی

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «الا أبشرك الا اخبرك يا علىٰ ف قال: بلى يا رسول الله ف قال كان جبرئيل عندي آنفالاً و أخبرني آن القائم الذى يخرج فى آخرالزالز مان فيملا الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً من ذريتك من ولد الحسين»^۱ يعني: آیا تو را بشارت ندهم؟ آیا تو را خبر ندهم؟ عرض کرد: بله يا رسول الله ! آن حضرت فرمود: هم اینک جبرئيل نزد من بود و

۱ - نعمانی، محمدبن ابراهیم، الفیہ ، ص ۲۴۷

مرا خبر داد قائمی که در آخرالزمان ظهور می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد همان‌گونه که از ظلم و جور آکنده شده از نسل تو و از فرزندان حسین (ع) است.^۱ با توجه به روایت فوق حضرت مهدی (ع) مخالف هر گونه ظلم و ستم و موافق عدالت در تمامی ابعاد زندگی فرد می باشد و در واقع مهمترین هدف قیام حضرت مهدی (ع) عدل و قسط بیان شده است. منتظر شیعه امام خود را بیزار از هر نوع ظلم و ستم می بیند و این عامل سبب می شود تا فرد نیز از هرگونه ظلم و ستمی بیزار می شود و پشتوانه این تلاشهای وی امید به حکومت امام مهدی (ع) می باشد.

لذا عدل در معنای لغوی یعنی مستقیم و ضد جور و حکم نمودن به حق^۲. تمامی مسائل عقیده‌ای، عملی، فردی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، از روح عدل جدا نیستند، چرا که عدل به عنوان یکی از اصول مذهب و یکی از زیربناهای فکری مسلمانان شناخته شده است . چنان که در روایتی از رسول اکرم (ص) آمده که فرمود: «آسمانها و زمین بر اساس عدل استوارند»^۳

۳ - صبر و پایداری

روح وجوهه اصلی انتظار ، فرد متظر را صبور و مقاوم می سازد، زیرا باید تا فرا رسیدن زمان ظهور حضرت سختیها و رنجها را تحمل نماید. از این رو خصلت حیاتی و الهی انتظار با صبر و پایداری ، قرین گشته است. منتظری که به طرد ستم‌ها و ظلم‌ها پرداخته و رهبر منتظر خود را نیز هم درد و وابسته به خویش احساس کرده، نوعی مقاومت و صبوری در برابر دردهایی که در اثر محرومیت به او رسیده ایجاد می شود، چنان که: در روایتی به نقل از پیامبر اکرم (ص) آمده که فرمود: «اگر آنچه از آزارها و رنج‌ها که بر آنان می‌رسد، بر شما آید، بسان آنان، شکیبایی نخواهد داشت»^۴. پایداری بر دین در روزگار غیبت به تحمل سختی ها، محرومیت‌ها، تنگناهای مادی خلاصه نمی شود، بلکه تحمل فشارهای سخت روحی و معنوی، بر آن ها افزوده می گردد و چنان‌چه دینداری با صبر و شکیبایی درست و آگاهانه توأم نباشد به تدریج نامیدی به مردم روی می‌آورد و باور را از روح و فکر آنان برمی‌دارد.

۱ - ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۳۰؛ طربی، فخرالدین، مجمع البحرين، ج ۵، ص ۴۲۰.

۲ - راغب اصفهانی، حسینبن محمد، مفردات غریب القرآن، ص ۲۲۵.

۳ - صدوق، محمد بن علی بن حسین بن باویة قمی، کمال الدین و تمام النعمتة، ج ۱، ص ۴۵۶

۴ - تخلق به اخلاق حسنه

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: « من سرّه أَن يَكُون مِن أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلِيَتَظَرُّ وَ لِيَعْمَلْ بالْوَرْعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مَتَظَرٌ^۱ » يعني : هرکس که خوشحال می شود که از یاران قائم(ع) باشد، باید متظر باشد و با پرهیزگاری و اخلاق نیکو عمل نماید و با چنین حالتی متظر باشد.... » روایت فوق به خلق و خوی نیک و اخلاق شایسته حضرت اشاره نموده، متظر با اعتقاد به اخلاق نیک حضرت سعی می نماید تا در جریان انتظار خود رنگ و بوی حضرت را بپذیرد یعنی به خلق و خوی نیک و حسن آراسته می گردد و خود را از خصایص ناپسند پاک می نماید و با این تزکیه و تهدیب نفس خود ، در جهت رضای حضرت و زمی نه سازی برای ظهور حضرت تلاش خواهد نمود.

بنابراین با توجه به روایاتی که در این پایان نامه در زمینه نورانی بودن ^۲ حضرت اشاره گردیده منتظر شیعه می داند که تا هنگامی که از گناه و اخلاق رذیله خود را پاک ننماید نمی تواند با وجود نورانی و پاک حضرت در ارتباط باشد و تا زمانی که مردم جهان از نظر رشد فکری و کمالات روحی به حدی نرسند که بتوانند ارزش وجود امام را درک نمایند، امام ظهور نخواهد کرد، لذا به تزکیه نفس و رشد قوای عقلانی و فکری خود و دیگران می پردازد و به این ندای قرآن « يا ايّاللهُمَّ إِنَّمَا نَعْمَلُ لِنَا بِأَنفُسِنَا وَ لَمْ نَعْمَلْ لِلْأَنْفُسِ أَهْلَكُوكُمْ تَفْلِحُونَ»^۳ منتظر هنگامی که خود را از رذایل پاک می نماید می تواند تماس باطنی و معنوی با آیات قرآن کریم پیدا نماید « لا يَمْسِه إِلَّا المطهّرُون» در نتیجه ارتباط لازمه اش طهارت است.

۱ - نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیثیة* ، ص ۲۰۰ ، ح ۱۶.

۲ - بنگرید به : نور حضرت مهدی (ع)، ص ۲۲.

۳ - آل عمران، ۲۰۰.

۴- فصل چهارم

موانع تأثیرگذاری اعتقاد به مهدویت در اصلاح فرد

برای هر فرهنگ و مجموعه معرفتی ممکن است آفت‌هایی روی دهد که مانع رشد و بالندگی آن فرهنگ باشد. فرهنگ دینی نیز گاهی به آفت‌هایی گرفتار می‌شود که حرکت رو به کمال آن را کُند می‌نماید. بحث موانع تأثیرگذاری اعتقاد به مهدویت عهده دار شناختن آن آفت‌ها و آموزش یا شناخت و شیوه مقابله با آنهاست. آشنایی با آسیب‌ها، منتظران آن امام بزرگ را از کج روی در اعتقاد و عمل حفظ خواهد کرد. در این فصل با شناسایی موانع و نشانه‌های آن در فرد، پس از دسته‌بندی انواع کج فهمی‌ها و آسیب‌های اعتقادی با استناد به آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع)، راههای پیشگیری از آسیب‌ها و موانع تربیتی، در جریان تربیتی اصلاح فرد را بیان خواهیم نمود. اکنون نشانه‌های آسیب‌مندی مهدویت عهده دار شناسایی نشانه‌هایی است که ما را نسبت به آسیب‌های دینی در این حوزه مطلع و بیدار می‌سازد.

الف - تردیع در آموزه‌ها و اعتقادات مربوط به مهدویت

نشانه سلامت فرد در حوزه باورها و اعتقادات مهدویت، برخورداری از باور قلبی و عمیق به آموزه‌ها و معارفی است که در این حوزه دینی وارد شده است. چنانچه ثبات و پایداری در دین به قوت یقین وابسته است.^۱ این مسئله در مباحثه مه دوی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. اگر فرد در این گونه مباحثه به تردید و سستی در یقین دچار شود، در اعتقادات او نسبت به وجود امام زمان(ع) تزلزل ایجاد خواهد شد. چنان‌چه صرقوین ابی دلف از امام جواد (ع) نقل نموده که حضرت فرمودند: «ایام غیبتش زیاد شود و مدتش طولانی گردد و مخلصان در انتظار قیامش باشند و شکاکان شک کنند....»^۲ در این روایت منظور شکی است که باعث انکار حضرت در زمان غیبت می‌گردد. در روایت دیگری ثابت ثمالی از امام سجاد (ع) روایت می‌کند که فرمود: «و هر کس به قیاس و رأی عمل کند هلاک می‌شود و هر که در آنچه می‌گوئیم شکی داشته باشد، یا در آنچه حکم می‌کنیم حرجی داشته باشد، به خدایی که سبع المثانی و قرآن عظیم را فرو فرستاده است، کافر شده است در حالی که خودش نمی‌داند».^۳

۱- قال امیرالمؤمنین (ع): «نبات الدین بقوة اليقين» محدث نوری، المستدرک، ج ۱۱، ص ۲۰۰.

۲- صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام التعمہ ، ج ۲، باب ۳۶، ص ۳۷۸.

۳- قال امام سجاد (ع): «و من كان يعمل بالقياس والرأي هلك، ومن وجد في نفسه شيئاً مما اتفقه عليه أو تقضى به حرجاً كفر بالذى أنزل السبع المثلثى و القرآن العظيم، و هولا يطعم» همو، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۹.

از امام باقر (ع) نقل شده است که: «إِنَّا كُلُّنَا لَكُلُّ الْأَسْمَاءِ الْمُتَّلِّيَّةِ وَالْمُتَّلِّمِ لَهُ فِيهَا عَلَيْهِمْ وَرَدَّ إِلَيْهِمْ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»^۱ یعنی کسی که در چهارچیز شک کند، به همه آنچه که خداوند آنرا نازل فرموده کافر شده است، یکی از آنها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام را با صفاتی که دارد است بشناسد.

روایات بسیاری در ارتباط با شک از ائمّه معصومین علیهم السلام نقل گردیده که به برخی از آنها اشاره می‌نماییم:

۱- در روایتی نقل شده که به خاطر طولانی شدن غیبت در قلب‌های شیعه شک‌هایی پدید می‌آید و بسیاری از آنها از دین خود روگردان می‌شوند.^۲ خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «و ما مقررات و نتیجه اعمال نیک و بد هر انسانی را طوق گردن او ساختیم»^۳ یعنی ولایت که بر گردن همه لازم می‌آید.

۲- در برخی روایات به انواع شک در میان افراد در زمان غیبت اشاره شده است که «... کسی که انتظارش کشیده می‌شود، او کسی است که مردم پیرامون ولادتش دچار شک و تردید می‌شوند، یکی می‌گوید: وقتی پدرش از دنیا رفت فرزندی نداشت، دیگری می‌گوید: مادرش به او باردار است، شخص دیگری گوید: او غایب است و کس دیگری گوید: متولد نشده است و کسانی هم می‌گویند: ایشان دو سال پیش از وفات پدرش متولد شده است، اوست که شیعه در انتظارش است ... و آن وقت است که اهل باطل شک می‌کنند».^۴

۳- در روایتی شک را به دو نوع تقسیم می‌نماید. شک سازنده و مفید، شک باطل و مخرّب چنان که از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: «به خدا قسم شما مثل شیشه و چراغدان شکسته می‌شوید، شیشه به حالت اول بر می‌گردد، به خدا قسم مثل سفال شکسته می‌شوید ولی سفال هرگز به حالت اول برنمی‌گردد». ^۵ لاظر بر این است که: شیشه شکسته شده را می‌توان به وسیله ذوب دوباره و از نو ساخت. بعضی از شیعیان این گونه هستند که در زمان غیبت شک می‌کنند ولی راه بازگشت بر ایشان هموار است و باز می‌گردد. اما بعضی از افراد مثل سفال می‌مانند، چرا که

۱- حرعاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۶۷.

۲- طوسی، محمدبن الحسن، الغیة، ص ۱۶۹، ح ۱۲۹.

۳- خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَكَلَّ إِنْسَانُ الزَّمَنِ طَائِرًا فِي عَنْقِهِ»، اسراء، ۱۷.

۴- طوسی، محمدبن الحسن، الغیة، ص ۵۹۲.

۵- هبو، ص ۵۹۲.

سفال اگر شکسته شود به دلیل حرارتی که چشیده و پخته شده است به حالت اولیه برنمی گردد؛ یعنی نمی‌توان آن را گل کرد و دوباره ساخت. معناش این است که بعضی از شک کنندگان هرگز هدایت نمی‌شوند و به راه اولی برنمی‌گردند.

۴- در روایت دیگری آمده «ابليس ایشان را به حال خود نمی‌گذارد، حتی در آخر شب ندا می‌کند و به سبب آن ندا، به دلهای خلائق شک می‌اندازد». ^۱

در ارتباط با شک در عقاید و محاسن آن مرتضی مطهری می‌فرماید: شک اگر چه توقفگاه بدی برای انسان است ولی معبربسیار لازم و مفیدی است. اگر انسان بخواهد بر تفکرات خویش ثابت بماند. و شک نکند و این تشکیلات وارد جامعه نشود، خطرهای عقیدتی بسیاری فرد را تهدید می‌نماید. چرا که کم کم افراد به حالت دینی‌شان رو به تحجر، و نه تحجر که رو به عفونت می‌رود. درست همانند آب صافی که آن را در حوض قرار می‌دهیم و اگر مدتی بماند می‌گندد. اگر در مردم یک حالت آرامشی باشد و بر معتقدات دینی و مذهبی (هرگونه معتقدات دینی و مذهبی شیعه) تازیانه شک نخورد، در آن صورت عوام پیشتر آن معتقدات می‌شوند. وقتی عوام پیشتر بشوند، دائم از خودشان چیزی می‌سازند و مرتب کم و زیاد می‌کنند. پس حمله افراد شکاک بر عقاید دینی شیعه خود سبب تقویت معتقدات می‌شود. در واقع اگر چیزی حقیقت باشد از ضربه به آن نباید ترسید، اگر باطل باشد باید ترسید. چون وقتی چیزی اساسی ندارد با یک هجوم مختصر از ریشه کنده می‌شود و می‌افتد، ولی اگر چیزی اساس داشته باشد و ریشه اش به جایی بند باشد نباید بترسد. یک درخت زنده نباید بترسد». ^۲

در این ارتباط سؤالی از جانب متظرین عنوان خواهد شد که عاقبت شکاکان چه خواهد شد؟ در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «یکی از امور حتمی که نزد خداوند تغیرناپذیر است قیام قائم ما اهل بیت است و اگر کسی از آنچه من می‌گویم تردید کند در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که باو کافر و منکر است». ^۳ با توجه به روایت فوق فردی که به قیام حضرت قائم (ع) شک کند در حالتی خدای خویش را ملاقات خواهد کرد که به او کافر و منکر خداوند و امام (ع) گویند.

۱- صدق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، *كمال الدین و تمام النعمة*، ج ۲، ص ۶۵۰ ح ۸

۲- بنگرید به مطهری، مرتضی، *فصلنامه مطهر*، شاره صفر، ص ۳۴ و ۳۵.

۳- نعمانی، محمدبن ابراهیم، *الغیبة* ، باب ۴ ، ص ۸۶

از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود: «پس چه بسا افراد شک کننده سرگردان در آنروز (پدید آیند) که در آتش سرازیر خواهند شد». ^۱ با توجه به روایات فوق عاقبت شکاکان ملاقات با خدا در حال کفر و انکار می‌باشد و حضرت مهدی (ع) هنگام ظهور آنان را از بین می‌برد. اکنون این سؤال برای متنظرین مطرح می‌گردد که چه راه حلی هنگام بروز شک مناسب می‌باشد؟

۱- برای در امان بودن از شک‌های بازدارنده دعاوی به نقل از امام صادق (ع) سفارش گردیده که حضرت فرمودند: برای رهایی از مشکلات و شکها و افکار بیهوده در دوران غیبت این دعا را بخوانید: «خداآندا، خود را آنگونه که هستی به من بشناسان، پس اگر تو خودت را به من بشناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت...». ^۲ **– صاحب‌الزمان (ع) به نقل از امام موسی بن جعفر (ع) هنگام تولد پس از عطسه‌ای فرمودند: «الحمد لله رب العالمين صلى الله على محمدٍ وآلِهِ ظالمان پنداشتند که حجت‌اللهی باطل شدنی است، اگر در سخن گفتن به ما اجازه داده شود شک و تردید زایل می‌گردد.** ^۳

چنان که در روایت دیگری به نقل از جعفر بن محمد (ع) نقل شده است که فرمود:

۲- اکنون شما ای جماعت شیعه، خدایتان مورد رحمت قرار دهد، نیک بیاندیشید بدانچه کتاب خدای عزوجل گفته و آنچه از رسول خدا (ص) و از امیر المؤمنین و از امامان (ع) یکی پس از دیگری در مورد امامان دوازده‌گانه و برتری آنان و شماره آنان از طریق رجال شیعه نقل شده که همه مورد اعتماد ائمه بوده‌اند، و به پیوستگی آن (به معصومین) که بنحو تواتر به ما رسیده بنگرید، که اندیشیدن عمیق به آن (خبر) دلها را از ابتلاء به نابینایی روشنائی می‌بخشد و شک و دودلی را دور می‌سازد و تردید و ناباوری را برطرف می‌کند و از کسی که خدای تعالی برای او نکویی خواسته و او را به پیمودن راه حق موفق ساخته و خود نیز راهی برای ورود ابلیس بوسیله گوش کردن به مزخرفات بیهوده‌گویان و یاوه‌سرایان و فتنه فریب‌خوردگان بر قلب خویشتن قرار نداده. ^۴

۴- در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: «من شما را بر حذر داشتم پس برخود باشید، یعنی از شک بر حذر باشید. به خدوند پناه می‌بریم از تردید و ناباوری و از پیمودن راهی که به نابودی می‌افکند، و از او پابرجایی و استوار باقی ماندن بر هدایت و پوئین برترین راه حق

۱- نعمانی، محمدبن ابراهیم، *الغیبة*، باب ۱۴، ص ۲۵۳.

۲- طوسي، محمدبن الحسن، *الغیبة*، ص ۳۳۳.

۳- صدوق، محمدبن حسینبن علی بن یابویه قمی، *كمال الدین و نقام النعمة*، ج ۲، ص ۴۳۰، ح ۵.

۴- نعمانی محمدبن ابراهیم، *الغیبة*، ص ۲۱، ۲۳، ۱۰۱.

را می خواهیم، راهی که ما را همراه با برگزیدگان از منتخبانش بکرامت خود می رساند به نه و قدرته، پس کدام امر روشن تر و کدام راه گشوده تر از آن است که امامان (ع) درباره این غیبت بدان رهنمون گشته اند و پیش پای شیعه خود قرار داده اند تا با حال تسليم (بدون چون و چرا) و بدون معاوضه و اشکال و تردید آنرا پیمایند.^۱

۵ – در روایتی به نقل از پیامبر اکرم (ص) آمده که فرمود: «اکثر مردم می گویند که خدا به آل محمد احتیاج نیست و دیگران در ولایتش شک می کنند. کسی که زمان او را دریابد به دین او چنگ بزند و به سبب شک نمودن شیطان را به نزد خود راه ندهد که او را از دین من می برد چنان که پدر و مادر شماها را از بهشت بیرون نمود، بدرستی که خدا شیطان را اولیای کسانی کرده که ایمان نمی آورند.»^۲ خداوند در قرآن کریم می فرماید: «إِحْتَبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظُّنُونِ إِنَّ بَعْضَ الظُّنُونِ إِثْمٌ»^۳ یعنی: از بسیاری گمانها بپرهیزید که پاره ای از گمانها گناهند. چرا که خداوند فرموده: «إِنَّ اللَّهَ يَخْلُفُ الْمِيَاعَ»^۴ و «وَاللَّهُ مَتَمَّ نُورَهُ وَلُوْ كَرَهُ الْكُفَّارُونَ»^۵.

یعنی خداوند در وعده اش (ظهور حضرت) تخلف نمی کند و کسانی که منکر این امر و امامت حضرت مهدی (ع) گردند بنابر فهم آیات کافر هستند. و به صراحة آیاتی^۶ در قرآن کریم، دین اسلام توسط حضرت مهدی (ع) به رغم خواسته کافران و مشرکان، باید بر تمام ادیان چیره شود و این هدف و اراده خدای متعال است.

روایات فوق لاظر بر این است که:

۱ – افراد هنگام شک بسیار دعا بخوانند.

۲ – از دستورات معصومین و امام زمان (ع) پیروی نمایند.

۳ – از شر شیطان به خداوند پناه ببرند.

۴ – فریب مزخرفات و فتنه های بیهوده گویان را نخورند.

اکنون این سؤال برای متظر مطرح می گردد که چه کسانی صاحب شک منفی و بازدارنده اند؟

۱ – بنگرید بد؛ همو، ۱۲۸ – ۱۸۳.

۲ – صدقوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۱.

۳ – حجرات، ۱۲.

۴ – آل عمران، ۹.

۵ – صف، ۸.

۶ – صف، ۶۱، توبه ۳۳، فتح، ۲۸.

در روایتی به نقل از امام صادق (ع) آمده که شک بازدارنده را از اولیاء و دوستان حضرت حجت رد نموده و آن را مخصوص بدترین انسان‌ها می‌داند و باطن آنها را خبیث^۱ معرفی می‌نماید، چنان که فرمود: «تحقیقاً خداوند می‌دانست که اولیاء و دوستانش در مورد حجت خدا دچار شک و تردید نمی‌شوند. که اگر چنانچه می‌دانست که آن‌ها به شک و تردید می‌افتنند، حجتش را حتی یک چشم به هم زدن از آن‌ها غایب نمی‌کرد و آن شک و تردید (همراه با انکار) فقط بر سر بدترین مردم است».^۲

ب - سستی در انجام تکالیف و وظایف، نسبت به امام زمان (ع) یکی از شاخصهایی که می‌تواند نمایانگر سلامت یا بیمار بودن اندیشه فرد نسبت به مهدویت باشد. مسئله اهتمام جدی افراد در انجام تکالیف و وظایفی است که یک فرد متنظر نسبت به امام زمان (ع) دارد. چرا که ولایت مداری مستلزم پای‌بندی به تکالیف انسان‌ها در قبال ولی امر می‌باشد. در این زمینه باید با آمارگیری عملی و کارشناسانه میزان پای‌بندی افراد نسبت به تکالیف و وظایف نسبت به ولی امر مشخص گردد، اگر آمار سستی در قبال این مسئله را نشان داد نمایانگر وجود آسیب‌مندی جامعه است. که باید برای آفت‌زدایی اقدام نمود. نکته قابل توجه این است که بخشی از روایات وارد در حوزه معارف مهدویت مربوط به وظایف و تکالیفی است که یک مسلمان در عصر غیبت در قبال امام زمان (ع) دارد. متأسفانه این روایات کمتر مورد توجه و عمل واقع شده که خود نشانه اهمال جامعه نسبت به این مهم است که نباید مورد غفلت قرار گیرد. این روایات مانند: توجه به خداوند متعال، ایجاد زمینه خودسازی، ارتباط با حضرت مهدی (ع) با پیروی از آن حضرت، آمادگی برای برپایی حکومت عدل و قسط توسط حضرت مهدی (ع)^۳ و مانند آن.

۴ - آسیب‌شناسی تربیتی مهدویت

اعتقاد به وجود ظهور امام مهدی (ع) از جمله اعتقادهای اسلامی و شیعی است. و همچون سایر اجزای این اعتقادات، لوازم تربیتی معینی بر آن متربت است. هنگامی که این مجموعه، به همراه خود، تحولات هیجانی، عاطفی و عملی معینی را ایجاد می‌کند که ضمن آن، افراد می‌کوشند خود را برای یاوری امام مهدی (ع) مهیا سازند، چهره تربیتی مهدویت آشکار می‌گردد. در اینجا

۱ - صدق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، *كمال الدين و التمام النعمۃ*، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۱۴.

۲ - همو، ص ۳۳۷، ح ۱۰.

۳ - بنگرید به: طوسی، *محمد بن الحسن، الغیبة*، ص ۲۸۵.

آسیب‌شناسی حاکی از بازشناسی موارد سوء برداشت یا سوء عملکرد در جریان تربیتی مهدویت است.

جریان تربیت دینی، مشتمل بر بعد تربیتی، مهدویت شکل می‌گیرد. امکان ظهور آسیب و بنابراین آسیب‌شناسی فراهم می‌گودد، زیرا در جریان تربیت دینی، دست آدمی گشوده می‌شود و اکنون اوست که باید با فهمی که از دین کسب می‌کند، به عمل روی آورد و زمینه تحقق برداشت‌های خود را هموار کند. در طی این مسیر است که افق کوتاه دید آدمی، بدفهمی ها را در دامن می‌پرورد؛ چنان که دامنه محدوده مت او، بدکرداری‌ها را در پی می‌آورد. از این رو آسیب‌شناسی تربیتی مهدویت، تلاشی برای بازشناسی این گونه لغزش‌های فکری و عملی در جریان تحقق بخشیدن به بعد تربیتی مهدویت است. در این نوشتار، پس از دسته بندی انواع کج فهمی‌ها و آسیب‌های اعتقادی بالاستناد به آیات قرآن و روایات اهل بیت (ع)، به راههای پیشگیری از آسیب‌ها و موانع تأثیر اعتقاد به مهدویت اشاره خواهد شد.

۴-۲- علل آسیب‌زا

پذیرش فرهنگ مهدویت نیازمند بستری مناسب و ظرفی مستعد برای دریافت این فرهنگ متعالی است. و این بستر همان ظرف وجودی فردی است که قرار است دارای فرهنگ و تربیت مهدوی گردد. در جریان این تربیت فرد متظر باید از نظر شخصیتی مستعد برای پذیرش پیام و فرهنگ مهدوی باشد. لذا عدم توجه به معیارهای لازم در جریان پذیرش این فرهنگ، باعث ایجاد موانع و مشکلاتی خواهد شد که راه اصلی تربیت فرد در این مسیر به بیراهه تبدیل می‌گردد. اکنون با روشن نمودن علل این آسیب‌ها به بررسی و شرح آنها خواهیم پرداخت.

۴-۳- تلقی انحرافی از اصل مهدویت

یکی از موانعی که سبب جلوگیری تأثیرات تربیتی در افراد متظر می‌گردد، همان تلقی‌های نادرستی است که از آموزه‌های مهدویت به وجود می‌آید. از دیدگاه روانشناسان تربیتی «ایجاد تغییر در نگرش» حرف اول را می‌زند. حوزه عاطفی را باید نسبت به معارف عوض کرد. به بیان دیگر طرز تلقی افراد نسبت به اصل مهدویت، نگرش آنان را تشکیل می‌دهد که اگر این طرز تلقی مثبت باشد، نگرشی مثبت و اگر منفی باشد، نگرشی منفی پیدا خواهد کرد. با تغییر نگرش‌ها، رفتار فرد نیز تغییر می‌یابد. درواقع باید افرادی که عهده‌دار انتقال این اطلاعات مهدوی هستند را صاحب صلاحیت‌های لازم شناختی، عاطفی و عملکردی نمود تا بتوانند با ارائه اطلاعات اصولی،

صحیح و سنجیده نگرش و یا طرز تلقی افراد جامعه را نسبت به مباحث مهدوی در جهت مثبت تغییر دهنده. این امر مهم‌ترین و مطلوب‌ترین گام برای نهادینه سازی فرهنگ مهدوی است.

۴-۳-۱- حصاربندی و حصار شکنی

در این محور، آسیب‌های تربیت دینی دردو سوی متقابل، محدود بودن و آزاد بودن بدون هیچ شرطی نامیده شده‌اند.

در محدودیت برای فرد نظر براین است که افراد را از هر بدی و نادرستی دور نگاه داریم . این شیوه قرنطینه سازی خود یکی از منشأهای آسیب‌زا است، زیرا با مانع شدن آنان از مواجهه با بدی و نادرستی توان مقاومت را در آنان تحلیل می‌برد. قرنطینه سازی در برخی مراحل اولیه تربیت رواست، اما تبدیل آن به خط مشی اساسی تربیت، در حکم مبدأ ل ساختن آن به یکی از عوامل آسیب‌زا بی است . از سوی دیگر، آزاد گذاشتن فرد و قرار دادن وی در معرض مواجهه با جریان‌های مختلف فکری و عملی، بدون فراهم آوردن قدرت تحلیل و مقاومت در آنان نیز منشاء آسیب‌زا بی است.

از بلب نمونه: در بسیاری از روایات تصویری که در انتظار حضرت در زمان غیبت صورت گرفته این است که حق و باطل هر کدام با پیروان خود باید از یکدیگر فاصله گیرند یعنی فردی که پیرو حق هست باید در یک محور محدودی خود را از باطل جدا سازد تا حضرت ظهور نمایند . در این تصویر، دوران غیبت به مثابه اتاق انتظار است که باید به دور از اهل باطل نشست و منتظر بود تا حضرت مهدی (ع) بیاید. این پی‌آمد تربیتی، گونه‌ای آسیب‌زا است زیرا منطق محدود گرایی را بر فرد حاکم می‌سازد. اگر مهدویت ، ناظر به غلبه نهایی حق بر باطل است، باید این غلبه را در پرتو قانون کلی چالش میان حق و باطل فهم کرد. در چالش با باطل است که حق غالب می‌گردد. «بلکه حق را بر باطل فرو می‌افکنیم، پس آن را در هم می‌شکند و ناآگاه نابود می‌گردد. وای بر شما از آن چه وصف می‌کنید!»^۱.

در روایات نیز مسئله مهدویت به دور از هر نوع محدودیت فردی عنوان شده است . چنانچه مفضل بن عمر جعفی می‌گوید: «شنیدم که امام صادق(ع) می‌فرمود: «...بی تردید، دوازده پرچم اشتباه انگیز که شناخته نمی‌شود کدام از کدام است، برافراشته خواهد شد...» در روایت فوق فرد در قرنطینه‌ای قرار نگرفته بلکه باید ایمان خویش را حفظ نمایه و با توجه به روایت دیگری به

۱- انبیاء ۱۸

۲- نعمانی ، محمدبن ابراهیم، الغیة ، ص ۳۱

نقل از امام باقر(ع): «هیهات، هیهات،... تا آنکه شما غربال شوید^۱». در جریان آزمون‌های سنگین و دشوار خود را حفظ فرماید.

شكل دوم از آسیب‌زایی در مقابل محدود نمودن خود، با آزادی فرد آشکار می‌گردد. در این ارتباط هر مرزی برداشته می‌شود و چه بسا این روش مسمومیت و هلاکت را در پی داشته باشد.

۴-۱-۳- مهدی شخصی و مهدی نوعی

مقصود از مهدی شخصی، آن است که حضرتش فردی معین، زنده، موجود و شناخته شده از نظر تبار و خاندان و شخص است چنان که در روایتی به نقل از امام حسین (ع) آمده که فرمود: «دوازده مهدی از ما است: اول ایشان امیر مؤمنان علی (ع) بود و آخرین ایشان نهمین فرزند از نسل من است^۲».

مقصود از مهدی نوعی، آن است که نامعین بوده و در زمانی مناسب زاده خواهد شد و قیام کرده، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد و آن مفهومی است کلی که یک مصدق دارد. از نظر منطق و برهان نوعی بودن مهدی، باطل و نادرست است چرا که در این صورت هر قدر تمدن دروغگویی می‌تواند این جامه را در بر کرده و ادعا کند که من مهدی هستم و به نام اقامه عدل، به جهانگیری پردازد و با افزایش مدعیان مهدویت افراد نادان و ساده لوح نیز گردآگر دشان جمع شوند و به نام عدل و داد به ظلم و ستم جهانیان بپردازنند. بنابراین وجود مهدی نوعی هم از لحاظ اجتماعی محال است و هم از طرفی وعده‌های قرآن و انبیا نیز باطل و دروغ خواهد بود. عقل نیز این نظریه را باطل می‌شمارد. همچنین وجود مهدی پس از ظهور قابل انکار و تردید است، چون دلیلی برای آنکه او مهدی موعود است، وجود ندارد. در روایات بسیاری حضرت شخص معین، موجود و زنده است. از باب نمونه: در روایتی به نقل از پیامبر اکرم (ص) آمده که فرمود: «مهدی مردی از عترت من است که به خاطر برپایی سرت من می‌جنگد، چنان که من به خاطر وحی جنگیدم^۳».

از طرفی مهدی نوعی مستلزم آن است که سالها زمین خالی از حجت باشد و این هم برخلاف اصول و مبانی اسلام است. با این حال، مدعیان مهدویت، همگی از میان مسلمانان برخاسته اند، کسانی که از اصول و مبانی اسلام خبر نداشته اند و یا آگاه بوده و حقیقت را به مسلمانان نگفته اند.

۱- صاف گلپایگانی، لطف الله ، منتخب الائمه، ص ۳۹۸

۲- صدوق ، محدثین علی بن حسین بن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۶۸، ح ۳۶

۳- بلخی قندوزی، سلیمان، بیانیع المودة ، به نقل از منتخب الائمه، ص ۲۳۲

سید محمدباقر صدر می‌فرماید: « موضوع مهدی (ع) نه اندیشه چشم به راه نشستن کسی است که باید زاده شود، و نه یک پیشگویی است که باید در انتظار مصادقش ماند، بلکه واقعیت استوار و فرد مشخصی است که خود نیز، در انتظار رسیدن هنگام فعالیتش به سر می‌برد . در میان ما ، با گوشت و خون خویش زندگی می‌کند، ما را می‌بیند و ما نیز او را می‌بینیم. در فضای دردها، رنج‌ها و آرزوهای ما است و در اندوه و شادی ما شریک است، شکنجه‌های آزردگان و تیره‌روزی ناکامان زمین و بیداد ستمگران را ، دور یا نزدیک، می‌بیند و به انتظار لحظه‌ای است که فرا رسد و دست پر توان خویش را سوی همه رنج کشیدگان، محرومان و سیه روزان دراز کند و طومار ستمگران را بریده و در هم پیچد.»^۱

بر همین سیاق در روایات دیگری، اشاره شده است که : « مهدی (ع) از فرزندان امام علی (ع) فاطمه زهرا (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین(ع) و همچنین هر یک از امامان بعدی است .^۲ در روایت فوق نه تنها بر این نکته تأکید شده است که باید به « مهدی » چون نام خاص فرد معینی اعتقاد ورزید، که خداوند رسالت حاکمیت بخشیدن به حق و عدالت را به عهده وی گذاشته است، بلکه به طور کلی باید در دوران غیبت، دین و آموزه‌های اصیل آن را بازشناخت و بر آن پای ورزی کرد. اکنون این سؤال برای شیعه مطرح می‌گردد که چگونه این موضع را برطرف سازیم؟

مرزشناسی یکی از عوامل راهبردی در تربیت دینی است، حاکی از آن است که باید در جریان طبیعی زندگی، در مواجهه با بدی‌ها و نادرستی‌ها، توانایی تبیین و تفکیک میان خوبی و بدی یا درستی و نادرستی را به صورت مدلل درآفراد فراهم آورد و به این ترتیب، زمینه مهار گرایش‌های آنان به بدی و نادرستی را مهیا کرد. چاره کار این است که مرزهای حق و باطل شناخته شود تا فرد نور را از ظلمت بازشناسد. مرزشناسی در این زمینه شامل مواردی از این قبیل است: شناخت مهدی (ع) چون شخصی معین، شناخت رسالت وی در برپایی حق و عدالت، شناخت حقانیت آموزه‌های دین اسلام که وی آن را به جهانیان عرضه خواهد نمود، آشنایی با جریان های فکری مختلف که سودای برقرار ساختن حق و عدالت را در جوامع بشری در سر دارند و توانایی بازشناسی میزان درستی و نادرستی آنها و توانایی درمیان گذاشتن محققة‌های باورهای خود با آنها در

۱ - صدر، محمدباقر، جستجو و گفتگو پیرامون امام مهدی(ع)، ص ۶-۸.

۲ - بنگرید به : صاف گلپایگانی، لطف‌الله ، منتخب‌الاثر، فصل دوم.

نتیجه پیرو مهدی (ع) در اثر ارتباط سازنده با جریان‌های فکری دیگر، انتظاری پویا را نسبت به ظهور، آشکارخواهد ساخت. انتظاری که به معنای فراهم ساختن فعالانه زمینه‌های ظهور است.

۴-۳-۲- مریدپروری و تکروی

در آسیب‌شناسی تربیت دینی به طور کلی، مریدپروری و تکروی، در قطب متقابل آسیب زایی محسوب می‌گردند. منظور از مریدپروری این است که فرد در جریان تربیت دینی، چنان تربیت شود که مربی خود را به چشم مراد خویش ببیند . گویی که آن مربی منشاء اولیه حق است . در صورتی که این شأن تنها از آن خدادست. گاهی فرد به صورت افراطی به امام خود علاقه دارد و او را خدای خویش می‌پنداشد. در صورتی که تنها درباره خداوند، در قرآن آمده است : «الحق من ربک»^۱ در این آیه اشاره بر این دارد که نسبت امام با حق این است که با حق ملازمت و همراهی دارد. در روایتی دیگر نیز حمران بن اعين از امام باقر (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود: «زاده و تربیت یافته بیت رسولم و خون خواهی کننده ام (یا از من خون خواهی کنند) و آنچه خدا بخواهد انجام می‌دهد...»^۲ این روایت بیانگر آن است که هر امامی که قیام به برپاداشتن حدود الهی می‌نماید. این مطلب شامل حضرت قائم (ع) نیز می‌گردد. بنابراین، مسئله مهدویت ، در فضایی مطرح گردیده است که تابعیت و عبودیت امام نسبت به خداوند در آن موج می‌زند و این برای آن است که امامت در دست عوام، تبدیل به بساط شخص محوری نگردد.

از سوی دیگر، قطب دوم آسیب، یعنی تکروی نیز در تربیت مهدوی قابل قبول نیست. تکروی در جریان تربیت دینی، در دو صورت رخ می‌دهد: نخست با نفی امامت و دوم با پذیرش و در عین حال، تعمیم امامت . در حالت نخست، نیاز به امامت، بعد از پیامبر اکرم (ص) نفی می‌گردد و چنین تصور می‌شود که هدایت پیامبر (ص) به مردم ارزانی شده و هر کس بخواهد می‌تواند در طریق هدایت راه بسپارد و در این مسیر، نیازی به راهبرو امام نیست . در حالت دوم، امامت به صراحة نفی نمی‌شود، اما اختصاص آن به امامان معصوم (ع) نفی می‌شود، به گونه‌ای هر کس می‌تواند امام خویش باشد.

در روایات مربوط به مهدویت، هردو گونه تکروی ، نفی شده است . در خصوص مورداول، یعنی نفی امامت در روایتی از قول امام علی (ع) آمده است که فرمود : «...فتنه شدت گیرد و بلا نازل شود و آتش جنگ قبیله‌ای برافروزد... مردم در دینشان تندروی کنند و هم صدا شوند که حجت از

۱- بقره، ۱۴۷.

۲- نعمانی ، محمدبن ابراهیم، *الغیبة* ، باب ۱۳، ص ۲۱۵ و ۲۱۶.

میان رفته و امامت باطل شده است... به خدا قسم که حجت امت همان هنگام بربا و در راه های آن (امت) گام بر می دارد، به خانه ها و کاخ هایشان داخل می شود، در شرق و غرب زمین در گردش است، گفته ها را می شنود و بر جماعت سلام می کند، او می بیند اما دیده نمی شود تا زمان و وعده اش فرا رسد...^۱. این افراد جهاد را در دوران غیبت بی معنا به حساب می آورند. چون حاکم اسلامی که باید معصوم باشد، مصدق پیدا نکرده است . وظیفه خود را فقط در حفظ دین خود می دانند به صورتی که فقط دین خود را حفظ نمایند و تکالیف شرعی خود را انجام دهند و به شباهه های منکران جواب دهند.

الف - نفی امامت :

در ارتباط با انکار حضرت روایات بسیاری ذکر گردیده که به برخی از آنها اشاره می نمائیم. ۱- در روایتی آمده که: «ولیکن وقتی که حاجت وفاقه در میان خلائق بسیار گردید و بعضی بعضی دیگر را انکار نمودند، در آن وقت صبح و شام متظر امر الهی باشید ». ۲- در روایتی به نقل از رسول اکرم (ص) آمده که فرمود: «شکاکین انکار می کنند و منکرین استهzaء می نمایند...». ۳- در روایتی به نقل از امام حسن عسگری (ع) آمده که فرمود: «ظالمان گمان داشتند که مرا می کشند و این نسل را قطع می کنند، چطور دیدند خدا را و آن مولود را مؤمن نام کرد».^۴ بعضی از افراد معتقدند که بعد از امام حسن عسگری (ع) زمان خالی از امام است و یا عده ای دیگر از آنها براین اعتقادند که امام حسن عسگری (ع) فرزندی نداشت. در روایات شیعه اعتقادات این گونه افراد کلماً باطل و بیهوده است . ۴- در روایتی در پاسخ به این افراد از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود: «اگر امام ساعتی از زمین برداشته شود زمین اهلش (مردم و موجودات روی زمین) را در خود فرو خواهد برد و همچون دریا که ساکنان خود را دستخوش طوفان می کند زیر و رو خواهد ساخت».^۵.

۱- مجلسی، محمد باقر، بخار الانوار، ج ۵۳، ص ۷؛ نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیة ، باب ۱۰، ح ۲ و ۳ و بنگرید به: نگین آفرینش، ص ۶۲ و ۸۶ بنیاد فرهنگی تخصصی حضرت مهدی (ع).

۲- ارومیه‌ای، حسن بن محمدولی، مهدی موعد (ع)، ج ۲، ص ۱۲۷.

۳- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، علل الشرایع، ص ۱۶۱، باب ۱۲۹، ح ۳. ارومیه‌ای، حسن بن محمدولی، مهدی موعد (ع)، ج ۱، ص ۱۶۰.

۴- طوسی، محمد بن الحسن، الغیة ، ص ۲۲۳، ح ۱۸۶، ص ۲۳۱، ح ۱۹۷.

۵- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیة، باب ۸، ص ۱۳۹.

۵ - و مجدداً از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: « هرگز خداوند زمین را بدون وجود عالم رها نکرده است، اگرچنین نبود حق از باطل شناخته نمی‌شد».^۱

۶ - در روایتی به نقل از امام صادق (ع) آمده که فرمودند: « کسی که امام آخر را انکار کند، مانند کسی است که به عیسی (ع) اقرار داشته باشد ولی محمد(ص) را انکار کند یا به محمد(ص) اقرار داشته باشد و عیسی (ع) را انکار کند. بخدا پناه می‌بریم از انکار حجتی از حجتهاي خدا»^۲.

۷ - در روایتی از امام جواد (ع) نقل شده که فرمودند: علت نام قائم بر حضرت مهدی (ع) این است که « او زمانی قیام می‌کند که یادش مرده است و اکثر معتقدین به امامت وی از عقیده خود بازگشته‌اند».^۳

۸ - خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادِئٌ»^۴ «فَإِذَا اسْتَدَارَ الْفَلَكُ قَلْتُمْ مَاتُ أَوْهَلُكَ بِأَيِّ وَادٍ سَلَكَ»^۵ فیومندِ تأویل هذه الاية «ثُمَّ رَدَنَا لَكُمُ الْكُفْرَةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمْدَنَا كُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بُنْيَنٍ وَ جَعَلْنَا كُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا»^۶. در تفسیر این آیه روایتی به نقل از امام علی (ع) آمده که فرمود: «پس پس چون گردش آسمان طولانی شد (یعنی مدتها بدین منوال گذشت شما خواهید گفت: (آن مهدی موعود) مرده یا هلاک شده است و اگر هست به کدام بیابان رفته. آنروز است که تأویل این آیه کریمه مصدق پیدا می‌کند.

۹ - در پاسخ به منکرین حضرت در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «اگر زمین، یک ساعت از حجت خالی باشد، ساکنان خود را فرو خواهد برد . حجت، مردم را می‌شناسد، لیکن مردم او را نمی‌شناسند، همانگونه که یوسف مردم را می‌شناخت و آنان او را نمی‌شناختند».^۷.

۱ - همو، ص ۱۳۸.

۲ - نعمانی ، محمدبن یعقوب،*الغیبة*، ص ۱۱۲، ح ۴.

۳ - طوسي، محمدبن المحسن،*الغيبة*، ص ۲۱۸.

۴ - رعد ، ۷.

۵ - مجلسی، محمدباقر،*بخار الانوار*، ج ۵۱، باب ۵، ص ۵۷، به نقل از تفسیر عیاشی.

۶ - اسراء ، ۶.

۷ - صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، علل*الشرایع*، ج ۱ ، ص ۱۹۸، کلینی، محمدبن یعقوب،*الکافی* ، ج ۱ ، ص ۱۷۸؛ نعمانی، محمدبن ابراهیم،*الغيبة*، باب ۱۰ ، ص ۱۴۱.

ب - تعمیم امامت

۱ - بدعت گزاران: بدعت در مقابل سنت و به معنی نوآوری در این و داخل کردن اندیشه ها و آراء شخصی در دین و دینداری است.

در این مرحله فردی که گمراه شده و تحت تأثیر افکار باطلی قرار گرفته به عقایدی ایمان می‌آورد که خود باعث گمراهی و فساد فرد می‌گردد «کل بدعة ضلالة و کل ضلالة في النار». ^۱ اکنون به چند نمونه از این بدعت‌ها و عقاید باطل اشاره می‌نمایم:

الف : افرادی می‌گویند: حسن بن علی عسکری (ع) پس از مرگش زنده می‌شود و ایشان قائم بالأمر است و به روایتی از امام صادق(ع) استدلال می‌کنند که حضرت فرمودند: «قائم، قائم نامیده شده است به این جهت که بعد از آن که می‌میرد، قیام می‌کند. اعتقاد این افراد باطل است چرا که دلیل آنها برای اثبات مرگ حضرت و از دنیا رفتن ایشان و مانند آن باطل است».^۲

ب : افرادی نیز معتقدند حضرت مهدی(ع) از دنیا رفته است چنان که در روایتی به آن اشاره شده است:

«... سالهای چندی از روزگار شما غایب خواهد شد، و حتماً همه امتحان می‌شوند، تا این که گفته می‌شود: او کشته شده، مرده، معلوم نیست به کدام بیابان رفته است؟»^۳

ج : عده‌ای نیز علاوه بر امام زمان (ع) چندین امام دیگر در امامت او را شریک می‌دانند. چنان که در روایات به نقل از امام صادق(ع) بدان اشاره شده: «هر که با امام بر حق کسی را که امام بر حق نیست شریک داند، به خدا مشرك است زیرا نصب امام خاص به خدا است و عقیده به امام غیر منصوب از طرف خدا شرکت در کار مخصوص به خداوند است»^۴. تفسیری به نقل از امام باقر(ع) در مورد آیه «و برخی مردم کسانیند که در برابر خدا همتاها بگیرند و چون خدا آنها را دوست دارند»^۵ آمده که فرمود: آنان به خدا اولیاء فلان و فلانند که آنها را امام خود دانند در برابر امامی که خدا او را برای مردم امام ساخته است و از این جهت خداوند در دنباله آن فرموده است:

۱ - صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی ، الخصال، ج ۲ ، ص ۶۰۵.

۲ - طوسی ، محمدبن المحسن ، الغیبة ، ص ۴۷۱.

۳ - همو ، ص ۳۳۷؛ نعماقی ، محمدبن ابراهیم ، الغیبة ۱۷۳.

۴ - کلینی ، محمدبن یعقوب ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۷۳.

۵ - بقره ، ۱۶۵.

«اگر بیینی آن کسانی را که ستم کردند گاهی که عذاب ببینند و دانند که همه توانائی از خدا است و به راستی خدا سخت شکنجه است^۱.»

از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «پرهیز از دو خصلت که هرکس هلاک شد به سبب آنها هلاک شد. پرهیز از اینکه مردم را با رأی خود فتوا بدھی و یا با چیزی که نمی‌دانی اظهار دین کنی، منظور این است که چیزی را که از دین نیست وارد دین کند و در دین بدعت بگذارد^۲. دولت‌ها گاهی به طور مستقیم و زمانی غیرمستقیم، برای آنکه روح یه شیعیان را خرد کرده و در صفوف متحدشان رخنه پدید آورند و آنان را در تفرقه و تزلزل فرو برند، برخی را تحریک می‌کنند تا ادعای دروغین نموده و به استحکام بنیادهای حکومت غاصبان و ستمگران بپردازنند. در روایتی دیگر به نقل از امام صادق (ع) خداوند عاقبت تمام مدعیان ام امت، و منکران و بدعت گذاران را اینگونه عنوان می‌نماید: «خدا در روز قیامت به سه کس نظر نکند و آنها را تبرئه ننماید و عذاب دردنگا از آن آنهاست، کسی که به ناحق دعوی امامت از طرف خدا کند و کسی که امام گماشته شده از طرف خداوند را انکار کند و کسی که گمان کند صاحبان این دو تفکر عقیده بهره‌ای از اسلام دارند^۳.» یعنی مسلمانند.

با توجه به روایات در نتیجه بدعتها و انکارها دیدگاههای باطلی به وجود می‌آید از جمله:

۱- عده‌ای معتقدند که امامی، در کار نیست. این اعتقاد فاسد و باطل است چرا که ثابت شده که وجود امام در هر حا لی واجب است^۴. ۲- گروهی به امامت کسی اعتقاد دارند که دارای مقام عصمت نیست. که این قول نیز باطل می‌باشد.^۵ ۳- گروهی نیز برای افراد خاصی مدعی عصمت و امامت شده‌اند که این ادعاهای نیز باطل می‌باشد.^۶

بنابراین بدعت به معنی مخالفت با خدا و کتاب و پیامبر او حاکم کردن و واهای نفسانی و عمل کردن براساس تمایلات شخصی است و این جز آنست که با الهام از کتاب و سنت و براساس معیارهای الهی تحقیق و تحلیلی نو ارائه شود. چنانچه از حضرت علی (ع) نقل شده که فرمود: «ما هدم الدین مثل البدع^۷.» یعنی: هیچ چیز مانند بدعت‌ها دین را ویران و تباہ نکرده است. همچنین

۱- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۴.

۲- صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، الحصال، ج ۱، ص ۵۲؛ کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۲.

۳- نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبة، ص ۱۱۵.

۴- طوسی، محمدبن الحسن، الغیبة، ص ۴.

۵- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۹۱.

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که فرمود: «هرگاه بدعت‌ها در میان امت آشکار شوند بر عالم است که علم و دانش خود را آشکار سازد، هرکس چنین نکند نفرین خدا بر او باد^۱». با توجه به روایات فوق با تأسف باید گفت که امروزه، بسیاری بدعت‌ها و انحرافات در مسیر دینداری پدید آمده و بی‌شک متظران عالم در انتظار صاحب مکتب و موعود قرآن‌نداشتند تا سنت‌ها را زنده نموده و بدعت‌ها را برچیده نمایند. چنان که عبدالرحمن بن سمرة به نقل از رسول خدا گوید، حضرت فرمود: «و کسی که قرآن را به رأی خود تفسیر کند بر خدا دروغ بسته است، و هرکس بدون داشتن علم و آگاهی فتوا دهد ملائکه آسمانها و زمین او را لعنت می‌کنند و هر بدعتی گمراهی است و هر ضلالتی به آتش ختم می‌شود^۲». در روایت فوق، بدعت عامل منفی در اعتقادات فردی می‌باشد و سبب گمراهی و ضلالت فرد می‌گردد. این بدعت شامل تفسیر قرآن به صورت تفسیر به رأی، بدون رعایت شرایط و اصول اصلی آن و مانند آن، می‌باشد. لذا برای متظرین این سؤال مطرح می‌گردد که چگونه در مقابل فتنه‌های بدعت‌گزاران مقاومت نماییم؟

با توجه به روایات متظر باید فریب هوای نفس و مدعیان دروغین امامت را نخورد و با توکل بر خداوند معرفت صحیحی از امام عصر خود یافته واز دستورات الهی پیروی نماید. چنان که در روایتی به نقل از ابی عبدالله (ع) به آن اشاره شده است. «و از طرفی نیز صاحب عقل بنگرد که چه کسی را به امامت خود برمی‌گزیند و باطل‌ها و امور بیهوده او را نفریبد و هوای نفس او را از راه حق به باطل منحرف نسازد، زیرا هر کسی که پیرو هوی و هوس خویش گردد سقوط کرده چنان درهم شکند که جبران پذیر نباشد؛ هر کس باید بداند در دینش طاعت چه کسی را گردن می‌نهد، و چه کسی میان او و خالقش پیام آور (واسطه و رابط) است که او تنها یکی است و آنان که غیر او هستند شیطانها و باطل‌گویان و فربیکاران و فتنه گرانند همچنان که خدای عزوجل فرموده: «شیطانهای انسی و جنی به منظور فریب دادن، سخن بیهوده را پاره از آنان به بعض دیگر می‌رسانند^۳». اکنون سؤال دیگری مطرح می‌گردد که چگونه این موانع را برطرف کنیم؟

۱ - محمدی ری شهری، محمد، میراث الحکمه، ح ۱۶۴۹.

۲ - صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمۃ، ج ۱، باب ۲۴، ص ۲۵۷. از امام باقر (ع) در روایتی نقل شده است که فرمود: «...ولا يترك بدعة إلا أزاحها ولا ستة إلا أمامتها» مجلسی، همو، ح ۵۸ ص ۳۳۹.

۳ - نعماقی، محمدبن ابراهیم، الغیبۃ، ص ۲۲ و ۱۳۵. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «شیاطین الانس والجنّ یوحی بعضهم إلى بعضٍ زخرف القول غروراً» انعام، ۱۱۲.

راه چاره ونجات از حالت مرید پروری و تکروی همان شناخت صحیح امامت است . در روایات مربوط به مهدویت، امام به منزله کسی معرفی می گردد که راه و رسم و حد و حدود الهی را پی جویی می کند. عبدالعزیز بن مسلم از قول امام رضا(ع) می گوید: «...امام است که حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می دارد و حدود الهی را بربا می دارد واز دین خدا دفاع می کند و با حکمت و موعظه نیکو و دلیل و سایه راه پروردگارش فرا می خواند^۱». و در روایت دیگری نفی تکروی از قول امام صادق(ع) عنوان شده که حضرت می فرماید: «امام خود را بشناس که چون او را شناختی، این امر چه پیش افتاد و یا دیر فرا رسید، تو را زیانی نمی رساند^۲.

درمورد دوم، یعنی تعیین امامت، نیز در روایات مهدویت انتقاد صورت پذیرفته است خداوند امامت را در شأن هر کسی نهاده است . در این مورد، در روایتی ، فضیل بن یسار از قول امام صادق(ع) می گوید: «هر کس خروج کرده، مردم را به سوی خود فراخواند در صورتی که کسی در میان مردم باشد که از او برتر است، پس چنین شخصی گمراه و بدعت‌گذار است».^۳

۴-۳-۳- قشری‌گرایی و عقل‌گرایی

در این محور، آسیب‌های تربیت دینی، در دو قطب متقابل قشری گرایی و عقل‌گرایی قرار دارد . منظور از قشری‌گرایی، جمود بر ظواهر متون دینی، در مقام فهم و ظواهر مناسک شریعت، در مقام عمل است. قشری‌گرایی از این جهت آسیب‌زا است که انسان را در قشر دین متوقف می سازد و به این ترتیب، خود فرد را از دین بی‌بهره و دیگران را در دام بدفهمی گرفتار می سازد. چرا که فرد در فهم معارف دینی دچار اشتباہ شده و از این رو بستری مناسب برای رشد انحراف و بدعت است . نمونه بارز این امر در زمان حکومت امام علی (ع) توسط خوارج آشکار گردید؛ کسانی که حاضر نشدند به ورق‌های کاغذین قرآن تعرض کنند . اما سرانجام برآن شدند تا قرآن ناطق را خاموش کنند. این گونه قشری‌گرایی همواره در کمین تربیت دینی است . در دوران غیبت امام مهدی (ع) نیز همواره این تهدید وجود دارد . ذهن‌ها و اندیشه‌های خام متدينان آنان را به بدفهمی و بدعت وا می‌دارد، چنان که به هنگام ظهور مهدی (ع) سخنان او و احکام دینی که او مطرح می‌سازد، در نظر مردم، جدید و ناشناخته است. ابو بصیر از قول امام باقر (ع) می گوید که ایشان در مورد مهدی (ع)

۱ - صدق، همو، العلل شرابع، باب ۱۳؛ ص ۲۷۱ - ۲۱۸ : کلین، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۱ ، ص ۱۹۸.

۲ - نعمانی ، محمدبن ابراهیم، الغیثیه ، باب ۲۵، ص ۳۲۹.

۳ - همو، ص ۱۱۵.

فرمود: « هنگامی که آن حضرت قیام کند، با امری نوین و فرمانی جدید و طریقه‌ی نو و حکمی تازه قیام خواهد کرد...^۱».

این سخن حاکی از آن است که چگونه در دوران غیبت، قشری بودن افراد، آنان را به تعییرهای لدرست از احکام دینی خواهد کشاند. از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «قائم (ع) در جریان پیکار خود، با اموری روبه رو می‌گردد که رسول خدا (ص) با آنها روبه رو نشد. همانا رسول خدا (ص) در حالی به سوی مردم آمد که آنان، بت‌های سنگی و چوب‌های تراشیده را می‌پرسانیدند، ولی علیه قائم(ع) می‌شورند و کتاب خدا را علیه او تأویل می‌کنند و براساس آن با او می‌جنگند^۲. بنابراین، یکی از آسیب‌هایی که در کمین تربیت مهدوی، هم چون تربیتی دینی، قرار دارد این است که افراد تحت تربیت، ذهن‌ها و اندیشه‌هایی ناپروردۀ و خام داشته باشند و مع ارف و حکمت‌های دین را در حد فهم‌های قاصر خود، محدود و محصور سازند.

الف - کج فهمی از احادیث

در بعضی روایات در زمینه (تسمیه) حضرت اشاره شده که ، در عصر غیبت، حضرت را با نام مخصوص یاد کردن حرام و ممنوع است، که به ناچار (م ح م د) می‌نوشتند، در صورتی که اشاره به حرام بودن و کافر بودن یا ملعون بودن فردی که اسم مبارک حضرت را می‌آورد به زمان ۶۹ یا ۶۷ سال عصر غیبت صغیری بر می‌گردد. که شرایط آنقدر سخت بود که حتی سادات فاطمی هم مورد اعتماد نبودند و آنها اگر امام را می‌دیدند و می‌شناختند قطعه‌اش می‌کردند.^۳

در صورتی که رسول خدا (ص) نام پدر حضرت را رسماً به نام مخصوص معرفی کردند و دیگر محلی برای اظهارنظر در مسئله حرمت نیست . زیرا که اگر حرام بود هرگز این بزرگواران دست به چنین کاری نمی‌زدند. در نتیجه عدم تکرار علی نام حضرت خود موجب فراموشی وجود حضرت و اطاعت از حضرت می‌باشد و امروزه تکرار علی نام اصلی حضرت واجب می‌باشد چرا که باعث جلوگیری از سوء استفاده های متهدیان قلابی می‌گردد و برای همیشه مغازه دینسازان کور تخته می‌گردد.^۴ در اهمیت فهم درست روایات به نقل از امام باقر (ع) روایتی ذکر

۱ - قال الامام باقر (ع):«إنا خرج يقوم بأمر جديد و كتاب جديد و سنة جديدة و قضاء جديد على العرب الشديد ». نعمانی ، محمدبن ابراهیم الغیة ، باب ۱۴ ، ص ۲۵۵

۲ - نعمانی ، محمدبن ابراهیم، الغیة، باب ۱۷ ، ص ۲۹۷

۳ - مجلسی، محمدباقر ، بخار الانوار ، ج ۵۲ ، ص ۹۸؛ کورانی و دیگران ، معجم الاحادیث الامام مهدی ، ج ۳ ، ص ۲۲۹

۴ - برای اطلاع بیشتر رجوع نماید به *کشف التعمیمه فی حکم التسمیه* ، حر عاملی، محمدبن الحسن ، ائمۃ الهداء ، ج ۳ ، ص ۴۷۰ ، قم.

شده که فرمود: «ای فرزندم فضل شیعیان را بر مبنای روایت و معرفت ایشان بازشناس که همانا معرفت، درک روایت است و مومن با درک درست روایات به سطیح درجات ایمان می‌رسد. من در کتاب علی (ع) نگریستم و در آن، چنین یافتم: ارزش هر انسان و منزلتش، در معرفت اوست و بی‌گمان، خداوند، تبارک و تعالی، مردمان را به مقدار خردگایی که در سرای دنیا به آنها داده، بازخواست می‌کند».^۱

ب - نشان دادن چهره‌ای خشن از حضرت

روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: «...این پسرم قائم این امت و صاحب شمشیر است^۲. و در روایت دیگری از آنحضرت نقل شده: «آن قدر دشمنان را می‌کشد تا خداوند راضی شود»^۳ در این روایات اگر به رضایت خداوند توجه نمائی م عدم خشونت حضرت را به اثبات می‌رسانیم چرا که هر عملی در جهت رضای خداوند رضایت بخش است و تهمت خشونت را از حضرت دور می‌نماید. در روایتی نیز از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «...پس دستهای ایشان را می‌برد و آنها را در کعبه می‌آویزد^۴. مفضل بن عمر از امام صادق (ع) روایت نمود که حضرت فرمودند: «ظهور نمی‌کند مگر با شمشیر»^۵. در روایتی به نقل از امام باقر (ع) آمده که فرمود: «اگر خلائق بدانند که قائم (ع) در وقت خروجش چه کار خواهد نمود، هر آینه اکثر ایشان به سبب کشتن آن حضرت خلائق را دوست می‌دارند که او را نبینند»^۶ از ابی جعفر(ع) روایت شده که فرمود: «...قائم سر ایشان را می‌برد چنان چه قصاب سر گوسفند را می‌برد».^۷

در پاسخ افرادی که از شخصیت حضرت مهدی (ع) چهره‌ای خشن ساخته اند باید گفت که حضرت شبیه‌ترین فرد به حضرت محمد(ص) می‌باشد^۸ و چطور می‌توان اخلاق نیک حضرت را

۱- مجلیری، محمدباقر، بخار الانوار، ج ۱، ص ۱۰۶، ح ۲، صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، معانی الاخبار، ج ۱، ص ۱۱ و ۲.

۲- طوسی، محمدبن الحسن، الغیة ص ۴۸.

۳- همو، ص ۴۸.

۴- نعماقی، محمدبن ابراهیم، الغیة، ص ۳۰۷ و ۳۰۸.

۵- قال الامام الصادق (ع) «لا يظهر إلا بالسيف» کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۷؛ ح ۱؛ صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۳ ح ۲۹؛ همو، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۶؛ طوسی، محمدبن الحسن، الاستبصرار، ج ۳، ص ۱۰۸، ح ۵.

۶- نعماقی، محمدبن ابراهیم، الغیة، باب ۱۳، ص ۲۳۳.

۷- همو، ص ۲۸۳، باب ۱۵، ح ۱.

۸- قال رسول الله (ص): «...و يحفظون وصيغ التاسع منهم قائم أهل بيتي و مهدى أئمّة أئمّة الناس بـ فـ شـ مـائـة و أـ قـوالـه و أـ فـعالـه . محلـي، محمدباقر، بخار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۸۲.

اینگونه پاسخ داد؟ بسیاری از افراد با کج فهمی خود شمشیر و خونخواهی حضرت را ناشی از خشونت حضرت تفسیر کرده اند. امام عصر(ع) مظہر رافت و رحمت پروردگار است و مانند پیامبر اسلام (ص) ابتدا همگان را با بیان روشن و دلایل آشکار به اسلام و قرآن می خواند و اکثر مردم دعوت آنحضرت را پاسخ می دهند و به او می پیوندند. بنابراین امام (ع) تنها با مخالفان سرسخت که آگاهانه از پذیرفتن حق سرباز می زند و جز زبان شمشیر نمی فهمند با سلاح برخورد می کند.

در روایتی از امام حسن مجتبی (ع) نقل شده است که فرمود: «**ما مَنَا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ**^۱» یعنی همگی یا با شمشیر یا به زهر جفا به شهادت رسیدند. طبق روایت فوق دشمن در طول تاریخ همواره برای ائمه معصومین پرونده سازی نموده است. اکنون نیز دشمن برای حضرت مهدی (ع) پرونده سازی می نماید که نمونه آن بسیاری از شباهات است. شباهتی چون چهره خشن از حضرت یا می گویند: شأن او چیزی جز قتل نیست.^۲

در پاسخ افرادی که حضرت را با چهره‌ای خشن معرفی می نمایند باید مهر حضرت و قهر حضرت را توجیه نمود. مهر و قهر باید در کنار هم باشند از امام رضا (ع) نقل شده که فرمودند: «امام همدمنی سازگار، پدری مهربان، برادری تنی، مادری خوش رفتار با کودک خردسال و پناه مردم در پیش آمدها و کارهای بزرگ است^۳». در این روایت اشاره به مهربانی حضرت شده است. مهربانی حضرت مهدی (ع)، همچون مهر خداوند کریم حکیمانه است. بدین معنا که قهر او نیز جلوه‌ی محبت اوست. چون قهر او بر دشمنانی خواهد بود که با توجه به هدایت و معجزات آن حضرت باز هم به او کفر ورزیده و حکومت عدلش را گران نمی گذارند و در زمین فساد می کنند و این مهر در چهره‌ی قهر اوست که او را چنین خشن نشان می دهد و قهر اوست که مهر مردمان را در پی دارد.

از سوی دیگو عقل گرایی نیز یکی دیگر از ورطه‌های لغزش است. عقل گرایی به این معنا که، خود در اثبات دین همه چیز را پس از اثبات قطعی عقل بپذیرد. در این محور عقل را صافی همه چیز می گردانند به نحوی که درستی هر معرفت یا فایده هر عملی که توسط عقل عملی یا فلسفی، به

۱ - صافی گلپایگانی، لطف الله ، منتخب الاشر، ص ۳۰.

۲ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۹.

۳ - قال الإمام رضا (ع) «الإمام الانيس الرفيق والوالد الشقيق والأخ الشقيق والأم التية بالوالد الصغير ومفزع العباد في الوahiya الناد»، كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ۱، ص ۲۰۰.

اثبات قطعی و مسلم نرسد، پذیرفتنی نخواهد بود . این گرایش نیز در تربیت دینی آسیب زا است. زیرا عقل آدمی را چنان توانی نیست که هرچیز را به اثبات برساند. به این ترتیب عقل‌گرایی فرد را از حقایق بسیاری محروم واژ نتایج آن ها بی‌بهره خواهد ساخت . در حالت سلامت، عقل ورزی قرار دارد. تفاوت عقل ورزی با قشری گری مشخص است، اما تفاوت آن با عقل‌گرایی درآن است که عقل ورزی، مستلزم اثبات علمی و فلسفی امور نیست، بلکه گاه با گمان نیز به پیش می رود. انسانها برخی از معرفت ها و اعمال را به کمک گمان های عاقلانه دردسترس خود قرار می دهند. اکنون این سؤال برای شیعه مطرح می‌گردد که چگونه این موضع را برطرف نمائیم؟

حالت صحیح در تربیت دینی عقل ورزی است . عقل ورزی باور به توانایی عقل در دریافت حقایق عمیق است، بدون آنکه حدود توانایی آن انکار شود . عقل‌گرایی، نوعی م طلق‌گرایی در عرصه عقل است که پذیرفتنی نیست. اما عقل ورزی مطلوب تربیت دینی است. زیرا دین، آدمی را به حقایق ژرفی فراخوانده است که با عقل ورزی قابل حصول است . فهم مسئله مهدویت، خود از جمله اموری است که مستلزم بذل و فهم و باریک بینی بوده است؛ به ویژه که شیعه ، در مطرح نمودن مسئله مهدویت ، تحت فشارها ی سیاسی حاکمان زمان قرار داشته و در این خصوص، ناگزیر بوده به رمز سخن بگوید . از این رو، در خصوص مهدویت نیز دعوت به ژرفاندیشی و باریک بینی صورت پذیرفته است. به طور مثال، در روایتی، مفضل بن عمر از قول امام صادق(ع) می‌گوید: «...هر حقی دارای حقیقتی است و هر ک ار درستی را نوری است ... به راستی که فتنه‌هایی ظلمانی و کدر و تاریک پشت سر دارید که جز حجت خدا کسی از آن نجات نمی‌یابد^۱ .»

۴-۴- تلقی انحرافی از مسئله ظهور

با توجه به روایات یکی از موانعی که سبب جلوگیری تأثیرات اصلاحی و تربیتی در فرد متنظر شیعه مشخص شده، همان فهم نادرست از مباحث و اطلاعات در زمینه ظهور حضرت مهدی (ع) عنوان شده است. اکنون از باب نمونه به چند مورد آن اشاره می‌نماییم:

۴-۴-۱- عدم توجه به تفاوت استعداد (یا وسع فهم) در افراد مختلف

متأسفانه در جریان تربیتی افراد به ابعاد فکری فرد توج هی به سزا نشده است و خود این بی‌توجهی سبب برداشتها و تلقی های نادرستی در جریان ارتباط معنوی فرد با امام زمان (ع)

۱- قال ابو عبدالله (ع): «إنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَلِكُلِّ صَوابٍ نُورًا... إِنَّ مِنْ وَرَائِكُمْ فَتَنًا مُظْلَمَةً عَمِيَاءً مُنْكَسَفَةً لَا يَنْجُومُهَا إِلَّا النُّورَةُ...» نعمانی ، محمدبن ابراهیم، العیة، باب ۱۰ ، ص ۱۴۱.

گردیده است. عقل و میزان درک و فهم، جایگاه خاصی در زمینه فکری فرد دارد. چنانکه در روایتی ثابت ثمالی از امام سجاد (ع) نقل نموده است که فرمودند: «با عقلاهای ناقص و رأی‌های باطل و قیام‌های فاسد به دین خدا نمی‌رسند و آن جز با تسليم به دست نمی‌آید، هر که تسليم ما شد سالم می‌ماند، و هر که به ما اقتدا کرد هدایت می‌یابد و هر که به قیاس و رأی عمل کند هلاک شود، و هر آنکه در آنچه می‌گوئیم شکی داشته باشد یا در آنچه حکم می‌کنیم حرجی داشته باشد، به خدایی که سبع المثانی و قرآن عظیم مرا فرو فرستاده است، کافر شده است در حالی که خودش هم نمی‌داند.» با توجه به روایت فوق عقل افراد از نقصان‌هایی برخوردار است که اگر به میزان نقص آن در افراد متفاوت توجه نشود، سبب هلاکت آنها و بدفهمی در دین می‌گردد در این روایت تنها راه نجات تسليم در برابر امر الهی عنوان شده است. یکی از علتهای نقص فکری و نقص عقلانی، جاهل و نادان بودن فرد می‌باشد. این جهل و نادانی باعث کج فهمی در بسیاری از آموزه‌های دینی و مباحث مهدوی گشته و در نتیجه سبب شک و تردید در عقاید، فید گردیده است. در روایات چاره کار همان توجه به میزان اختلاف استعداد در افراد متظر عنوان شده است. در این محور باید به پرورش فکری و عقلی افراد پرداخت تا کج فهمی‌ها در دین از بین رفته و شک‌ها به نتیجه‌ای ثمربخش متنه گردد.

اگر در محوری عقل حاکم نباشد، جهل و نادانی جای آن را خواهد گرفت، در روایتی أصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین (ع) نقل نموده است که فرمود: «او غایب خواهد شد تا به غایتی که نادان گوید: خداوند را در آل محمد حاجتی نیست». با توجه به روایت فوق نادانی فرد سبب گمان بی‌نیازی او، از فیض الهی چون امام مهدی (ع) گردیده و فرد هنگامی که خود را بی‌نیاز از وجود حضرت بداند. پیرو او نخواهد بود و به انحراف کشیده خواهد شد. پیشرفت جامعه بشری و اصلاحات فردی در گروه محيطی عقل محور، صورت می‌گیرد. چنانکه ابن ابی یعفور از امام باقر(ع) روایت کند که فرمود: «چون قائم ما قیام کنند دستش را بر سر بندگان نهاد و از برکت آن دست عقل و خرد آنها کمال یابد».^۳

۱- قال على بن الحسين (ع): إنَّ دِينَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُصَابُ بِالْعُقُولِ الناقصِهِ وَ الْأَرَاءِ الْبَاطِلَةِ وَ الْمَقَائِيسِ الفاسِدَةِ وَ لَا يُصَابُ إِلَّا بِالْتَسْلِيمِ فَمِنْ سَلْمٍ لَنَا سَلْمٌ، وَ مِنْ اقْتِدَى بِنَاهْدِي، وَ مِنْ كَانَ يَعْمَلُ بِالْقِيَاسِ وَ الرَّأْيِ هَلْكٌ وَ مِنْ وَجَدَ فِي نَفْسِهِ شَيْئًا مَا نَقُولُهُ وَ نَقْضِي بِهِ حَرْجًا كُفْرٌ بِالَّذِي أَنْ زَلَ السَّعْ

الثَّانِي وَ الْقُرْآنُ الْعَظِيمُ، وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ». صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۳۱، ص ۲۲۴.

۲- قال امیرالمؤمنین(ع): أما لِيَغِيْنَ حَتَّى يَقُولُ الْجَاهِلُ: مَا لَهُ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ » صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة ، ج ۱ ، باب ۲۶ ، ص ۳۰۱.

۳- قال الامام باقر(ع) : «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا (ع) وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عَقُولَهُمْ، وَ كَمْلَتْ بِهَا إِحْلَامَهُمْ». همو، ج ۲، ص ۶۷۵.

توجه به استعداد افراد در عرصهٔ فهم و عمل، به منزلهٔ حفظ حرکت مستمر آنان در طریق تربیت و تحول است. چه بسا رعایت وسع فهم یک فرد ضعیف، موجب شود که وی به سهم خویش، در راه مهیا شدن برای ظهور حضرت مهدی(ع) گام بردارد، اما بی توجهی به وسع فکری، عقلی و فهم فردی متوسط و خوب وی را از راه به در برد.

نادیده گرفتن میزان فهم افراد موجب کفر ورزی و اعراض می گردد. چرا که به تبع وسع فهمی، وسع عملی و حد طاقت افراد در به دوش کشیدن تکالیف نیز باید مورد توجه قرار گیرد. شگفت نیست اگر فرد نادان مدت غیبت صاحب الزمان (ع) را طولانی شمارد و بی اصل و اساس و بدون بصیرت از مذهب خود بازگردد و از گفته خداوند عبرت نگیرد که فرمود : «آیا مؤمنان را زمان آن نرسیده است که قلوبشان برای ذکر خدا و آنچه از جانب حق فرود آمده است خاشع گردد و مانند آنان نباشد که به ایشان کتاب داده شد و مدت را طولانی شمردند و قلوبشان را قساوت فرا گرفت و بسیاری از آنان فاسق شدند»^۱ نمونه این جهل و نادانی و استعداد کم افراد در زمان امتهای پیشین عنوان شده، از باب نمونه، از رسول خدا (ص) در روایات بسیاری وارد شده که موسی (ع) به میقات پروردگارش رفت تا پس از سی شب بازگردد، اما خداوند آن را به ده شب کامل ساخت و میقات او چهل شب گردید و به همین جهت که مراجعت موسی(ع) ده شب از قرار قبلی به تأخیر افتاد، این مدت اندک را بسیار شمردند و قساوت دلهایشان را گرفت و از دستور پروردگارشان و حضرت موسی (ع) سرباز زدند، نافرمانی خلیفه او، هارون، را پیش گرفتند و او را ناتوان شمرده و نزدیک بود که وی را بکشند. پیکر گوساله‌ای را که بانگی داشت پرستیدند و از پرسش خدای تعالی باز ایستادند، و سامری به آنها گفت: «این خدای شما و خدای موسی است» و هارون ایشان را پند می داد و از گوساله پرستی نهی می کرد و می گفت: ای مردم، شما به این گوساله آزمایش شدید، اما پروردگار شما رحمان است از من پیروی کنید و فرمان مرا ببرید . گفتن: ما دست از پرستش گوساله برنمی‌داریم تا آنکه موسی رجعت کند. هنگامی که موسی بعنزد قومش خشمناک و اندوهگین بازگشت، گفت: در غیبت من چه کارهای زشتی پس از رفتنم مرتکب شدید، آیا به امر پروردگارتان شتاب داشتید، بعد الواح تورات را فرو افکند و سر برادر خود را گرفته و به جانب خود می کشید و قصه آن مشهور است^۲. در این روایت و آیه قرآن کریم، فرد نادان همواره با تأویلی که از دین دارد، به تحریف دین می پردازد و برداشت ناروای وی کم کم او را از دین و

۱ - صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی،*كمال الدين و تمام النعمة* ، ج ۱ . ص ۲۸ .

۲ - همو، ج ۱ ، مقدمه مولف، ص ۳۱ .

مباحث مهدوی خارج می سازد. در روایتی به نقل از رسول خدا (ص) آمده، که فرمود: «در هر نسلی از امت من عادلی از اهل بیت من وجود دارد که از این دین تحریف غلوکن دگان و نسبت ناروای باطلان و تأویل نادانان را نفی نماید، و ائمه شما رهبران شما به خدای تعالی هستند بنگرید که در دین و نمازتان از چه کسی پیروی می کنید^۱». با توجه به روایت آسیبهایی همچون جهل و نادانی سبب کج فهمی‌های بسیاری در آموزه‌های دینی و مهدویت گردیده است چنان که عدم فهم دقیق از دین و جهالت فرد، افراط و بی‌ثباتی در فهم دین، اصلی‌ترین موانع در راه خدمت خالصانه حضرت مهدی (ع) می‌باشد.

در روایتی بشیرالنیال گوید امام باقر (ع) فرمودند: «کشтар زیاد آنحضرت به حدی می رسد که بعضی از مردم جاہل و قشری می گویند و او از آل محمد نیست، زیرا اگر او از ذریعه محمد (ص) می‌بود ترحّم می‌کرد^۲» در روایتی نیز از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: «هرگاه قائم (ع) بپاخیزد از جاهلان مردم، بیشتر از آنچه رسول خدا (ص) از جاهلان جاہلیت صدمه کشید، محنت می‌بیند^۳». از امام علی (ع) نقل شده است که فرمود: «امیرالمؤمنین (ع) حضرت حجت (ع) را یاد کرده، فرمودند: «مهدی (ع) آنقدر غیبت می‌کند که جاہل می گوید: خداوند نیازی به آل محمد ندارد^۴ (حاجتی در آل محمد نیست).

در تفسیر این روایات کلینی می‌فرماید: جهل و نادانی انسان آزاد را به برگی می‌کشاند و تنها راه چاره آن اعتماد به خدا است که به هر فرد نیروی استقلال و اعتماد به نفس می‌دهد و در فرد وجودان شخصیت به بار می‌آورد و او را از هرگونه برگی و تسخیر دیگری آزاد می‌کند و پایه این عقیده این است که هیچ نیروی بر انسان تسلط ندارد جز همان نیروی معنوی که قائم به وج دان شخصی او است، و این عقیده انسان را در برابر هر توهم و هر زوری نیرومند مبارز می‌سازد و از سخره اوهام و خرافات آزاد می‌کند و از تسلط جباران زمینی رهائی می‌بخشد و در اینجا بیان شده است که اعتقاد به هرگونه مؤثری جز خدا بر اساس جهل و نادانی است و در ضمن انسان را

۱ - قال رسول الله (ص): إِنَّ فِي كُلِّ خَلْفٍ مِّنْ أَمْمَى عَدْلًاً مِّنْ أَهْلِ بَيْتٍ يَنْفَعُ عَنْ هَذَا الْدِينِ تَحْرِيفُ الْعَالَمِينَ وَ اتْحَالُ الْمُبَطِّلِينَ وَ تَأْوِيلُ الْجَاهِلِينَ وَ إِنَّ أَئْمَتَكُمْ قَادِتَكُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ، فَانظُرُوا بِنَفْتَدُونَ فِي دِينِكُمْ وَ صَلَاتِكُمْ» همو، ج ۱، باب ۲۲، ص ۲۲۱، ح ۷.

۲ - مجلسی، محمدباقر، بخار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۹؛ طوسی ، محمدبن الحسن، الغيبة ، ص ۱۸۸.

۳ - نعماً، محمدبن ابراهیم، الغيبة، ص ۲۹۷.

۴ - همو، باب ۱۰، ۱۴۱.

موظف کرده است به مبارزه با هر نیروی اهربینی که با اساس علم و دانش و اعتقاد به خدای یگانه مخالف است و دعوی به فساد و تباہی می‌کند.^۱

جهل و نادانی مسبب بسیاری از تلقی‌های انحرافی افراد منتظر گردیده است لذا به بررسی این واژه جهت شناخت راه حلها در جریان مبحث تربیتی مهدویت می‌پردازم.

معنای جهل از منظر اسلام:

آیین الهی، برای ساختن جامعه ارزشی مورد نظر خود، پیش و بیش از هر چیز دیگر، به اندیشه و شناخت و آگاهی، اهمیت داده و انسان‌ها را از خطر «جهل»^۲ و به کار نینداختن اندیشه، بر حذر داشته است.

از منظر اسلام، جهل، آفت شکوفایی انسانیت و ریشه همه مفاسد فردی و اجتماعی است . و تا این آفت، ریشه کن نشود، ارزش‌ها شکوفا نمی‌گردند و جامعه انسانی تحقق نمی‌یابد. از دیدگاه اسلام، جهل، ریشه همه بدی‌ها، بزرگترین مصیبت، زیانبارترین بیماری و خطرناک ترین دشمن است و شخص جاهل، بدترین جنبندها ، بلکه مردهای در میان زندگان است.

اکنون این سؤال برای منتظر مطرح می‌گردد که منظور از آسیب‌های خرد چیست؟

منتظر شیعه تهنگامی که عقل و خرد خود را از آسیهای گوناگون حفظ ننماید نمی‌تواند آن گونه که باید به فهم درک و عمل به دستورات حضرت مهدی (ع) بپردازد. لذا آسیب‌های خرد همان

۱- بنگرید به کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ص ۷۷۴

۲- به طور کلی، برای جهل مذموم، چهار معنا منصور است: اول، مطلق نادانی، ندانستن. دوم : ندانی نسبت به علوم و معارف مفید و سازنده. سوم، ندانی نسبت به ضروری‌ترین معارف مورد نیاز انسان. چهارم، نیرویی در مقابل خرد.

۳- هرچند در نگاه ابتدایی، به نظر می‌رسد که مطلق ندانی زیانبار است اما با کمی تأمل معلوم می‌شود که هر ندانستنی نکویده و هر دانستنی، پستنده نیست.

۴- بی‌تردید ، در اسلام ندانی نسبت به همه علوم و معارف مفید، برای همه مردم مذموم و خطرناک نیست.

۵- ضروری‌ترین معارف، یعنی معارفی که میراث پیامبران الهی اند. این معارف مبداء‌همه خیرها و مقدمه شکوفایی است و جهل به این معارف، جامعه انسانی را در معرض دشوارترین مصیبت‌ها و شرور، قرار می‌دهد.

۶- نیرویی در مقابل خرد

در متون اسلامی، جهل مفهومی دارد که بر خلاف معانی گذشته، امری وجودی است نه عدمی، و آن شعور مرموزی در مقابل خرد است که همانند خرد، آفریده خداوند متعال است و آثار و پیامدهایی دارد که از آنها به، سپاهیان ندانی (در برابر سپاهیان خرد) تعبیر شده است. این نوع از جهل خطرناکترین جهل‌ها می‌باشد. بنگرید به: ری شهری، محمد، دانشنامه عقاید اسلامی ج ۱ و ۲، به ترجمه: مهدی مهریزی.

موانعی می باشند که در جهت تباہی خرد و رشد جهل و نادانی تأثیر گذارند اکنون به ذکر چند نمونه از این موانع در پاورقی اشاره می نمائیم:^۱

۱- هوس

خداآوند در قرآن می فرماید: «پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبد خود قرار داده است و خدا دانسته، او راگم راه گردانیده و برگوش و دلش مهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟ پس از خدا، چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند غمی گیرید؟» جاثیه، ۲۳.. در روایتی نیز به تقلیل از امام علی (ع) آمده، که فرمود: «پیروی هوس، دین و خرد را تباہ می سازد». قال علی (ع) «غلبة الهوى تفسد الدین و العقل». غررالحكم، ح ۶۴۱۴، عيونالحكم والمواعظ، ص ۳۴۸، ح ۵۸۹۹ به تقلیل از محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه عقاید اسلامی. ج ۱ و ۲، به ترجمه مهدی مهریزی.

۲- گناه

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: آن که مرتكب گناهی شود، خردی از او جدا می شود که هرگز به سویش باز غمی گردد». قال رسول الله (ص): «من قارف ذنبًا فارقه عقلً لا يرجع إليه أبداً، المحجة البيضاء، ج ۸ ص ۱۶۰، همو.

۳- مهر شدن قلب

کسانی که درباره آیات خدا، بدون حجتی که برای آنان آمده باشد، مجادله می کنند (این ستیزه) در نزد خداوند و نزد کسانی که ایمان آورده اند. (ما) عداوی بزرگ است. این گونه، خدا بر دل هر متکبر زورگو، مهر می نهد. «الذين يجادلون في أية الله بغير سلطنه أتمهم كبر مقتاً عند الله و عن الذين أمنوا كذلك يطبع الله على كل قلبٍ متكبرٍ جبارٍ»^{۳۵} غافر، ۳۵.

۴- آرزو

قال علی (ع): «آرزو، خرد را تباہ می کند، وعدهها را دروغ می گرداند، به غفلت و امداد و پشیمانی بر جای می گذارد». قال الامام علی (ع): «آن الامر يذهب العقل، ويكتب الوعد، ويبحث على الغفلة ، ويورث الحسرة»... تحف العقول، ص ۱۵۲، همو.

۵- مهر شدن قلب

از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود: «آنان دل‌هایی دارند که با آن، درک غمی کنند» خداوند بر دل‌هایشان مهر زده است، پس درک غمی کنند. بنگرید به: محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه عقاید اسلامی، ترجمه مهدی مهریزی.

۶- نخوت

از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود: «نخوت، در دل کسی جای غمی گیرد، مگر آن که به اندازه آن از خردش کاسته می شود، کم باشد یا زیاد». قال الامام باقر (ع): ما دخل قلب امری شیء من الكبر إلاّ تقص من عقله مثل ما دخله من ذلك؛ قل ذلك او كثر ». حلية الاولى، ج ۳، ص ۱۸۰ کشف الغمة ج ۲، ص ۳۵۹؛ مجلسی، بخار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۸۶، ح ۱۶، همو.

۷- مست کننده‌های پنجگانه

از امام علی (ع) نقل شده است که فرمود: «سزاوار است که خردمند، خود را از مستی مال، مستی قدرت، مستی دانش، مستی ستایش، و مستی جوانی، نگه دارد؛ زیرا هر یک از اینها را بادهای پلیدی است که خرد را می زدایند و وقار را سبک می گردند». غررالحكم، ح ۱۰۹۴۸؛ عيونالحكم والمواعظ، ص ۵۵۲، ح ۱۰۱۷۵، همو.

الف - خوشگذرانی زیاد

از امام علی (ع) نقل شده است که فرمودند: «آن که خوشگذرانی اش زیاد باشد، خردش کم شود». قال الامام علی (ع): «من کتر لهوه قل عقله» غررالحكم، ح ۸۴۲۶؛ عيونالحكم والمواعظ، ص ۴۴۸، ح ۷۹۵۲، همو.

ب - تنبی

از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند: «کنار نهادن دادوستد (او بیکار ماندن، از خرد می‌کاهد).» قال امام الصادق(ع): «ترك البخاره ينقص العقل» کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸، ح ۱. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۲، همو.

ج - زیاده طلبی

از امام علی(ع) نقل شده است که فرمود: «از دست رفتن خرد، در زیاده طلبی است.» قال الامام علی (ع) : «ضياع العقول في طلب الفضول « الغر الحكم، ح ۵۹۰۱، عيون الحكم والمواعظ ، ص ۳۰۹، همو.

د - همنشینی با نادان

از امام علی(ع) نقل شده است که فرمود: «آن که با نادان همنشین گردد ، خردش کم می شود.» قال الامام علی(ع) : «من صحب جاهلاً نقص من عقله» کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۹۹، مجلسی، بخار الانوار، ج ۱، ص ۱۶۰، ح ۴۱، همو.

ر- جدال با ابله

از امام علی(ع) نقل شده است که فرمود: «آن که با ابلهان جدال (بگو مگو اکنند، خردمند نیست)». غرر الحكم، ح ۹۰۷۲؛ عيون الحكم والمواعظ، ص ۴۲۵، ح ۷۲۰۴، همو.

۸- فریتفگی

از امام علی(ع) نقل شده است که فرمود: «تباهی خرد، در فریتفته شدن به نیرنگ هاست.» قال الامام علی(ع) : «فساد العقل الاعتراض بالخدع» غرر الحكم، ح ۶۵۵۲، عيون الحكم والمواعظ ، ص ۳۵۷، ح ۶۰۳۸، همو.

۹- خشم

از امام علی(ع) نقل شده است که فرمود: «خرد بیمار، در اثر خشم و شهوت، از حکمت، بهره نمی برد». قال الامام علی(ع) : «غيرُ منتفع بالحكمة عقلٌ معلولٌ بالغضب و الشهوة» غرر الحكم، ح ۶۳۹۷، عيون الحكم والمواعظ ، ص ۳۴۸، ح ۵۹۱۶، همو.

۱۰- آز

از امام علی(ع) نقل شده است که فرمود: «بیشترین جایگاه و سقوط خردها، زیر پرجم آزهاست.» قال الامام علی(ع): «اکثر مصارع العقول تحت بروق المطامع» نهج البلاغه، الحکمه ۲۱۹؛ مجلسی، بخار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۷۰، ح ۷ همو.

۱۱- خودپسندی

از امام علی(ع) نقل شده که فرمودند: «خودپسندی، خرد را تباہ می سازد». قال الامام علی(ع) «العجب يفسد العقل» غرر الحكم، ح ۷۲۶، همو. ۱۲- بینیازی جستن از خرد

از امام علی(ع) نقل شده است که فرمود: «خرد خویش را متهم سازید؛ زیرا از تکیه بدان، لغزانها سرچشمه می‌گیرند». قال الامام علی(ع): «إتهموا عقولكم، فإنه من اللّة ما يكون الخطاء». غرر الحكم، ح ۲۵۷۰؛ عيون الحكم والمواعظ ، ص ۹۱، ح ۲۱۵۱، همو.

۱۳- باده توشه

از امام رضا (ع) نقل شده است که فرمودند: «خداوند شراب را حرام کرد؛ زیرا در آن ، تباہی است، خرد نوشندگان را دگرگون می سازد، سبب انکار خداوند و افترا بستن به او پیامبرانش می گردد، موجب سایر تباہی ها و کشتار است.» قال الامام الرضا (ع): «حرّم الله الخمر لما فيها من الفساد، ومن تغييرها عقول شاربيها و حملها إياهم على انكار الله والغرية عليه وعلى رسليه، وسائر ما يكون منهم من الفساد والقتل» عيون الاخبار الرضا، ج ۲، ص ۹۸، ح ۲؛ مجلسی، بخار الانوار، ج ۶ ص ۱۰۷، ح ۳، راجع الفقه المنسب إلى الامام الرضا (ع) ص ۲۸۲، همو.

۱۴- نشیدن سخن خردمند

از امیر المؤمنین (ع) نقل شده که فرمود: «آن که شنیدن از خردمندان را کنار نهد، خردش خواهد مرد .» «الكنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۹۹؛ مجلسی، بخار الانوار، ص ۱۶۰، ح ۴۸، همو.

۱۵- زیاده روی در خوردن گوشت گاو و حیوانات وحشی

خود دانا بینی، نیز یکی از بیماریهای روانی است که، تشخیص پیامدهایش بسیار دشوار است و بسیاری بدان مبتلا شوند خود دانایینی، یا بیماری علم خیالی است . این بیماری زمانی مزمن می شود که فرد نادانی خویش را علم تصور می نماید. در این صورت مداوایش محال است.

زیرا که آن که نمی داند که نمی داند، به ذهنش نمی رسد که برای معالجه بیماری نادانی خود بیندیشد تا بخواهد درباره دارویش فکر کند، از این رو همیشه در نادانی، باقی می ماند. برای جلوگیری از این بیماری و درمان آن تا دستیابی به عقاید درست، دو رکن اصلی وجود دارد: یکی بر طرف ساختن موضع بینش عقل و معرفت، و دیگری فراهم ساختن شرایط معرفت که در روایات مذکور به آنها اشاره گردید اسلام بجز این دو، سفارشی ندارد.

۴-۴- کمال‌گرایی (غیرواقع‌گرا) و سهل‌انگاری

در این محور، آسیب‌های تربیت دینی در دو قطب کمال گرایی (غیرواقع‌گرا) سهل‌انگاری قرار دارند. در قطب اول، آسیب‌زاوی تربیت دینی ناشی از آن است که آرمان‌های بسیار والای دینی را از افراد تحت تربیت طلب می‌کنند. بدون آن که توان و طاقت واقعی آنها را چون معیار حرکت به سمت این آرمان‌ها در نظر بگیرند . از باب نمونه : در عرصه تربیت مهدوی با توجه به شرایط سخت در دوران ظهور حضرت، امام مهدی (ع) برای زدومن ظلم و بی عدالتی در سطح جهان با مقاومت‌های بسیاری روبرو خواهد شد. از باب نمونه ابو بصیر گوید: شنیدم امام باقر(ع) می‌فرمود: «شمشیر برگردن خویش حمایل می‌سازد، هشت ماه به شدت مبارزه می‌کند تا این که خدا راضی شود...^۱».

با توجه به روایت فوق افراد باید بسیار مقاوم باشند تا خود را برای یاوری حضرت آماده نمایند. و این یاوری ظرفیتی عظیم را در افراد می‌طلبد، به همین دلیل صفات برجسته‌ای برای یاوران مهدی (ع) ذکر شده؛ چنان که در روایتی به نقل از امام باقر(ع) آمده که حضرت فرمود: «.... چون شنیدید

از امام رضا (ع) نقل شده که فرمودند: زیاده‌روی در خوردن گوشت حیوانات وحشی و گاو، سبب سرگشتنگی خرد، حیرانی فهم، کودنی ذهن و فراموشی بسیار می شود. بخارالانوار، ج ۶۲، ص ۳۲۲، همو.

فرد منتظر با تشخیص عوامل ایجاد کننده نادانی در قوه عقلانی خود سعی می‌نماید تا آن موارد را از جسم و روح خود پاک نماید و با این عملکرد خود نیز بپرورش عقل و اندیشه خود خواهد پرداخت.

۱ - نعمانی، محمدبن ابراهیم، *الغیثة* ، ص ۴۸

ظهور کرده است، نزد او بروید، اگرچه کشان کشان بر روی برف و بیخ باشد^۱. و «اگرچه با پای پیاده باشد^۲. و این بیان حاکی از آن است که یاران امام، باید خود را به این نحو برسانند و این امر باعث شده مربیان بدون توجه به وسع فهمی و عملی افراد، از آنان می خواهند تا از باب نمونه : «قلوبهم زبرالحدید»^۳ قلبها یشان چون فولاد سخت باشد.

اگر این امر به صورت غیر واقع بینانه صورت گیرد، فرد را اصل حرکت منصرف می سازد. راه چاره این بدفهمی در تربیت افراد این است که :

مربی بداند که هر کسی برای آن ساخته نشده است که بتواند یاور خاص حضرت مهدی (ع) باشد و نمی توان همگان را در این حرکت، به قله نشاند و با این حال، چنین نیست که این گونه افراد جایی در کاروان بلند دامنه نصرت مهدی (ع) نداشته باشند.

در قطب دوم سهل انگاری با بی اعتنایی به آرمان های بلند، چهره دیگری از آسیب زایی را آشکار می سازد. سهل انگاری، جدیت و تلاش را از عرصه تربیت می زداید. در این قطب، مسئله مهدویت در منظومه تربیت دینی، به کنج تغافل یا غفلت می افتد و هیچ نقشی برای آن در جریان تربیت دینی در نظر گرفته نمی شود. در پاره ای از روایات به مسئله فراموشی امام زمان (ع) و غفلت مردم اشاره شده است. چنان که حماد بن عبدالکریم از امام صادق (ع) نقل می نمایند که فرمود : «بدانید که هرگاه او قیام کند، حتماً مردم می گویند: این چگونه ممکن است؟ در حالیکه چندین و چند سال است که استخوان های او نیز پوسیده است»^۴. رخدادهای مربوط به آینده، از توانایی ویژه ای برای آماده سازی افراد برخوردارند. مهدویت در میان این گونه رخدادهای مربوط به آینده یکی از برجسته ترین آنها است، زیرا در عرصه وسیعی یعنی در پهنه حیات بشری رخ می دهد و در حکم برآیندی برای درازای بلند تاریخ آدمی و چون نقطه روشنی در پایان آن است. سهل انگاری نسبت به مهدویت در تربیت دینی، به منزله از دست نهادن این تأثیر عظیم تحول بخش در شخصیت افراد است.

چگونه این موضع را بر طرف نمائیم؟

۱ - همو، ص ۱۵۴، ح ۱۲؛ صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۱، ص ۳۲۹.

۲ - کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۴، ح ۳۸۳.

۳ - مفہ، الاختصاص ، ص ۲۰۸.

۴ - نعمانی ، محمدبن ابراهیم، الغیثه ، ص ۱۵۴.

سهل‌گیری از معایب هر دو قطب کمال گرایی (غیرواقع‌گرا) و سهل‌انگاری به دور است، زیرا در عین حال که در آن، به کمال نظر است، غفلت در میان نیست. در تربیت مهدوی باید سهل‌گیری را چون یکی از شاخص‌ها در نظر گرفت. در سهل‌گیری، باید نخست به حدود وسع فهمی و عملی فرد توجه یافته و آنگاه با نظر به این حدود، حرکت وی را تسهیل کرد. در روایتی از امام علی(ع) نقل شده است که فرمود: «ای حذیفه! با مردم آنچه را نمی‌دانند»[نگو، که سرکشی کنند و کفر ورزند. همانا پاره‌ای از دانش‌ها سخت و گران بار است که اگر کوه‌ها آن را بر دوش کشند، از بردن آن ناتوانند...».^۱ در این روایت ترجمه به وسع فهمی و دانشی افراد مورد تأکید قرار گرفته و به صراحة اظهار شده که نادیده گرفتن آن، موجب اعراض و بلکه کفرورزی خواهد گردید. به تبع وسع فهمی، وسع عملی و حد طاقت افراد در به دوش کشیدن تکالیف نیز باید مورد توجه قرار گیرد. گفتنی است که حتی در یاوران نزدیک مهدی (ع) برخی وسع و طاقت بیشتری از دیگران نشان می‌دهند، اما به هر روی هر کدام متناسب با وسع خویش عمل می‌کنند. در حدیثی که پیشتر در وصف یاران مهدی (ع) به نقل از ابی عبدالله (ع) ذکور شد، این تعبیر نیز آمده است: «در میان آنان، مردانی هستند که شب را نمی‌خسبند و در نمازی که می‌گذارند، چونان زنبور زمزمه‌ای بر لب دارند. شب را با برپایی نماز، صبح می‌کنند و روز را با فرماندهی سپاه شان سپری می‌کنند. راهبان شب و شیران روزند»^۲.

در شرح این بخش از روایت احتمال می‌رود که این ظرفیت عظیم یعنی عبادت در شب و روز در روز، تنها در برخی از یاران مهدی (ع) وجود دارد. سایرین تنها به جهد و روز واجب روزنه ای که به عهده دارند، می‌پردازند و به سبب خستگی، برپایی نماز شب را که مستحب است، ترک می‌کنند، زیرا ظرفیت آنها در حدی نیست که بتوانند عبادت و جهاد، هر دو را به دوش بکشند، بنابراین یاران مهدی (ع) دو دسته‌اند: کسانی که به تهجد می‌پردازند و کسانی که به تهجد نمی‌پردازند. هر چند هر دو دسته، در اقدام به جهاد و روز، مشابه یکدیگرند. همین تقسیم در یاران رسول اکرم (ص) نیز وجود داشت. چنان که در قرآن، به این نکته اشاره شده است: «در حقیقت، پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تواند، نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا یک سوم آن را به نماز برمی‌خیزید...»^۳.

۱- نعمانی، محمدبن ابراهیم، *اعبیه*، ص ۱۴۲.

۲- به نقل از تاریخ ما بعد الظهور، ص ۳۴۸ - ۳۴۹؛ مجلسی، محمدباقر، *بخارا/انوار*، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳- مزمل، ۲۰.

توجه به وسع افراد در عرصه فهم و عمل، به منزله حفظ حرکت مستمر آنان در طریق تربیت و تحول است چه بسا رعایت وسع یک فرد ضعیف، موجب شود که وی به سهم خویش در راه مهیا شدن برای ظهور مهدی (ع) گام بردارد، اما بی توجهی به وسع فردی متوسط و خوب، وی را از راه به در برد.

مهدویت باید نقش هدایت کنندگانی را در جریان تربیت بازی کند . برای این امر، کسانی که مسئله مهدویت را در جریان تربیت دینی مطرح می سازند، باید هم تناسب و هماهنگی آن را با ذهن و زبان نسل جدید بازشناسی کنند و هم مراقب باشند که آن را به امیال و آرای رایج آنان فرو نکاہند. جالب بوجه است که خود حضرت مهدی (ع) نیز نقش هدایت‌گری را بازی خواهد کرد و هواهای مردم را به هدایت باز خواهد گرداند.

۴-۳- استعجال ظهور

در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند : «در معنی فرمایش خدای تعالی 『أَتَىٰ أَمْرَاللّٰهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ』 فرمان خدا بزودی فرا می‌رسد پس در مورد آن شتابجوئی نکنید.»^۱

با توجه به روایت فوق، شتابجوئی در امر ظهور حضرت از طرف فرد امری ناپسند است . استعجال^۲ به معنی عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن وتحقیق زمینه های لازم برای آن است . انسانهای عجول به خاطر ضعف نفس و کم ظرفیتی، مت انت و سکون و آرامش خود را از دست می‌دهند و بدون در نظر گرفتن شرایط، خواهان تحقق پدیده ها هستند. در فرهنگ مهدویت در برخورد با مسئله انتظار امام غائب ، انسان منتظر پیوسته در طلب ظهور است و با تمام وجود برای تعجیل در امر فرج دعا، صبر و تسليم امر پروردگار و برای تحقق همه زمینه های لازم برای ظهور می‌کوشد و برداری می‌کند. در روایتی به نقل از ابی عبدالله (ع) آمده که حضرت فرمود: « پیش از رسیدن این امر شتاب نکنید که پشیمان می شوید و آن را دور نشمارید که دلتان دچار قساوت می گردد»^۳ به طور خلاصه اگر بخواهیم پیامدهای شت ابزدگی در امر ظهور را بشماریم به چند مورد اشاره می‌نمائیم:

۱- ناشکری و اعتراض و عدم رضایت به مصلحت الهی

۱- نعماقی ، محمدبن ابراهیم ، الغیبت، ص ۱۹۸ و ۲۴۳؛ نخل، ۱.

۲- ابن منظور، محمدبن مکرم ، لسان العرب ، ج ۱۱ ، ص ۴۲۵، دارصادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.

۳- قال ابی عبدالله (ع): «لاتعاجلوا الامر قبل بلوغه فتندوا و لا يطولن عليكم الامر فتفسوا قلوبكم» صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی الخصال، ج ۲ ، ص ۶۲۲.

۲- روی کرد به منحرفان و مدعیان دروغین مهدویت

۳- یأس و نامیدی در اثر عدم تحقق ظهور

۴- استهzae و تمسخر آیات و روایات و معتقدان به غیبت و ظهور

۵- شک و تردید و قساوت قلب

شتاب و عجله نمودن در روایات انواع گوناگونی دارد . اکنون به چند مورد از این شتابها اشاره

می‌نمائیم:

الف : شتابی است که موجب یأس و نامیدی از ظهور قائم (ع) می‌شود زیرا فرد به خاطر کم صبری و ناشکیبایی می‌گوید: اگر ظهور شدنی بود، هم اکنون واقع می‌شد و به تأخیر افتادن آن، فرد را به سوی انکار صاحب‌الزمان سوق می‌دهد.

ب: آن شتابی که منافی تسليم فرمان خدا و رضا به قضا، و حکم خدا باشد و اینگونه شتاب برای ظهور، اگر ظهور به عقب افتاد، فرد را به سوی انکار حکمت آفریدگار بلند مرتبه می‌کشاند. از این روی، در دعایی که توسط عثمان بن سعید عمری روایت شده ، چنین می خوانیم: «پروردگار، مرا بدان (غیبت آن حضرت) صبر و تحمل ده، دوست ندارم آن چه به تأخیر انداخته‌ای جلو بیفت و نه آنچه را تعجیل بخواهی من به تأخیرش مایل باشم، هرچه تو در پرده قرار داده ای افسایش را نطلبم، و در آنچه نهان ساخته ای کاوش ننمایم، و در تدبیر امور جهان با تو (که همه مصالح را می‌دانی) به نزاع نپردازم، و نگویم که چرا و چگونه و از چه جهت ولی امر غایب آشکار نمی‌شود و ظهور نمی‌کند در حالی که زمین پر از ستم گردیده است؟^۱

ج : آن شتابی که سبب پیروی از گمراهان و گمراه‌کنندگان و شیاطین بدعت گزار می‌شود که پیش از ظاهر شدن علامت‌های حتمی که از پیشوایان معصوم (ع) روایت شده، اقدام به فریب دادن افراد می‌نمایند . چنانکه برای بسیاری از جاهلان اتفاق افتاد خداوند ما و تمام مؤمنین را از نیرنگ‌های شیاطین محفوظ بدارد.

۴-۴- تعیین وقت برای زمان ظهور

قباحت توقیت تا بدانجا می رسد که امام صادق (ع) می‌فرماید: «كذب الموقتون^۲». یعنی وقت گذاران دروغ گفته‌اند، مادر گذشته وقتی تعیین نکرده ایم و در آینده هم وقت نمی گذاریم. در

۱ - همو، کمال الدین و قیام النعمه ، ۲، باب ۴۳، ۵۱۲.

۲ - طوسی، محمدبن الحسن، الغیبة ، ص ۴۲۶.

روایت دیگری نیز به نقل از آن حضرت آمده ، فرمودند: « خداوند جز این نمیخواهد که زمانی را که تعیین کنندگان وقت معین میکنند خلاف آن را ظاهر سازد^۱. و « کسانی که عجله کردند هلاک و نابود شدند، اما کسانی که تسليم (اراده خداوند) هستند، نجات یافتند و به سوی ما باز میگردند^۲ .

با توجه به روایات فوق یکی دیگر از آسیب‌های مباحث مهدویت آن است که بعضی دنبال تعیین وقت زمان برای ظهور هستند . از رسول خدا (ص) نیز در مورد زمان ظهور که مانند : قیامت ، ناگهانی و غیرمنتظره است فرموده اند: « مثله مثل الساعۃ الی لایحیلها لوقتها إلّا هُوَ ثُلِّت فِی السُّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَأْتِیکُمْ إِلَّا بِغَتَّةٍ» یعنی: ظهور او قائم (ع) مانند قیامت است . تنها خداوند است که چون زمانش فرا رسید . آشکارش می‌سازد . فرا رسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است و جز به ناگهان بر شما نیاید^۳.

این دسته از روایات از یک سو هشداری است به شیعیان که در هر لحظه آمده ای ظهور حجت حق باشند و از سویی دیگر تذکری به همه‌ی کسانی است که در پی تعیین وقت برای ظهورند.

۴-۵- تطبیق علائم ظهور بر مصاديق خاص

در روایات فراوان نشانه هایی برای ظهور امام مهدی (ع) بیان شده است اما کیفیت دقیق و خصوصیات آنها روشن نیست و این بستری برای تحلیل ها و تفسیرهای شخصی و احتمالی گردیده است . واين جريان گاهی به یأس و نامیدی از ظهور می‌انجامد . برای مثال وقتی شخصیت سفیانی به فردی خاص که در فلان منطقه است تفسیر شود، درباره دجال، تحلیل های بی دلیل مطرح گردد و به دنبال آن بشارت ظهور در زمانی بسیار نزدیک به همگان داده شود پس از طی شدن سالیانی، امام (ع) ظهور نکند، عده‌ای به انحراف واشتباه گرفتار می شوند و در اعتقادات صحیح خود دچار تزلزل و تردید می گردند . در نتیجه اگر بخواهیم پیامدهای تطبیق علائم ظهور بر مصاديق خاص را به صورت اختصار بیان کنیم به شرح زیر می‌باشد:

۱- نامیدی و یأس در اثر عدم اتفاق ظهور

۲- بی اعتقادی افراد نسبت به اصل ظهور به دلیل عدم تحقق تطبیق‌های مطرح شده

۳- استهزاء و تکذیب باور مهدویت در نتیجه‌ی محقق نشدن ظهور

۱ - همو، ص ۴۲۶، کلینی ، محمدبن یعقوب، الکافی ، ص ۳۶۸.

۲ - طوسی، محمدبن الحسن، الغیبة، ص ۴۲۶

۳ - طوسی ، محمدبن الحسن، الغیبة ، ص ۴۲۵. صدوق، معبدین علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمۃ ، ج ۲ ، ص ۳۷۲.

۴- شک و تردید در اصل ظهور و روایات پیرامون آن

۴-۵- تلقی انحرافی از مسئله دیدار

میزان علاوه ها و دلبستگی های نابخردانه، وسطحی فرد وجهل وی سبب آسیب هایی در زمینه دیدار و ملاقات با حضرت ولی عصر(ع) گردیده است که مختصرأ به شرح آنها می پردازیم:

۴-۱- خرافه پردازی و راز زدایی

در این محور، آسیب های تربیت دینی، به طور کلی عبارت از : خرافه پردازی و راز زدایی است. خرافه پردازی هنگامی در تربیت دینی، آشکار می گردد که حقایق ماورای طبیعی دین، دست خوش عوام زدگی گردد . آسیب زایی خرافه پردازی، نه تنها از آن جهت است که این حقایق تحریف می گردد، بلکه همچنین از آن رواست که در افراد تحت تربیت، بلاهت را دامن می زند.

خرافه پردازی در زمینه مهدویت نیز، هم چون سایر معارف دینی، قابل گسترش است . به ویژه، از آنجا که امام زمان (ع) در غیبت به سر می برد، مطامع سوداگران و حامی عامیان و عوام زدگان، بستر مناسبی برای خرافه پردازی فراهم می آورد. نمونه هایی از این امر را می توان در داعیه های این و آن، بر رؤیت امام زمان (ع) یا رویاهای مربوط به آن حضرت ملاحظه نمود . هرچند امکان این امر، در اصل متفق نیست و برخی از اخبار، حاکی از رؤیت آن حضرت توسط بعضی از بزرگان بوده است^۱، اما اندک نیست قصه های بی بنیادی که در این زمینه پرداخته اند. از این رو، در برخی از روایات آمده است که هر کس ادعا کند با امام زمان (ع) ارتباط دارد، او را کذاب بدانید.

قطب دوم آسیب؛ یعنی راز زدایی نیز در زمینه مهدویت، رخ داده و رخ می دهد.

در راز زدایی، این گرایش وجود دارد که امور، همواره چون اموری طبیعی نگریسته شوند و ردپای هر امر ماورای طبیعی در آنها محو گردد . نمونه این مواجهه با مهدویت را می توان از جمله در مقدمه معروف ابن خلدون ملاحظه نمود . ابن خلدون که مالکی مذهب بود، امکان بی اعتبار شمردن اخبار مربوط به مهدی (ع) را نداشت، زیرا این اخبار در میان اهل سنت نیز رواج داشته است. اما وی کوشیده است بر اساس دیدگاه فلسفی خود در باب جامعه بشری، مهدویت را نفسی کند. از نظر وی، عصبیّت اساس حکومت و نظام اجتماعی بشری را می سازد و بر این اساس ، می گوید چون عصبیت فاطمی و به طور کلی، عصبیت قریش از میان رفته، ظهور مهدی (ع) از خاندان فاطمه (ع) و به پا داشتن حکومتی مقتدر و جهانی ممکن نیست . از این رو، وی به این

۱- به طور مثال، بنگرید به؛ صاف گلپایگانی، لطف الله، منتخب لاثر، الفصل الخامس، باب «فیمن راه فی الغيبة الكبرى».

تفسیر روی می آورد که مراد از ظهور مهدی (ع) پیدایش حکومتی مبتنی بر اتحاد قبایل سادات اطراف مدینه و حجاز است.^۱

آسیب‌زایی راززدایی از معارف الهی، نه تنها در این است که حقیقتی از نظر پنهان می ماند، بلکه هم‌چنین در این است که آثار تربیتی و تحول بخش آن در زندگی فردی و اجتماعی نیز فرصت بروز نمی‌نماید. راززدایی از مهدویت و تبدیل نمودن آن به یک واقعه عادی در کنار سایر وقایع عادی، همه آثار تربیتی فردی، اجتماعی و تاریخی این عقیده قدرتمند و الهام بخش را ز ایل می‌سازد. ظهور مهدی (ع) چون وعده‌ای حتمی و الهی، افق روشی برای بیدار نگاه داشتن امید عدالت و کوشش نمودن در راه تحقق آن وانتقاد نمودن از حاکمیت‌های جاری است. راززدایی از مهدویت، به منزله از میان بردن تمام این آثار گران‌قدر و تحول آفرین است.

اکنون این سوال مطرح می‌گردد که چگونه با این مشکل مواجه شویم؟

چنان که اشاره شد، حق باوری به معنای پذیرفتن معارف حق دینی است . حق باوری با خرافه‌پردازی متفاوت است، زیرا در اینجا تنها پذیرش حقایق یا اندیشه‌های مسلم دینی مورد نظر است، به علاوه، حق باوری با راز زدایی نیز متفاوت است. زیرا بسیاری از حقایق دینی و از جمله مهدویت رازآمیز است . در مسئله مهدویت، حقیقت‌هایی وجود دارد که راز آمیز است و پذیرفتن آنها لازمه تربیت دینی است . از جمله امور راز آمیز در مهدویت، خود مسئله غیبت بلند مدت حضرت مهدی (ع) است. هر چند پاره‌ای از حکمت‌ها برای غیبت ذکر شده، اما حکمت اساسی غیبت، ناآشکار است و از جمله اسرار الهی محسوب شده است که تنها پس از رفع آن، حکمت‌ش آشکار خواهد شد و این نکته، از جمله روایتی آمده است که در آن، عبدالله بن فضل از قول امام صادق (ع) می‌گوید: «همانا برای صاحب این امر، غیتی است چاره ناپذیر که هر فرد گمراهی در آن تردید می‌کند. پس گفتم: چرا چنین است فدایت گردم؟ ... ای پسر فضل، به راستی این امر از امور الهی، سری از اسرار خدا و غیبی از غیب‌های الهی است و هنگامی که دانستیم او حکیم است، تصدیق می‌کنیم که کارها و سخنان او همه حکمت است، هر چند که دلیل آن برای ما آشکار نباشد».^۲.

۱ - هم‌چنین بنگرید به: مقدمه مترجم، آیه الله کمره‌ای بر کتاب محمدبن یعقوب، کلیی، الکافی.

۲ - صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمۃ، ج ۲، باب ۱۴، ص ۴۸۱؛ طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۷۶.

جنبه رازآمیز دیگر ، شکل زندگی مهدی (ع) و قیام ناگهانی وی است. در احادیث، به هنگام اشاره به شکل زندگی مهدی (ع) شباهت وی بلویوسف نبی (ع) مورد توجه قرار داده شده که برادران وی به هنگام مواجهه با او در زمان حاکمیتش در مصر، وی را نشناختند. یزید کناسی از قول امام محمدباقر(ع) می‌گوید: « صاحب این امر را با یوسف شباهتی است ، او فرزند کنیزی سیه چرده است، خداوند کار او را یک شبه برایش اصلاح می‌کند. »^۱

زرارة بن اعین به نقل از امام صادق (ع) می‌گوید: «شنيدم از حضرت که فرمود ... او منتظر کسی است که مردم در ولادتش شک می‌کنند،، جز آنکه خدای تعالی را دوست می‌دارد که شیعیان را امتحان کند و در این وقت است که باطل جویان شک کنند »^۲ با توجه به روایت فوق یکی از رازهای غیبت حضرت مهدی (ع) امتحان شیعیان از جانب خداوند تعالی می‌باشد. عده‌ای که قصد راززادایی دارند به نشر اخبار کاذب (امام مرده، هلاک شده و ...) و یأس و نامیدی را در متظران حضرت به وجود می‌آورند و این نامیدی باعث بی پناهی منتظر می‌گردد. و منتظر وقتی خود را بی‌پناه دید بی هدف نیز می‌گردد و این عامل خود مانع بزرگی برای تأثیرات معنوی حضرت در جریان تربیتی فرد، ایجاد می‌نماید و در واقع نشر اخبار کاذب سبب پرورش مدعیان دروغین مهدویت نیز گردیده و افراد وجود حضرت را در افراد دروغین خواهند دید.

۴-۵- پیروی از مدعیان مهدویت

یکی از دیگر آسیب‌های معارف مهدویت، ظهور مدعیان دروغین در این جریان مقدس است. در طول سالیان غیبت امام مهدی (ع) افرادی به دروغ ادعا کرده‌اند که با آنحضرت، ارتباط خاص دارند یا به نیابت خاص از طریق حضرت رسیده اند. امام زمان (ع) در آخرین نامه خود به نایب چهارم، تصريح فرموده‌اند: « تو تا ۶ روز دیگر از دنیا خواهی رفت، کارهایت را سامان ده و درباره جانشینی از خود، به هیچ کس وصیت نکن که غیبت کامل فرا رسیده است . و در آینده بعضی از شیعیان من ادعای مشاهده (درارتباط با من) می‌کنند. آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی وصیحه آسمانی ادعای مشاهده کند دروغگو است »^۳ (توضیح اینکه مقصود از مشاهده همان نیابت است نه صرف دیدار) چون فرقه‌ها با نام‌های مختلفی در هر عصر و زمانی ظهور می‌نمایند، دیگر

۱ - نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغيبة ، باب ۱۰ ، ص ۱۶۳.

۲ - قال الامام الصادق (ع) : « و هو المُنْتَظَرُ و هو الَّذِي يُشَكُّ النَّاسُ فِي ولادتِه ...غَيْرُ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ يَتَحَمَّلَ الشَّيْءَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَرْتَابُ الْبَطَلُونُ » صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمة ، ج ۲ ، باب ۳۳ ، ص ۳۴۲

۳ - نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغيبة ، ص ۲۰۱؛ مجلسی، معجباقر ، بخار الانوار، ج ۵۲ ، ص ۱۸۳ و ۲۴۹.

به نام آنها اشاره نمی نمائیم. با مطالبه تاریخچه این گروهها روشن می شود که بسیاری از آنها با پشتیبانی و حمایت استعمار به وجود آمده و به حیات خود ادامه داده اند. روشن است که ، شکل‌گیری فرقه‌ها و گروههای منحرف و پیوستن واعتماد کردن افراد به مدعیان^۱ مهدویت، در جهل و نادانی افراد ریشه دارد . شوق فراوان به دیدار امام زمان (ع) بدون معرفت و آگاهی کافی نسبت به آن حضرت و غفلت از وجود شیاذان در این عرصه، زمینه ساز ارتباط با مدعیان دروغین می‌گردد، بنابراین شیعیان منتظر باید با آگاهی کافی از معارف ناب مهدویت خود را از دام نیرنگ - بازان حفظ کنند و با پیروی از علمای متعهد شیعه در مسیر روشن مکتب گام بردارند.

۴-۵-۳- بدون هدف بودن دیدار

تجربه نشان داده کسانی بدون داشتن معرفت، آثار و لوازم آن صرفاً با نیت خالص خود و احساس و عاطفه در مسیر عشق و ارادت امام زمان (ع) می‌افتد اما به دلایل مختلف در اثر وسوسه های شیطانی، از مسیر اولیه خود دور شده، به انواع و اقسام انحرافات عقیدتی و اخلاقی مبتلا می‌گردد و در پایان با تحمل شکستهای جبران للبذری، سرخورده گشته و دیگر هیچگاه در آن مسیر قرار نمی‌گیرند. بنابراین مطلوب ترین حالت این است که انسان با طلب کردن معرفت رسمی در عمل به آن از قبیل انتظار فرج، تقوا، ورع و مانند آن ، ظرفیتی پیدا کند که بتواند حد بالای محبت و شیفتگی را با ادای تکالیف فردی و اجتماعی در خود جمع کند.

۱- انگیزه‌های مدعیان دروغین

با توجه به روایات، مدعیان دروغین سبب گمراهی افراد می گردند. برای شناختن بهتر این افراد مدعی و نجات از فتنه های آنان به انگیزه‌های مدعیان اشاره خواهیم نمود:

الف - ثروت اندوزی یکی از مهمترین راههای نفوذ شیطان ثروت است . بسیار مشاهده شد افرادی برای آنکه اموال امام زمان (ع) را به وکیل و نایبده واقعی اش تحويل ندهنند، ادعای نیابت نموده‌اند.

ب - توهمندی برخی در توهمات فرو رفته، خرد را از دست می دهند، ادعاهای گراف بر زبان می رانند و جمعی نادان را پیرامون خویش گرد می - آورند و ادعای نیابت و مهدویت می‌نمایند.

ج - جاه طلبی: غرور اشتیاق به بزرگ شدن و خودگایی از صفات مذموم اخلاقی است که انسان را به سمت کارهای خطرنانک می کشاند و از آنجا که مسئله نیابت امام زمان (ع) موقعیت ویژه اجتماعی برای فرد ایجاد می کند و احترام و فرمائبرداری مردم را به ارمغان می آورد، برخی از فرومایگان برای جبران ضعف روحی خود، ادعای نیابت می کنند، البته گاه حسادت در برای بزرگان سبب جاهطلبی است.

ح - شهوت رانی: گمراهی و گرایش به محramات و شهوت رانی ، برای ترویج مفاسد اخلاقی و جنسی سبب ادعاهای بسیاری در افراد منحرف گردیده است.

۴-۵- افراط و تفریط در نقل تشرفات

نقل تشرفات موجب سوء استفاده هایی گشته، اما اگر قضاوت در مورد آن به طور کلی مسدود گردد. نیز موجب آثار منفی مخرب و زیان باری گردیده، افرادی که هستی خود را گرو عشق به آن حضرت می دانند عواطف آنان خدشه دار می گردد و انتظار برای آنان نامفهوم. در بحث ملاقات نیز باید دلایل محکمی را پذیرفت فردی کاملاً موثق مورد اعتماد، با ایمان و پارسا با قرینه های مطمئن و شواهد یقین آور می تواند به نقل از تشرف خود آن حضرت سخن گوید . همیشه از مهمترین مسائل سازنده، از سوی بعضی بدترین سوء استفاده ها شده است. افراد نادرست گناهکار آلوهه تحت عنوان مسایل مربوط به مهدویت ، گاهی افراد را اغفال می کنند و سوء استفاده می کنند. در مجالس می آیند می گویند چشم هایتان را بیندید که حضرت مهدی (ع) آمد و بوی حضرت مهدی (ع) را می شنویم و دیشب حضرت مهدی (ع) را دیدم و مانند آن. این گونه برخوردها یا ناشی از فکر کوتاه است و یا توطئه ای در کار است که می خواهند ابهت مسئله را بشکنند و خراب کنند. در واقع آن چه مهم است این است که غیبت نباید مانع از ارتباط معنوی و پیوند روحانی بین ما و امام عصر (ع) باشد که مه متر از دیدن و ملاقات، به دنبال تحقق اهداف ایشان بودن و زمینه را برای ظهورشان فراهم کردن است . در روایتی از امام زمان (ع) نقل شده که می فرمایند: «**فليعمل كلّ امرى منكم بما يقرب به من محبتنا و يتجرّب عمّا يدعى به و من كراحتنا و سخطنا**^۱» یعنی: هر یک از شما باید کلری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک نموده و از آن چه خوشایند ما نباشد و باعث کراحت و خشم ما می گردد، دوری گزیند».

۶- تلقی انحرافی از مسئله انتظار

برداشت مفهوم غلط از انتظار سبب شده است که بعضی گمان کنند چون اصلاح جهان از فسادها به دست امام عصر(ع) خواهد بود. افراد باید برای ترویج بدی ها و زشتی ها در جامعه اقدام نمایند و این اندیشه نادرست و جوب امر به معروف و نهی از منکر را زیر سؤال می برد. امام خمینی در نقد این دیدگاه فرموده اند: «ما اگر دستمنان می رسید و قدرت داشتیم باید برویم تمامی ظلم ها و جورها را از عالم برداریم تکلیف شرعی ماست . منتهی ما نمی توانیم، این که هست این است که حضرت مهدی (ع) عالم را از عدالت پر می کند، به این معنا نیست که شما از تکلیف بله دست بردارید و دیگر تکلیفی ندارید» .

۱- مجلسی، محمد باقر، بخار الانوار ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۲- بنگرید به: خیینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۹۶.

۶-۱- عدم کنترل هواهای نفسانی

کچ رویها و انواع انحرافات اخلاقی در رفتار فرد همچون فساد، فحشا، اعتیاد و مانند آن او را گمراه نموده و وجود کمبودهای معنوی چون : کینه‌ها، حسد، کذب و مانند آن سبب تقویت هواهای نفسانی و قساوت قلب در افراد می‌شود. فردی که دچار کینه و حسد و انواع انحرافات اخلاقی چون غفلت، غضب و غرور گردیده، در روح خود جایی برای معنویات و پیروی از امام عصر خود قرار نداده و آنچنان سرگرم هواهای نفسانی خودمی گردد که کاملاً از توجه معنوی به حضرت غافل می‌ماند. از باب نمونه : خداوند در آیه‌ای در قرآن کریم می‌فرماید: «ای رسول ما می‌نگری آن را که هوای نفسش را خدای خود قرار داده، و خدا او را دانسته (پس از اتمام حجت) گمراه ساخته و مهر (فهر) برگوش و دل او نهاده و برچشم وی پرده ظلمت کشیده (لذا سخن خدا را نمی‌شنود و فکر در عاقبت خود نمی‌کند و آیات الهی را به چشم مشاهده نمی‌نماید^۱).

بنابراین از مهمترین عواملی که سد راه وصال و موجب دوری از آن حضرت می‌باشد عبارتند از: هواپرستی، دنیازدگی یا دلبستگی به دنیا، پای بند نبودن به عهد و پیمان، گناه و خطأ، انحراف در جمع مال ، قطع رحم و کوتاهی در پرداخت سهم مبارک امام (ع) و مانند آن.

در دوران غیبت امام زمان (ع) آنقدر حرامهای زیبانما (اعم از مال، قدرت و مانند آن) زیاد می‌شود که گویی عقل تباہ گردیده و از انسان مفارقت می‌کند و او با خواسته‌های نفسانی اش تنها می‌ماند. این هواپرستی‌ها و گناهان سبب انحراف فرد می‌شود. به عنوان مثال: حتی جعفر فرزند امام هادی (ع) را از راه و رسم پدران گرانقدرش منحر ف ساخته و کارش به جایی می‌رسد که امام حسن عسکوی (ع) او را برادر، یار و محروم اسرارخویش نمی‌انگارد. جعفر به دلیل آرزوها، اهداف و نقشه‌های جاه طلبانه‌اش خود را وارث و جانشین امام معرفی می‌کرد. درنتیجه هوای نفس، همانا از حق باز می‌دارد.^۲

۶-۲- عدم امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر همان واجبی است که قرآن کریم بر آن تأکید ورزیده و از بهترین مراتب آن این است که رئیس حکومت و کارگزاران آن امر کننده به خوبی‌ها و بازدارنده از

۱ - خداوند می‌فرماید: «أَفَرَأَيْتَ مِنْ أَنْخَذَ الْهُوَى وَ اخْلَأَ اللَّهَ عَلَى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غَشَاوةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» جانیه، ۲۳ و ۲۴.

۲ - قال رسول الله (ص): «إِنَّ أَخْوَافَ مَا أَخَافَ عَلَى أَمْتَقَى الْهُوَى وَ طَوْلَ الْأَمْلِ ، أَمَّا الْمُدْهِي فِإِلَهُ يَصْدَّ عَنِ الْحَقِّ ، وَ أَمَّا طَوْلَ الْأَمْلِ فَيَنْسِي الْآخِرَة ، وَ هَذِهِ الدِّينِيَا قَدْ ارْتَحَلَتْ مَدِيَّة ، وَ هَذِهِ الْآخِرَةُ قَدْ ارْتَحَلَتْ مَقْبِلَة...» صدوق ، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، الخصال ۱ ، ص ۵۲.

زشتی‌ها باشند. یکی از عواملی که امروزه بسیار سبب گسترش فساد و تباہی اخ لاقی افراد گشته، بی‌تفاوتی و بی‌اهمیتی آنها نسبت به اعمال زشت یکدیگر است و ترک امر به معروف ونهی از منکر خود باعث گسترش گناهان می‌گردد و فردی که آلوده به گناه است از ارتباط معنوی با امام عصر محروم می‌ماند. چرا که گسترش گناهان خود سرپیچی از اوامر و دستورات امام (ع) می‌باشد. امام باقر (ع) فرمودند: «المهدی و أصحابه ...يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر^۱» یعنی مهدی و یاران او امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. بنابراین تنها راه حل مبارزه با فساد و رذائل اخلاقی، احیاء امر به معروف و نهی از منکر است.

۶۵- سبک شمردن گناهان

یکی از عواملی که خود سبب بسیاری از رذائل اخلاقی می‌گردد، سبک شمردن گناهان است. گناهی که سبک شمرده شود تکرار شده و سبب تشویق به انجام گناهان دیگر نیز می‌گردد. و فرد گناهکار کم از ارتباط معنوی خود با امام زمان (ع) می‌کاهد. محمدبن مسلم ثقفی به نقل از رسول خدا (ص) می‌گوید: «گفتم یابن رسول الله قائم شما کی خروج می‌کند؟ فرمود: آنگاه که مردان به زنان تشبه کنند و زنان به مردان و مردان به مردان اکتفا کنند...و مردم خونریزی و ارتکاب زنا و رباخواری را سبک شمارند و از اشرار به خاطر زبانشان پرهیز کنند^۲.» بلتوجه به روایت فوق در دوران غیبت گناهان بسیار می‌شود (ارتکاب به گناهانی چون زنا، خونریزی، رباخواری و بدزبانی). سبک شمردن وعادت کردن به این گناهان خود باعث قطع توجه معنوی فرد نسبت به امام مهدی (ع) خواهد شد. چنین فردی سرانجام حتی وجود حضرت را به مسخره می‌گیردو آن حضرت را انکار می‌نماید. چنان که در روایتی به نقل از امام جواد (ع) آمده که فرمودند: «شکاکان انکارش کنند و منکران استهزا اش کنند^۳.

گاهی افراد بر اثر ارتکاب به گناهان و اعمال زشت، دچار بیماریهای روحی و روانی بسیاری می‌گردند. و گاهی فرد بیمار توجهش نس بت به حضرت بسیار کم می‌گردد. در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند: «هنگامی که حضرت قائم (ع) قیام کند، خداوند بیماری‌ها

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۷۶؛ کلینی، محمدبن یعقوب، الکاف، ج ۵، ص ۵۵. قال أی عبدالله (ع) : «وَيُلْقَى قَوْمٌ لَا يَدِينُونَ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهِيِّ عَنِ الْمُنْكَرِ» همو، ج ۵، ص ۵۶

۲- قال الرسول الله (ص): «إِذَا تَشَبَّهَ الرِّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ ، وَ اكْتَفَى ، وَ إِسْتَحْفَفَ النَّاسُ بِالدَّمَاءِ وَ ارْتَكَابَ الزِّنَا وَ أَكْلَ الرِّبَا وَ اتَّقَى الْأَشْرَارَ مَحَافَةَ السَّنَمِ» صدقوق، همو، کمال الدین و تمام النعمه ج ۱، باب ۳۳۱، ح ۱۶.

۳- قال الامام جواد (ع) ::«يُنَكِّرُ الْمُرْتَابُونَ وَ يَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِ الْجَاهِدُونَ» نعماقی، محمدبن ابراهیم، الغیبة، ص ۲۲۵.

را از مؤمنان دور می‌کند و تندرستی را به آنان باز می‌گرداند.^۱ امروزه ثابت شده نه تنها جسم بلکه روح نیز دچار بیماری می‌گردد. که این بیماریها گاهی ناخواسته و اثر آفات در عمل فرد می‌باشد. اکنون به عنوان راه حل نکاتی را به فرد متظر یادآوری می‌نماییم.

الف - افرادها هنگام عمل دقت نمایند که دچار چشم هم چشمی نگردند، چرا که امروزه این چشم هم چشمی باعث غفلت افراد و گرفتاری آنان در دام تجملات گردیده است. فرد متظر همواره باید موقع سپاس از دیگران را نداشته باشد، در این صورت است که تا حد ایثار حرکت می‌کند.

ب - متظر همواره مواطن رفتار خود باشد که تا در دام غرور و خود خواهی نیافتد، متظر با شناخت خصلت‌های عمل، کارهای خوب را کم و کارهای شرش را زیاد بشمرد. (لیس للانسان إلّا ماسعی)^۲ چون خیری که زیادش می‌بینی، عقیم می‌ماند و شری که اندکش می‌شماری فزوونی می‌یابد.

ج - زمان و مکان مناسب برای عملش را باید اگر خونهای تو این در روز تاسوعاً به حسین می‌رسید، شاید عاشورایی پیش نمی‌آمد. «سارعوا إلی مغفرة من ربکم»^۳.

د: متظر از افراط و تفریط باید بپرهیزد و از سنت جدا نشود «لأنية إلّا باصابة السنة»^۴.
م: جهت و هدف عمل متظر باید مشخص باشد (من أبدى صفحته للحق هلك)^۵ کسی که رودر روی حق حرکت کند هلاک می‌شود.

ر: متظر به ظاهر عمل خود مغorer نشود که ارزش عم ل متناسب با نیت است (حاسبوها قبل أن تحاسبوا، نه حاسبوا أعمالكم)^۶ یعنی نیتهای خود را محاسبه کنید.

۶-۴- تبلیغات سوء محیط

این تبلیغات منظور همان آثار سوء محیط و همنگ شدن با جماعت است. فرد در دوران غیبت در محیطی زندگی می‌کند که در آن بسیاری از گناهان آشکار را صورت گرفته و امری طبیعی

۱- بنگرید به: محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه عقاید اسلامی، ترجمه‌ی ، مهدی مهریزی، ج ۱، بیماریهای روانی.

۲- نجم، ۳۹.

۳- آل عمران ، ۱۳۳.

۴- حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، ص ۴۳.

۵- مفید، الارشاد، ج ۱ ، ص ۲۳۹؛ نهج البیان، ص ۵۰۲

۶- نهج البیان، خطبه، سطر ۸، ۹۰

محسوب می گردد. بسیاری از افراد ناخودآگاه به خاطر عادت به امور سوء محیط، همنگ جماعت شده و این امر را به روز بودن یا پیشافت و یا همراه بودن با تکنولوژی محسوب می نمایند در حالیکه اصلاً به خطرات آن توجهی ندارد . اگر فرد به عمق معنای برشی روایات توجه نماید به راحتی اسیر انحرافات زمان غیبت نمی گردد. انحرافاتی چون شایعه پراکنی ها، تهمت‌ها، به مسخره گرفتن احکام دینی و مانند آن . از امام علی(ع) نقل شده است که فرمود: « در آخر الزمان و نزدیک شدن قیامت، که بدترین زمانها است، زنانی ظاهر می شوند که برهنه و لخت هستند، زینت های خود را آشکار می سازند، به فتن‌ها داخل می شوند و به سوی شهوت ها می گرایند، به سوی لذت ها می شتابند، حرام‌های الهی را حلال می شمارند و در جهنم جاودانه خواهند بود»^۱ در روایت فوق فساد زنان به تصویر کشیده و در روایتی دیگر به نقل از امام صادق (ع) فساد مردان .

فرد منتظر باید مراقب تأثیر محیط بر رفتار و اعمال خود باشد . و در انجام فرائض خود کوتاهی ننماید تا توان مقابله با آسیب‌های مهلك در زمان غیبت حضرت مهدی(ع) را داشته باشد. و به این باور برسد که با توجه به روایات، گناهان و اعمال ناپسند در زمان غیبت بوضوح و وفور به چشم می خورد و نباید به ارتکاب آن اعمال ناپسند عادت نماید . منتظر با توکل بر خداوند و پیروی از قرآن و فرمایشات اهل بیت (ع) می تواند از بسیاری از آثار سوء محیط محفوظ بماند. این آثار سوء یا از طریق افراد جاہل در جامعه گسترش یافته و یا از طریق عده ای غرض ورز . غرض ورزان همان دشمنان خدا و ائمه معصوم (ع) می باشند که به تخریب پایه های فکری افراد پرداخته و فیلمهای تصویری و صوتی حتی بازیهای کودکان را در جهت تخریب حضرت مهدی (ع) قرار داده‌اند.

در روایتی به نقل از امیرالمؤمنین آمده که حضرت فرمودند: «پس از یکصد و پنجاه سال شما را فرمانروایانه کافر، امینانی بظاهر، که خیانت پیشه اند و بازرسانی که خود فاسق اند خواهد بود. در نتیجه بازرگانان سیار، سودها اندک می شود ربا رواج می یابد و زنازادگان فراوان می گردند و

۱ - قال الامام علی (ع) « يظهر في آخر الزمان و اقرب الساعة ، هو شرّ الازمة نسوة كاشفاتٌ عارياتٌ متبرجاتٌ من الدين داولاتٌ في الفتن مائلاتٌ إلى الشهوات مسرعاتٌ إلى اللذات مستحللاتٌ للمرحوماتُ في جهنم خالداتُ ، صدوق، محمدبن علي بن حسين بن بابويه قمي، من لا يحضره القبيه، ج ۳، ۳۹۰، جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۳ هـ.ق؛ طبرسى، رضىالدين حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ هـ.ق.

زنگاری زیاد می شود و معارف دین ناشناخته می ماند، زنان به زنان بستنده می کنند و مردان به مردان^۱.

در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: «برای صاحب این امر غیبی خواهد بود که هرکس در آن زمان بخواهد متمسک به دینش باشد و دینش را حفظ کند، مانند کسی است که بخواهد شاخه پر از خار قتاد را با دستش بتراشد^۲». قتاد در این روایت نام درختی است که در مناطق بیابانی می روید و خارهای بسیاری شبیه به سوزن دارد. کنند یا تراشیدن آن با دست، کار بسیار دشوار و سختی است در عرب تراشیدن درخت قتاد با دست، کنایه از این است که انجام این کار بسیار دشوار و سخت است. فرد متظر در دوران غیبت در شرایط بسیار سختی بر دین خود باقی می ماند، مانند کسی که خار قتاد^۳ را با دست خود در تاریکی شب بتراشد. اگر به عمق معنای خارهای شاخه این درخت توجه نماییم می بینیم که چه بسیار گناهانی که در محیط ما هر لحظه به وقوع می پیوندد و ما شاهد آن، همراه با آن، یا عامل آن شده ایم. و این همراهی گناهان برای ما به علت (انجام آن توسط بسیاری از افراد جامعه و عادی شمردن آن ها) ثواب یا امری طبیعی شمرده شده است. پس اگر متظر به فهم صحیح روایات بپردازد . به راحتی اسیر انحرافات زمان خود و شایعه پراکنی ها و تهمت ها در قبال حضرت نخواهد شد. چنان که از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: «زمانی بر مردم درآید که گداخته شوند^۴» یعنی: دینداری را به آتش در کف گرفتن شبیه کرده است.

در نتیجه یکی از موانع تأثیرگذاری اعتقاد به حضرت در اصلاح فرد، عادت کردن افراد به آثار سوء محیط پیرامون خود می باشد.

۱- نعماقی ، محمدبن ابراهیم^۱ الغیبه ، پاپ ۱۴ ، ص ۲۴۸.

۲- طوسی ، محمد ابراهیم ، الغیبه. ص ۴۵۵.

۳- در روایت نیز از امام صادق (ع) آمده که فرمود: «صاحب این امر را غیبی هست که در زمان آن غیبت به دین خود چنگ بزنند مانند کسی است که به دست خود از سر درخت قتاد (و آن درخت نیوگی است لکه خارها دارد مانند سوزن) بگیرد و دستش را به قصد شکستن و ریختن خارهای آن به سمت پایین بکشد. آنگاه همه خارها به دست وی فرو می روند این است معنی خرط قتاد و این مثلی است که در خصوص امر مشکله گفته می شود یعنی: حفظ دین در زمان غیبت مانند این دشوار است بعد از آن به دست مبارکش به خرط قتاد اشاره نمود، بعد از آن فرمود که صاحب این امر را غیبی است، در آن وقت بنده ی تقوی الہی را باید بر خورد لازم بدارد و به دین خود چنگ بزنند « کلیی ، محمدبن یعقوب ، الکافی ، ج ۱ ، ص ۳۳۵؛ صدوق ، محمد بن علی بن حسین بن یابویه قمی ، کمال الدین و تمام النعمه ، ج ۲ ، باب ۳۳ ، ص ۳۴۶. یا در روایت دیگر آمده: «هرکس از سر دین خود باشد مانند کسی است که اخگر درخت غضا را در دستش نگه دارد ». صفار، محمدبن الحسن، بصائر الدرجات، ص ۸۴ ح ۴، جزء ۲، باب ۱۴.

۴- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵.

در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «...مردم همچون واژگون شدن کشته در دست امواج دریا زیر و رو خواهند شد تا اینکه هیچکس نجات نیابد مگر آنکس که خداوند از او پیمان گرفته وایمان را در دل او نقش کرده و با روحی از جانب خود تأییدش فرموده باشد».^۱

در روایتی به نقل از امام علی (ع) نجات یافتگان در آثار سوء محیط دوران غیبت به تصویر کشیده شده است و آن زمانی است که از فتنه ها نجات نمی یابند، مگر مؤمنانی که بی نام و نشانند. اگر در حضور باشند، شناخته نشوند و اگر غایب گردند، کسی سراغ آنان را نمی گیرد. آنها برای سیرکنندگان در شب ظلمانی جامعه ها، چراغ های هدایت و نشانه های روشن اند. نه مفسده جو هستند و نه فتنه انگیز. نه در پی اشاعه فحشا یند و نه مردمی سفیه و لغوگو. اینانند که خداوند درهای رحمتش را به سوی ایشان باز می کند و سختی ها و مشکلات را از آنان برطرف می سازد.^۲ در روایت فوق اعمال نیک افراد پرهیزگار آنان را از آثار سوء محیط اطراف خود در زمان غیبت حفظ می نماید.

آثار سوء دوران غیبت در روایتی به نقل از امام صادق (ع) « به جمع شدن علم همچون چنبزدن مار در لانه خود »^۳ و در روایتی دیگر از آنحضرت به توهین شیعه به یکدیگر « پارهای افراد دیگری را دروغگو پندارد و بعضی در روی بعضی آب دهان اندازند »^۴ اشاره شده و در روایتی نیز به نقل از امام باقر(ع) افراد را از بازیچه شدن در میان گروهها و عقاید فاسد بر حذر می دارد و فرد منتظر را همچون جوجهای می داند که پرواز کند و از آشیانه خود فرو افتاد و کودکان با آن به بازی پردازند یعنی دستخوش بازیچه کودکان شود^۵.

در روایتی چاره کار برای منتظر پیروی از اهل بیت (ع) عنوان شده و از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند: « بنگر هرگاه روز و شب را گذرانیدی که امامی در آن از آل محمد برخود ندیدی، پس هر که را دوست می داری همچنان دوست بدار و هر که را دشمن می داری همچنان دشمن بدار، و ولایت هر که را داری ولایت هم او را داشته باش و شبانه روز منتظر فرج و گشایش باش^۶ باش »^۷ در روایت دیگری نیز از آنحضرت نقل شده که چاره کار را در خواندن دعا و توسل بر

۱- نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبة، باب ۱۰، ص ۱۵۱، ۱۵۲.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

۳- نعمانی، همو، الغیبة، ص ۱۵۹، طوسی، محمدبن الحسن، الغیبة، ص ۳۴۱.

۴- نعمانی، همو، ص ۲۰۵، ح ۹.

۵- مازندرانی، محمد، ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۲۵۹، موسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ هـ. ق.

۶- نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیبة، ص ۱۵۸.

ائمه(ع) عنوان نموده است. «چگونه بسر خواهید برد اگر در حالی قرار بگیرید که در آن امامی راهنمای و نشانه‌ای چشمگیر نبینید، پس هیچکس از آن سرگردانی رهائی نمی‌یابد مگر آنکس که بدعائی همچون دعای غریق دست نیایش بردارد، پدرم گفت: بخدا قسم این بلا است فدایت شوم، در چنین وضعی چه کنیم، فرمود: هرگاه چنین شود، البته تو آن زمان را هرگز در نمی‌یابی، پس بدانچه در دست دارید بیاویزید (جدا نشوید) تا وضع بر شما روشن گردد^۱.

در روایتی نیز چاره کار بر شیعیان صبوری و پرهیزگاری عنوان شده و از علی بن حسین (ع) نقل شده است که فرمودند: «حتماً شما از زخم زبان آنان که پیش از شما برآنان کتاب آسمانی نازل شده و از مشرکین آزار فراوانی خواهید دید و اگر صبر کنید و پرهیزگار باشید همانا آن سبب نیرو و موفقیت در کارها است^۲.

اگر باور نمائیم که در شرایط سخت و ناگوار آخرالزمان قرار داریم . به راحتی از کنار گناهان و محیطهای آلوده نمی‌گذریم و با دقت تمام و توسل به حضرت ولی عصر (ع) راه درست را از نادرست تشخیص خواهیم داد. منتظر باید خطر هلاکت امر دین خود را جدی بگیرد، همانطور که در امور جسمی و مادی خود به هنگام خطر، با احتیاط برخورد می‌کند باید در امر دین خود از موارد شبهه ناک بپرهیزد. در مسائل معنوی نیز باید اهل تسامح باشد. چرا که متأسفانه بسیاری از افراد به غلط بر این پندارند که باید در امر دین سخت گرفت و خداوند خودش می‌بخشد.

۴- پیشگیری و مبارزه با آسیب‌های مباحث مهدویت

به طور خلاصه در روایات راه حلها برای رفع موانع و آسیبهای مهدویت اشاره شده، اکنون به صورت خلاصه‌وار به آنها اشاره می‌نماییم:

۱- مهمترین و اصلی‌ترین راه مبارزه ، حساسیت علماء و اندیشمندان در برابر ورود خرافات و مبارزه‌ی جدی، به موقع و م مؤثر با این آسیب هاست. پس به رفع ضعف تمامی شیوه‌های پیام رسانی می‌پردازیم.

۲- یافتن علم و بصیرت در حوزه‌ی سیاست، دشمن شناسی و باخبری از آنچه در عرصه‌ی سیاست و جامعه رخ می‌نماید، دست پنهان استکبار و سیاست ب ازان را در ایجاد فرقه‌ها و گروه‌های منحرف و مانند آن در جامعه اسلامی آشکار می‌کند.

۱- همو، ص ۱۵۹.

۲- همو، ص ۲۸۹.

۳- آشنایی با دین و سیره اهل بیت (ع) در بسیاری از انحرافات انسان را بیمه می کند چنانکه در روایتی امام رضا (ع) نقل شده که فرمود: « و تقوای الهی را برخود لازم دارید، دنیا شما را فریب ندهد و فریفته مشوید به کسانی که چند روز در دار دنیا مهلت داده شده اند ، گویا که امر بهدست شماها رسیده ، یعنی: گویا قائم (ع) ظهور نموده و امر خلافت به شما رسیده است.»^۱

۴- با توجه به روایات حفظ زبان و خانه نشینی یکی از راه حلهای پیشنهادی برای دفع آسیب - هایی است که فرد متظر ممکن است دچار آن گردد . در روایتی جابر به نقل از رسول خدا (ص) می گوید گفتم « یا ابن رسول الله، برترین عملی که در آن زمان (دوران غیبت) مؤمن انجام می دهد چیست؟ فرمود: حفظ زبان و خانه نشینی »^۲ با توجه به روایت فوق، از آن جائی که عامل نشر بسیاری از تهمتها، غیتها و گناهان و تلقی های انحرافی از مباحث مهدویت در جامعه از راه زبان افراد می باشد. پس کنترل زبان در دوران غیبت، امر به جا و مناسبی می باشد لذا خانه نشینی را می توانیم همان دور شدن از محیطهای فاسد و آلوده (دوران غیبت) تفسیر نماییم. البته باید مراقب باشیم در فهم این روایت دچار کج فهمی نگردیم و خانه نشینی را گوشه گیری و بی توجهی به مسائل اطراف خود تفسیر ننماییم . شاید منظور از خانه نشینی شرکت نکردن در مجالس لهو و لعب ، میهمانیهای ناسالم و مکانهایی مانند آن باشد. فرد متظر با توجه و دقت تمام باید با حضور فعال در جامعه مراقب اعمال و رفتار و مکانهای پر رفت و آمد خود باشد تا از این طریق بتواند قدمی در راه زمینه سازی ظهور حضرت مهدی(ع) برداشته و حضرت را یاری نماید.

۵_ دعا

شیعه به لطف پروردگار و با مداومت در دعا از بلاها و زشتیها و آلودگی های زمان (غیبت) در امان می ماند. چنان که در روایتی ابوعلی از شیخ ابو جعفر عمری نقل نموده که ایشا ن فرمودند: « این دعا را شیخ ابو جعفر عمری برای من املأ فرمود و امر کرد که آن را بخوانم و آن دعای غیبت قائم(ع) است . بارالها مرا به مرگ جاهلیت نمیران و قلبم را پس از هدایت منحرف مساز، بارالها به واسطه غیبت طولانی اش و بی خبری ما از او یقین ما را سلب مکن و یا دو انتظار و ایمان و قوت یقین ما را در ظهورش و دعا و درود ما را بر او از خاطر ما میر، بارالها، براو بر پدران امام و طاهرش و همچنین بر شیعیان برگزیده آنان درود فرست و آنها را به آمال خودشان برسان و این را

۱- الحمیری، عبدالله بن جعفر، القرب الاصناد ، ص ۱۶۸، احادیث المروی عن الرضا (ع).

۲- قال الرسول الله (ص) : « حفظ اللسان لزوم البيت » صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه ، ما اخبر به الباقر (ع)، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۵.

از ناحیه ما خالص از هرگونه شک و شبّه و ریا و شمعه قر
ار بده تا به غایتی که غیر تو را
نخواهیم و جز وجه تو را نجوئیم^۱. در روایتی به نقل از امام صادق (ع) آمده که فرمود: «... از آن
شبّه‌ها نجات نمی‌یابد مگر کسی که به ادعای غریق دعا بکند... فرمود که : چنین می‌گویی: «یا الله
یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب والأبصار ثبت قلبی علی دینک».^۲

۶ - فهم صحیح دین در دوران غیبت

خداؤند در قرآن کریم می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِّيعُوا الرَّسُولَ وَ اولى الأمر منكم**
فَإِن تنازعتمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كَتَمْتُمْ نِعْمَةَ اللَّهِ وَ الْيَوْمَ الْآخِرُ ذَلِكُ خَيْرٌ وَ
أَحْسَنُ تَأْوِيلًا» یعنی: ای اهل ایمان، از خدا اطاعت کنید و (نیز) از پیامبر و صاحبان امر خودتان
(که امامان از اهل بیت‌اند و چون پیامبر دارای مقام عصمت می باشند اطاعت کنید و اگر درباره
چیزی (از احکام و امور مادی و معنوی و حکومت و جانشینی پس از پیامبر (ص)) نزاع داشتید،
آن را برای فیصله یافتنش اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، به خدا و پیامبر ارجاع دهید، این
(ارجاع دادن) برای شما بهتر و از نظر عاقبت نیکوتر است . در روایتی به نقل از پیامبر اکرم (ص)
آمده که این آیه در مورد ائمه علیهم السلام زمان امامت حضرت مهدی (ع) نازل گردیده است.^۳
حال این سؤال از نظر و فکر شیعه عنوان می گردد که چگونه می توان در زمان غیبت با وجود
اختلافات و شبّه‌ها و انحرافات دینی به فهم درستی از دین و مباحث مهد وی و دست یافت. در
پاسخ باید گفت که راه حل این مشکل در بسیاری از روایات توسط ائمّه معصومین علیهم السلام
آمده که به آن احادیث اشاره می‌نمائیم:

الف - در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «**گریزگاه مردم از فتنه‌ها، ظلم‌ها و ستم‌ها از عراق به کوفه و حوالی آن و به قم و اطراف آن خواهد بود**^۴». در روایت دیگری نیز فرمودند: «**کوفه از مؤمنان خالی می‌شود و علم از آن برچیده می‌شود، آنچنان که مار در لانه خود در رهم می‌پیچد، آنگاه در شهری به نام ، قم ظاهر می‌شود و آنجا معدن علم و فضل می‌گردد، و آن در نزدیکی های ظهور قائم ما است و خداوند قم واهل آن را قائم مقام حضرت حجت** (ع) **قرار**

۱ - همو، ج ۲، ص ۲۵۹ و ۳۴۲.

۲ - همو، ج ۲، ص ۳۵۲، ح ۳۷.

۳ - همو، ج ۱، ص ۲۵۰ باب ۲۳ ح ۳۷.

۴ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۹۹ و ۲۱۵ و تاریخ قم ص ۹۹؛ بنگرید به: همو، ص ۹۰ و تاریخ قم، ص ۹۰؛ قمی، عباس، سفیت‌البحار.

می‌دهد، و حجت خود را بر مردم جهان به اتمام می‌رساند ^۱ لاینکه در روی کره زمین کسی نمی‌ماند که علم و دین به او نرسیده باشد، و سپس حضرت قائم (ع) ظاهر می‌گردد.^۲

ب - در روایتی به نقل از امام صادق (ع) آمده که فرمودند: « هرگاه به شما (شیعیان) رنج و بلائی رسید، فشارها و سختیها از هر سو به شما روی آورد . پس بر شما باد که به شهر مقدس قم روی آورید، چه آنکه قم مأوای فاطمیان و جایگاه آسایش و محل راحتی مؤمنان است.^۳

روایات فوق ناظر براین است که در زمان غیبت شهر قم ، مرکز علمی و دینی معتبر در جهان می‌باشد و شیعه متظر با رجوع به علماء مراکز دینی معتبر قم می‌توانند پاسخ سوالهای دینی و شبهه‌های دینی خود را دریابند.

۱ - همو، ص ۲۱۳ ، بیروت ، ج ۵۷ ، ص ۲۱۳.

۲ - مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۴ و ۲۱۷؛ تاریخ قم، ص ۹۸.

شهر قم بصورت شهرکی از شهرهای آتش پرستان ایران بوده است و امروز بعد از گذشت چهارده قرن همه آنچه را که پیشوایان معمصوم (ع) درباره قم فرموده اند تحقیق یافته است . امروز که حوزه علمیه نجف اشرف آن پایگاه هزار ساله جهان تشیع به ضعف گراییده است . حوزه علمیه قم در سال ۱۳۴۰ هجری قمری برابر با سال ۱۳۰۱ شمسی به دست توانایی عبدالکریم حائری، علیه الرحمه و الرضوان، تأسیس شد، پیش از آن مرکز علوم دینی نبود و مراجع تقلید در آنجا سکونت نداشتند و امام صادق(ع) پیش از ۱۲۰۰ سال، پیش از تأسیس حوزه علمیه قم از سکونت مراجع عالیقدر شیعه در آن خبرداده است ». سلیمان، کامل، روزگار رهایی، همو، ج ۱ ، ص ۳۵۷. ائمه معمصومین (علیهم السلام) نیز به طور خصوصی از شهر مذهبی قم نام برده اند، چون با الهام الهی می دانسته‌اند که یک روز ایران مرکز تشیع می شود و قم پایگاه علم و دانش و معدن فقه و فقاهت و حامل رجال دین و مراجع تقلید شیعه و روایان اخبار اهل بیت، و جانشینان حضرت حجت (ع) خواهد بود، از این رو آن را به عنوان پایگاه انقلاب فرهنگی اسلام در نزدیکیهای ظهور حضرت قائم (ع) معرفی نموده اند. بنگردید به هاشمی شهیدی، سید اسدالله ، زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی(ع)، پرهیزگار ، ص ۳۸۲.

۴-۸- نتیجه‌گیری

در این فصل با توجه به آیات و روایات مذکور به غربت حضرت مهدی (ع) پی می‌بریم چنان که از امام موسی بن جعفر(ع) نقل شده است که فرمود: «**هُوَ الظَّرِيدُ الْوَحِيدُ الْغَرِيبُ**»^۱ یعنی : حضرت مهدی (ع) رانده شده و تنها و غریب است . افراد براثر جهل و ندانی به کج فهمی‌های مختلف در دین دچار می‌گردند و با عدم شناخت صحیح از حضرت سبب انحرافات گوناگون در مباحث مهدوی گردیده و فرد را از ارتباط اصلی و معنوی با حضرت محروم می‌سازد .
معرفت و شناخت امام زمان (ع) چراغ و رمز دین داری در دوران غیبت است . اگر فرد در این معرفت خود دچار کج فهمی در دین و تلقی های انحرافی در مباحث مهدوی گردد باور حقیقی و ایمان واقعی خود را نسبت به حضرت از دست داده و گمراه می‌گردد .

۱- صدوق ، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی،**كمال الدين تمام النعمة**، ج ۱ ، باب ۳۰ ، ص ۳۱۸ ، ح ۵ و ح ۲ ، باب ۳۴ ، ص ۳۶۱ ، ح ۴ .

فهرست

منابع فارسی

- ۱- امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، نوزدهم، شفق ، قم ، ۱۳۷۹ ش.
- ۲- ایمانی، کاظم، مهدویت در آثار ابن عربی، پایان نامه ارشد عرفان اسلامی، ۸۵-۸۶.
- ۳- بنی هاشمی، سید محمد، یاری آفتاب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
- ۴- _____، غربت آفتاب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵، ش.
- ۵- جعفری، جواد، جزوه منبع شناسی، مرکز تخصصی مهدویت، [بی‌تا].
- ۶- حائری پور، محمد مهدی و دیگران، نگین آفرینش، درسنامه دوره مقدماتی معارف مهدویت، شریعت، ۱۳۸۷.
- ۷- خمینی، روح الله ، صحیفه نور، عروج.
- ۸- سلیمانی، خدامراد، فرهنگ نامه مهدویت ، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (ع)، مرکز تخصصی مهدویت، دانش ، ۱۳۸۳ ش.
- ۹- ستاد احیاء گسترش فرهنگ مهدویت، برترین های مهدویت در مطبوعات ما ، تنظیم: موسسه فرهنگی انتظار نور، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۰- طالقانی، سید محمود، انتظار ظهور، با کوشش سید محمود موسوی نژاد، [بی‌تا].
- ۱۱- _____، خلاصه‌ای از آینده بشریت از نظرما ، [بی‌تا].
- ۱۲- فصلنامه علمی - تخصصی ویژه امام مهدی (ع) سال هفتم، ش ۲۰، بهار ۱۳۸۶ ش.
- ۱۳- قرآن کریم، ترجمه فولادوند، دارالقرآن کریم، تهران، ۱۴۱۵ق.
- ۱۴- محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه عقاید اسلامی ، معرفت شناسی ، ج ۱ ، به ترجمه‌ی مهدی مهریزی و به همکاری: دکتر رضا برنجکار، ج ۲ ، ترجمه‌ی : مهدی مهریزی ، و با همکاری عبدالهادی مسعودی، دکتر رضا برنجکار ، دارالحدیث ، قم، ۱۳۸۵.
- ۱۵- مطهری ، سید مرتضی؛ انسان کامل، صدر، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۶- _____، قیام و انقلاب مهدی (ع) ، صدر، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۷- موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم ، (در فوائد دعا برای حضرت قائم)، ۲ جلد، به ترجمه‌ی: سید مهدی حائری قزوینی، اسوه، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۳ ش.
- ۱۸- واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، انتظار بهار و باران ، نگین ، ۱۳۸۰ ش.

۱۹- هاشمی شهیدی، سید اسدالله ؛ ظهرور حضرت مهدی (ع) از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، مسجد مقدس جمکران.

۲۰- _____ ، زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی (ع) از دیدگاه روایات، پرهیزگار، ۱۳۶۴ ش.

منابع عربي

- ١- قيمي آمدي، عبدالواحد بن محمد، غرر الحكم و درر الكلم ، ١ جلد، دفتر تبليغات اسلامي ، قم ، ١٣٦٦ ، ش.
- ٢ - حر عاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعه، ٢٩ جلد، موسسه آل بیت، قم ١٤٠٩ ق .
- ٣ - حرانی، حسن بن شیعه، تحف العقول، ١ جلد ، جامعه مدرسین، قم ١٤٠٤ ق .
- ٤ - راوندی، قطب الدين، الخرائج والجرائح، موسسه امام مهدی(عج) قم، ١٤٠٩ ق.
- ٥ - راغب اصفهانی،حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن ، چ ١، دارالعلم الدار الشامية، دمشق بیروت ، ١٤١٢ ق.
- ٦ - سید بن طاووس ، مهج الدعوات، دارالذخائر، قم، ١٤١١ ، ق.
- ٧ - صدوق،محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی ، الخصال، ١ جلد، جامعه مدرسین، قم، ١٤٠٣ ق.
- ٨ - _____،علل الشرایع،1 جلد،مکتبة الداوری،قم، [بی تا].
- ٩ - _____، کمال الدین و تمام النعم ة ، ٢ جلد، دارالكتب الاسلامية ، قم، ١٣٥٩ ق.
- ١٠ - _____، عيون أخبار الرضا (ع)،جهان، ١٣٧٨ ق.
- ١١ - _____، معانی الاخبار، ١ جلد، جامعه مدرسین، قم ، ١٣٦١ ش.
- ١٢ - طوسی، محمدبن الحسن، الغیقیف، موسیون معارف الاسلامی، قم ، ١٣٩٧ ق.
- ١٣- عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر العیاشی چاپخانه علمیه ، تهران، ١٣٨٠ ق.
- ١٤ - کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ٨ جلد، دارالكتب الاسلامی، تهران، ١٣٦٥ ش
- ١٥ - مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار «عليهم السلام»، ١٠ جلد، چاپ موسسه الوفاء، بیروت، لبنان ، ١٤٠٤ ق.
- ١٦ - مفید، الارشاد، فی معرفه حجج الله علی العباد، کنگره شیخ مفید، قم ، ١٤١٣ ق.
- ١٧ - _____،الاختصاص، کنگره شیخ مفید، قم ، ١٤١٣ ق.
- ١٨ - نعمانی، محمدبن ابراهیم، الغیقیف، مکتبه صدوق، تهران، ١٣٩٧ ق .
- ١٩ - نهج البلاغه، یک جلد، دارالهجرة قم، [بی تا].

Abstract:

Title: The effect of messianic belief on Improvement of humans as seen by koran and Hadith

A faith in teachers and reformers has been around since the time of the creation of man. belief in a messiah was incepted amoutn muslims in the time of the holy prophet . A twelveth imam from the scion of the holy prophet is wished for and appears to enter the thought of thinkers in all folds including cultural, social and economic thought .

It could be deduced from the holy koran and sayings by the immaculate imams that the tweleveth imam will be an intermidiairy for divine knowledge in the society that endeavors tor guide and reform the humanity in a partriarchal way. the current thesis is an effort to articulate a definition and evaluation of “ awaithing a messiah” different opinions in this regard have been discussed so that the effect of a messianic faith on intellectual, spiritual, moral and parctical life of humans could be demonstrated. Hurdles to the improvement and progression induced by such faith have also been discussed in brief.

Key words: faith , messianic belief, shiite, awaiting messiah improvement , religious teachings, abberations.

Simin Samimi



Islamic Azad University
Scinces and Research branch

Thesis for (M.A)
Theology – Koranic Scince and Hadith

Subject

The effect of messiainic belief on
improvement of humans as seen by Koran
and Hadith

Supervisor:

Hojatol eslam Val -moslemin Mehdi Mehrizi

Advisor:

Dr. Mojgan sarshar

By: Simmin Samimi

School year ۱۴۰۸-۱۴۰۹

